اولین روزنامه سهامداری ایران (خبرنگاران و کارکنان)

صمت
صنعت معدن تجارت

شنبه
• ۲۴ دی ۱۴۰۱
• ۲۱ جمادی‌الثانی ۱۴۴۴
• ۱۴ ژانویه ۲۰۲۳

• سال سی‌ودوم شماره پیاپی ۳۵۶۲ • دوره جدید سال نهم شماره ۲۲۴۴ • ۱۶ صفحه • قیمت: ۵۰۰۰ تومان

www.smtnews.ir - http://Telegram.me/smtnews



عقد پنج تفاهم‌نامه همکاری فولاد هرمزگان با شرکت‌های دانش‌بنیان در جشنواره ملی فولاد
۱۱

سرمقاله
گرانی عادی نمی‌شود ۲

گفت‌وگو
چه کسی جای مردم نشسته است؟ ۶

یادداشت‌های امروز
آزادسازی صنعت خودرو؛ از رویا تا واقعیت ۴
اقتصاد در دوراهی ۶
اصرار بیجا برای اجرای قواعد بازار آزاد ۹
تحقق اقتصاد آزاد با خروج از لیست سیاه FATF ۱۴



پرونده

صمت مزایا و معایب سیاست‌های اقتصاد بازار و دولتی را بررسی کرد

رستگاری در اقتصاد آزاد

رستگاری در اقتصاد آزاد ۴
نجات اقتصاد با خصوصی‌سازی واقعی ۷
مقدمه بازار آزاد، جهانی شدن است ۸
بنایی که از پایه کج است، ریزش می کند ۹
کیک اقتصاد ایران کوچک شد ۱۰
انحصار، برگ برنده تولید در اقتصاد دستوری ۱۲
خبری از پول نیست ۱۳
اقتصاد تعادلی، راه نجات بازار ۱۴
تغییر مسیر یک‌شبه ممکن نیست ۱۵

طرح: آیدا فریدی

مدیرعامل فولاد خوزستان:

افتتاح ۳۳ پروژه در دهه فجر با سرمایه‌گذاری ۱۲۰۰ میلیارد تومان در فولاد خوزستان



به گزارش خبرنگار روابط‌عمومی فولاد خوزستان، به مناسبت فرارسیدن چهل و چهارمین سالگرد پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی، ۳۳ پروژه به ارزش ۱۲۰۰ میلیارد تومان در راستای دستیابی به تولید پایدار ٤ میلیون تن تولید فولاد در افق ۱٤۰٤ و ۶/۱۳ میلیون تُن تا سال ۱٤۱۰ افتتاح می‌شود.

از نکات بارز اجرایی شدن این پروژه‌ها می‌توان به: پایداری تولید، بهینه‌سازی فناوری، افزایش ظرفیت، کاهش پیامدهای زیست‌محیطی و عمل به مسئولیت‌های اجتماعی اشاره کرد.

اشتغال‌زایی مستقیم برای ۵۰ شرکت در دوره اجرای این پروژه‌ها و سهم بیش از ۷۷درصدی بکارگیری توانمندی شرکت‌های داخلی با صرفه‌جویی ارزی بالغ بر ۳۰ میلیون یورو از دیگر ویژگی‌های پروژه‌هایی است که در دهه فجر امسال در فولادخوزستان افتتاح می‌گردند.

وزارت راه و شهرسازی
اداره کل راه و شهرسازی استان تهران

نوبت اول

وزارت راه و شهرسازی
اداره کل راه و شهرسازی استان تهران

آگهی مزایده عمومی فروش خانه‌های سازمانی
اداره کل راه و شهرسازی استان تهران سری دوازدهم ۱۴۰۱/۲۶

اداره کل راه و شهرسازی استان تهران در نظر دارد در راستای ماده ۸ قانون ساماندهی عرضه و توزیع مسکن مصوب ۱۳۸۷ تعداد ۷ قطعه از املاک را به شرح زیر را از طریق مزایده عمومی و بصورت نقدی به فروش برساند.

ردیف	آدرس	پلاک فرعی	پلاک اصلی	مساحت	توضیحات	قیمت پایه مزایده (ریال)	میزان تضمین شرکت در مزایده به صورت فیش نقدی و یا ضمانت نامه بانکی(ریال)
۱	سعادت‌آباد سرو غربی پلاک ۳۵ واحد ۱	۴۱۸	۷۲	۸۸/۳۳	آپارتمان مسکونی -تخلیه – دارای سند تک برگ به انضمام انباری و پارکینگ	۹۷,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۴,۸۵۰,۰۰۰,۰۰۰۰
۲	سعادت‌آباد خ سوم شرقی پلاک ۳ واحد ۶	۳۴۲۲۹	۷۲-۱۳۱۷	۸۸/۱۶	آپارتمان مسکونی – دارای سند تک برگ به انضمام انباری و پارکینگ	۷۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۳,۵۵۰,۰۰۰,۰۰۰
۳	اسلامشهر شهرک قائمیه کوچه ۴۳ روبه روی پارک شادی	۲۶۰۰۱	۵۲	۲۹۲/۴۴	مسکونی -تخلیه -فاقد پایانکار	۴۶,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۲,۳۲۵,۰۰۰,۰۰۰
۴	اسلامشهر شهرک قائمیه کوچه ۴۳ روبه روی پارک شادی	۲۵۹۹۸	۵۲	۲۹۱/۹۲	مسکونی -تخلیه -فاقد پایانکار	۴۶,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۲,۳۲۰,۰۰۰,۰۰۰
۵	اسلامشهر شهرک قائمیه کوچه ۴۳ روبه روی پارک شادی	۲۶۰۰۲	۵۲	۲۳۴/۵۷	مسکونی -تخلیه -فاقد پایانکار	۳۳,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱,۶۷۵,۰۰۰,۰۰۰
۶	اسلامشهر قائمیه خیابان ۴۲ یا شهید حقی خ باغستان -کوچه فرهنگیان۴	۲۵۹۹۷	۵۲	۱۵۲۳/۸۱	مسکونی -تخلیه -فاقد پایانکار	۲۱۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۰,۲۴۰,۰۰۰,۰۰۰
۷	اسلامشهر شهرک قائمیه کوچه ۴۳ روبه روی پارک شادی	۲۶۰۰۰	۵۲	۲۹۱/۳۸	مسکونی -تخلیه -فاقد پایانکار	۴۶,۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۲,۳۱۵,۰۰۰,۰۰۰

مراحل برگزاری مزایده از دریافت اسناد و شرایط مزایده تا ارائه پیشنهاد مزایده گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد. شماره مزایده در سامانه ستاد ایران ۲۰۰۱۰۰۳۰۲۹۰۰۰۰۱۰ می‌باشد.
تصریح می گردد مزایده گران می‌بایست برگ شرایط مزایده که در نشانی فوق درج گردیده است از طریق سامانه ستاد دریافت نموده و با قید قبولی تمامی صفحات آن را امضاء نموده و به پیشنهاد خود ضمیمه و تسلیم نمایند.
مهلت دریافت شرایط مزایده از سامانه ستاد: از تاریخ ۱۴۰۱/۱۰/۲۴ ساعت ۱۲ لغایت ۱۴۰۱/۱۱/۰۱ ساعت ۱۲
مهلت ارائه پیشنهادات در سامانه ستاد: از تاریخ ۱۴۰۱/۱۰/۲۴ ساعت ۱۲ لغایت ۱۴۰۱/۱۱/۱۶ ساعت ۸ صبح
تاریخ و مکان بازگشایی پاکات مزایده از طریق سامانه ستاد: تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۶ ساعت ۹ صبح - اداره کل راه و شهرسازی استان تهران به نشانی پایین‌تر از پل کریمخان زند، خیابان شهید سپهبد قرنی، خیابان کلانتری، پلاک ۸۰ (حضور کلیه مزایده گران در زمان و محل بازگشایی بلامانع است) تلفن پاسخگویی به سئوالات ۴۱۰۸۲۰۰۰ داخلی ۳۲۰۲

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۱۰/۲۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵

اداره کل راه و شهر سازی استان تهران

سر مقاله

گرانی عادی نمی‌شود



ناصر بزرگمهر – مدیر مسئول
به نام او که هرچه بخواهد همان می‌شود

شنبه، ۲۸ مهر ۱۳۹۷ در رسانه‌های مختلف نوشتم گرانی عادی نمی‌شود؛ به فکر اقتصاد باشید. در همان یادداشت ۴ سال قبل درباره ارز و اقتصاد نوشتم و حالا با تغییر دولت و گذشت این سال‌ها، فقط قیمت‌ها بیشتر شده، وگرنه اتفاق خاصی در کنترل تورم رخ نداده است. همان یادداشت ۴ سال قبل را با حذف اعداد بخوانیم:

این روزها، روزهای عجیبی است. همه چیز در ظاهر به هم ریخته است؛ اخلاق در سراشیبی، فرهنگ در حال تغییر، اقتصاد در سربالایی، قیمت‌ها چند برابر، تورم دوسه رقمی، قیمت‌های دولتی سرگردان، گرانی‌ها افسارگسیخته، سرمایه‌ها یک چهارم، اقتصاد آزاد بلاتکلیف، بخش خصوصی تعطیل، مردم نگران و همه می‌گویند همه چیز به بازار سکه و ارز و برجام مربوط می‌شود؟ و قیمت سکه و دلار و ارز هم در آسمان‌ها می‌چرخد و از همه مهم‌تر دست اندرکاران بی‌تفاوت یا در سکوت روزگار می‌گذرانند تا شاید مردم به این وضعیت، عادت کنند.

اما مردم نمی‌توانند به این یکی عادت کنند. البته مردم در میان گرانی و تورم و ارز بین رفتن سرمایه‌ها و پس‌اندازهای کوچک و بزرگ‌شان همچنان روحیه طنز خود را حفظ می‌کنند و در دنیای مجازی لحظه به لحظه با خنده و شوخی با دولتیان روزگار می‌گذرانند.

بعضی می‌نویسد: بازار شام دلار در ایران؛ دلار کوچه‌های فردوسی، دلار صرافی‌های آزاد، دلار صرافی‌های دولتی، دلار مسافرتی، دلار سنایی، دلار نیمایی، دلار ترجیحی، دلار مبادله‌ای، دلار فردایی، دلار صادراتی، دلار وارداتی، دلار حواله‌ای، دلار هواپیمایی، دلار کربلایی، دلار حیاتی واحد خبر، دلار سبزه‌میدان، دلار خیابان فردوسی، دلار چهارراه استانبول، دلار پاساژ افشار، دلار شیراز، دلار هرات، دلار سلیمانیه، دلار غذادار، دلار جهانگیری، دلار سفید، دلار دولت تدبیر، دلار دولت امید، دلار دولت مردمی، دلار دولت اصلاحات، دلار دولت سازندگی، دلار دولت جنگ، دلار رژیم پهلوی، دلار دوران قاجار، دلار یک سال قبل، دلار یک ماه پیش، دلار یک هفته قبل، دلار یک روز پیش، دلار یک ساعت قبل، دلار یک دقیقه پیش و...

دیگری می‌نویسد: گرانی دلار، دلایل اقتصادی ندارد، دلایل جغرافیایی دارد. ما اشتباهی جایی متولد شدیم که دلار توش هی گرون میشه؛ وگرنه خود دلار که گرون نیست.

نفر سوم از مراحل رویارویی مسئولان با افزایش نرخ دلار این گونه می‌نویسد: سکوت، انکار، تکذیب، تکذیبِ تکذیب، دستور پیگیری فوری، تشکیل جلسه فوری، تعیین مقصران (تلگرام، واتساپ و اینستاگرام)، تعیین نرخ خیالی جدید، گران شدن دوباره دلار و تکرار چرخه بالا که همی می‌چرخد.

عده‌ای هم دولت را مقصر می‌دانند و می‌نویسند: آیا می‌دانید دولت از محل افزایش نرخ ارز چقدر سود کرد؟ آیا می‌دانید کل حقوق کارکنان دولت از گرانی ارز تامین می‌شود؟ آیا می‌دانید کل یارانه‌های مردم از جیب خود مردم تامین می‌شود؟ آیا می‌دانید درآمد دولت فقط از محل فروش نفت ۳ برابر شد؟ آیا می‌دانید پیش‌بینی درآمد نفت با نرخ هر بشکه بودجه چقدر می‌شود و با دلار آزاد چقدر؟ آیا می‌دانید درآمد دولت از محل فروش نفت چقدر افزایش پیدا کرده است؟ آیا می‌دانید سازمان‌های دولتی و شبه‌دولتی و دو خودروساز نیمه‌دولتی و امثالهم با گران شدن دلار چه مقدار سود می‌کنند؟ آیا می‌دانید بعضی گرانی‌ها بیش از ۵۰۰ درصد تورم داشته است؟ آیا می‌دانید عوارض خروج دست‌کم برای ۵ میلیون مسافر در سال بین ۳۰۰ تا ۶۰۰ درصد افزایش داشته است؟ آیا می‌دانید عوارض شهرداری برای ۲۰ میلیون خانوار یعنی همه ایران بدون اطلاع‌رسانی ۲ برابر شده است؟ آیا از گرانی‌های پنهان خبر دارید؟

یکی از خوانندگان عزیز هم برایم این حکایت را فرستاده است: در زمان‌های دور، روستایی بود که فقط یک چاه آب آشامیدنی داشت. یک روز سگی داخل چاه افتاد و مرد.

آب چاه دیگر قابل استفاده نبود. روستاییان نگران شدند و پیش مرد خردمندی رفتند تا چاره کار را به آنها بگوید. مرد خردمند به آنها گفت ۱۰۰ سطل از چاه آب بردارید و دور بریزید تا آب تمیز جای آن را بگیرد. روستاییان ۱۰۰ سطل آب برداشتند اما فرقی نکرد و آب کثیف و بدبو بود.

دوباره پیش خردمند رفتند. او پیشنهاد کرد ۱۰۰ سطل دیگر هم آب بردارند. روستاییان این کار را انجام دادند، اما باز هم آب کثیف بود. روستاییان بنا بر گفته مرد خردمند برای بار سوم هم ۱۰۰ سطل آب از چاه برداشتند، اما مشکل حل نشد.

مرد خردمند گفت: چطور ممکن است این همه آب از چاه برداشته شود، اما آب هنوز آلوده باشد؟ آیا شما پیش از برداشتن این ۳۰۰ سطل آب، لاشه سگ را از چاه خارج کردید؟ روستاییان گفتند نه، تو گفتی فقط آب برداریم؛ نه لاشه سگ را!!

این دقیقا حکایت این روزهای مدیریت اقتصادی و بازار ارز و بخش خصوصی و دولتی ماست.

ارز را به بهانه‌ای گران کردند، چندین بخشنامه صادر کردند، دلالان ارز را دستگیر کردند، سلطان ارز را اعدام کردند، صرافی‌ها را مجبور کردند ارز خرید و فروش نکنند، ارز مسافرتی اختصاص دادند، ژست دلسوزی گرفتند که این دفعه می‌خواهیم کاری کنیم کارستان، کلمه قاطعانه را بارها در کلام و بخشنامه‌های خود تکرار کردند، چندین جلسه تخصصی در دولت و مجلس برگزار شد؛ اما همچنان لاشه سگ را در چاه آب نگه داشتند!

مدیریت رانتی و آلوده به فساد در ساز کارهای رانتی و آلوده به فساد باز تولید می‌شود. هیچ کس در اندیشه اصلاح امور اقتصادی از سرچشمه که همان اقتصاد دولتی و رانتی و غیر رقابتی بوده است؛ نیست. کسی به فکر اقتصاد آزاد و حمایت از بخش خصوصی واقعی نیست. کسی به فکر تعطیل کردن اتاق‌های بازرگانی و حساب و کتاب کشیدن از سردمداران این اتاق‌ها نیست.

«لاشه سگ» ته چاه اقتصاد ایران گیر کرده است. لاشه سگ همان اقتصاد نفتی، اقتصاد دولتی و اقتصاد رانتی عده خاص اتاق‌ها که ارزهای خاص گرفتند، است که هر بار بوی متعفن آن به مشام می‌رسد.

همه این مشکلات فقط برای مردم است. این همه گرانی را چگونه می‌خواهند به حالت اولش برگردانند؟ کدام درآمد جدید به مردم اضافه شده که بتوانند جبران این گرانی‌ها را بکنند؟ کدام کارخانه جدید راه‌اندازی شده که جوابگوی بازار ملتهب باشد؟ کدام تولید قرار است جای واردات را بگیرد؟ کدام ارز قرار است واردات را سروسامان دهد؟ با ارز رسمی ۴ هزار و ۲۰۰ تومانی جهانگیری یا ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی فرزین؟ کدام ارزانی قرار است به وجود آید؟ وقتی مفسدان اقتصادی در گوشه و کنار مملکت رخنه کرده‌اند، چگونه می‌خواهند اوضاع را پاک و پاکیزه کنند؟ عقل و منطق حکم می‌کند پیش از کاشتن دانه، علف‌های هرز را از زمین بیرون بکشند. حالا انتظار دارید معجزه‌ای اتفاق بیفتد؟ لاشه سگ همچنان در چاه آب است!

صمت مزایا و معایب سیاست‌های اقتصاد بازار و دولتی را بررسی کرد

رستگاری در اقتصاد آزاد؟!

بسیاری از اقتصاددانان و تحلیلگران بازار بر این باورند که تنها راه‌حل مشکلات اقتصادی کشور و توسعه فرهنگی ایجاد اقتصاد آزاد و بهره‌گیری از آن است. به همین دلیل مطالعه اقتصاد آزاد برای افرادی که در این حوزه وارد شده‌اند اهمیت بالایی دارد. بسیاری اقتصاد آزاد را اقتصاد آزاد بازاری نام‌گذاری می‌کنند که تحقق آن بیشتر شبیه به یک ایده‌آل است تا یک وضعیت امکان‌پذیر در اقتصاد کشور، به همین دلیل وقتی صحبت از اجرای سیاست اقتصاد آزاد می‌شود؛ نکته مهم تلاش برای نزدیک شدن به این وضعیت ایده‌آل است. به گفته تحلیلگران برای مطالعه جزییات اقتصاد آزاد بازاری باید توجه خاص به دو مسئله داشت. نخست آنکه اقتصاد مورد بررسی، اقتصادی آزاد است که در نقطه مقابل اقتصاد دولتی یا کنترل‌شده قرار می‌گیرد و دوم اینکه در این اقتصاد متکی بر بازار، فاکتورهای بازاری یعنی عرضه و تقاضا یا خریدار و فروشنده عوامل تعیین‌کننده نرخ هستند. برهمین اساس، تولیدکنندگان برای ارتقای کیفی محصولات و بالا رفتن قدرت رقابت در بازار تلاش می‌کنند و همین مسئله به بهبود کیفی محصولات و کاهش نرخ می‌انجامد. در نهایت مدافعان این نوع از اقتصاد معتقدند؛ اقتصاد آزاد به دلیل اعمال شفافیت بهتر از اقتصاد دستوری است. البته باید توجه داشت که در هیچ‌جای دنیا اقتصاد کاملا آزاد نیز همچون اقتصاد کاملا بازاری وجود ندارد و یک وضعیت ایده‌آل برای مطالعات اقتصادی به شمار می‌رود. با این همه کارشناسان معتقدند هر چه درجه آزادی اقتصاد در کشوری بیشتر باشد و کنترل دولت بر عملکرد بازار و قیمت‌ها کمتر باشد آن اقتصاد بهتر و بیشتر می‌تواند عمل کند. اما اینکه اقتصاد دولتی یا اقتصاد آزاد؛ کدام مطلوب شرایط امروز ایران است؟ سوالی بسیار مهم است که مورد مناقشه و اختلاف نظر بسیاری است. بسیاری معتقدند اقتصاد ایران سال‌هاست بر سر دوراهی انتخاب قرار گرفته و باید بین کوپنی شدن اقتصاد و یا آزادسازی آن، یکی را انتخاب کند. مسیرهایی که هرکدام مشکلات خاص خود را دارند و با همه این حرف‌ها بزرگ بودن دولت، چالش اصلی بخش خصوصی برای نقش‌آفرینی در اقتصاد است.

صمت در این گزارش با توجه به شرایط امروز ایران به بررسی مزایا و معایب اقتصاد آزاد و اقتصاد دستوری پرداخته است. با این شماره صمت همراه باشید.

اقتصاد آزاد یا دولتی؛ مسئله این است



انسان‌ها در زندگی، نیازهایی دارند که برای رفع هرکدام از آن‌ها، راهی برایشان وجود دارد. برای مثال زمانی که گرسنه‌ایم به فروشگاهی رفته و برای خود مواد غذایی تهیه می‌کنیم. این فروشگاه نیز مواد غذایی‌اش را از تولیدی‌هایی مثل کارخانه‌ها تأمین می‌کند.

حال باید از خود بپرسیم چه سیستمی این تولیدی‌ها را هدایت می‌کند و محصولات چگونه تولید می‌شوند؟ چه فاکتورهایی برای تولید یک محصول باکیفیت وجود دارد؟

با توجه به محدود بودن منابع برای تولید محصول، به سیستم‌هایی برای نظارت بر تولیدی‌ها نیاز داریم تا به‌درستی بتوانیم از منابع استفاده کنیم.

همچنین با توجه به میزان حضور دولت در سیستم‌ها، می‌توانیم آنها را از یکدیگر تفکیک کنیم. برای بررسی شاخصه‌های اقتصاد آزاد و اقتصاد دستوری باید مفاهیم عرضه و تقاضا را درک کرده و سپس به بررسی دو سیستم اقتصاد دستوری و اقتصاد بازار آزاد بپردازیم.

اهمیت قانون عرضه و تقاضا در بازار آزاد

به مقدار محصول یا خدمتی که تولیدکننده با قیمتی مشخص، تمایل به تامین آن دارد، عرضه می‌گویند و به مقدار محصول یا خدماتی که خریداران با قیمتی مشخص، مایل به خرید آن هستند، تقاضا گفته می‌شود. همان‌طور که می‌دانید، وقتی تقاضای کالا یا خدماتی از میزان عرضه آن بیشتر باشد، قیمت‌ها هم بالاتر خواهد بود و هر چه عرضه کالا یا خدماتی بیشتر از تقاضای آن باشد، قیمت‌ها پایین‌تر خواهد بود. به این مفهوم، قانون عرضه و تقاضا گفته می‌شود که در بازار آزاد، بسیار اهمیت دارد. می‌توان گفت در بازار آزاد، تمام آنچه تولید می‌شود، بر اساس همین قانون و در ادامه آن، سود سرمایه‌داران و تولیدی‌ها است.

درحقیقت این خریداران هستند که تصمیم می‌گیرند چه کالایی را انتخاب و خریداری کنند. در مقابل آن، تولیدی‌ها نیاز دارند تا بهترین امکانات را با پایین‌ترین قیمت، در اختیار خریداران قرار بدهند. اگر یک تولیدی، خریداران زیادی داشته باشد، آن تولیدی بیشتر سود می‌کند؛ درنتیجه، می‌تواند محصولات بیشتری تولید کند و عرضه و تقاضا شکل می‌گیرد. شرکت و یا تولیدی‌هایی که مردم از آنها استقبال نکنند، به‌مرور از بین می‌روند. این موضوع در تمام بازارها و برای تمام محصولات، مانند ماشین و حتی کفش هم صدق می‌کند.

همچنین به علت محدودیتی که در منابع وجود دارد، باید آنها صرف بیشترین تقاضا از سمت مردم شوند و به‌صورت بهینه مورداستفاده قرار گیرند. زمانی که شرکتی محصولی را تولید می‌کند اما مورد استقبال قرار نمی‌گیرد، شرکت دیگری سعی می‌کند مشابه همان محصول را باکیفیتی بهتر، بادقت بیشتر و البته ارزان‌تر تولید کند. اگر برای کالایی هیچ تقاضایی نباشد، برای تولید آن هم هیچ منابعی هدر داده نخواهد شد. در چنین اقتصادی، دولت کاملا بر روی سیستم اقتصادی دخالت دارد و حضورش دائمی است. به چنین حالتی که دولت بر اقتصاد کنترل دارد، «اقتصاد دستوری» هم گفته می‌شود. در اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده یا دستوری، رقابتی وجود ندارد زیرا این دولت است که همه چیز را تعیین می‌کند. در این اقتصاد، برنامه‌ریزی‌های اصلی اقتصادی بر عهده دولت است که ابزارهای لازم تولید یا نظارت بر تولید را در سطح جامعه در اختیار دارد. مالکیت خصوصی زمین، کار و سرمایه وجود ندارد و یا به‌شدت محدود، برای استفاده در جهت حمایت از برنامه‌های اقتصادی دولت مرکزی است. می‌توان گفت که اقتصادهای برنامه‌ریزی‌شده، قادر به شناسایی نیازهای مصرف‌کننده، کمبود و مازاد در بازار نیستند و همه چیز را دولت تعیین می‌کند.

در اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده، دولت فاکتورهای تولید را کنترل می‌کند. این سیستم، دارای نظم و برنامه‌های از پیش تعیین شده برای تحقق اهدافش است. شاید این‌طور به نظر برسد که این دقیقاً همان کمونیسم و یا سوسیالیسم است اما این‌طور نیست. در واقع هیچ کشوری کاملا کمونیسم نیست زیرا کمونیسم واقعی جامعه‌ای است که در آن طبقات مختلف افراد وجود ندارد. طبقات مختلف یعنی نظم اجتماعی که همه در آن صاحب فاکتورهای تولید هستند و خروجی، به‌طور مساوی بین همه توزیع می‌شود، مانند چین، کوبا و شوروی سابق.

کشورهای زیادی هم هستند که سوسیالیسم هستند. در واقع سوسیالیسم، هم مالکیت عمومی دارد و هم مالکیت خصوصی و هدف نهایی آن، رسیدن به اهداف جمعی و ایجاد دسترسی رایگان و آسان به مواردی مانند آموزش و مراقبت‌های پزشکی است. این توضیحات را گفتیم که بگوییم، در کمونیسم و سوسیالیسم، برنامه‌ریزی اقتصادی وجود دارد و دولت با قانون‌هایی که وضع می‌کند، به تولیدی‌ها کمک می‌کند تا بدانند چه چیزی را، چگونه تولید کنند و چه کسی آن را دریافت کند.

سیستم‌های اقتصاد بازار آزاد

در طرف دیگر این سیستم، اقتصاد با بازار آزاد را داریم. در این سیستم که به آن اقتصاد سرمایه‌داری هم می‌گویند، این افراد هستند که صاحب تولیدی‌ها هستند و دولت هیچ نقشی در اداره آنها ندارد و سود تمام معاملات به افرادی که آن را اداره می‌کنند، برمی‌گردد و دولت دخالتی در هیچ یک از این امور ندارد. همچنین در اقتصاد بازار آزاد، تولیدی‌ها و شرکت‌ها، محصولات را صرفا برای خوبی و خدمت به مردم تولید نمی‌کنند بلکه برای سود خوشان، دست به تولید می‌زنند و خریداران در این سیستم، نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.

ویژگی‌های مثبت سیستم‌های اقتصاد بازار آزاد

از ویژگی‌های مثبت بازار آزاد، می‌توانیم آزادی در انتخاب محصول، قیمت‌گذاری، مالکیت شخصی، رقابت و محدودیت دولت را نام ببریم. همچنین سرمایه‌دارانی که حالا تبدیل به تولیدکننده‌ها شده‌اند می‌توانند به تقاضای خریداران توجه کنند و مواردی مانند درآمد و سلیقه آنها را در تولید کالاها در نظر بگیرند.

دست نامرئی در تولید

جامعه و همین‌طور سلیقه مردم از گذشته تابه‌حال بسیار تغییر کرده و این تغییر همچنان ادامه دارد. با توجه به این موضوع، بازار باید هم‌جهت با این تغییرات پیش برود. تولیدی‌ها باید کالاهایی را طراحی و تولید کنند که در جهان امروزی، هم سو باسلیقه، خواست و نیاز مردم باشد، همچنین اهمیت بازارها نباید دست‌کم گرفته شود.

به نظر شما اگر دولت مسئول تصمیم‌گیری در مورد کالایی مانند ماشین یا موبایل و تولید آنها بود، می‌توانست پاسخگوی تغییر سلیقه و نیاز مردم باشد؟ یا اگر انحصار دولتی برای تولید انواع ماشین‌ها وجود داشت، ماشین‌های باکیفیت تولید می‌شدند؟ پس نباید به بازار و کارکرد آن بی‌توجه بود. در این جا می‌فهمیم که هدف دست نامرئی بازار آزاد، رسیدگی مشاغل و صاحبان کسب‌وکارها، به نیازهای مردم، در راه رسیدن به سود است. یعنی در قبال ارائه خدمات، به سود دلخواه خود می‌رسند. دست نامرئی اصطلاحی است برای بیان اینکه اگر افراد آزادی داشته باشند تا به اهداف خود برسند، این نفع شخصی باعث نفع جمعی و در نهایت، ثروتمندتر شدن جامعه خواهد شد.

در اقتصاد آزاد، بین تولیدی‌ها رقابت وجود دارد و این باعث می‌شود که هرکدام به فکر تولید کالایی باکیفیت‌تر و مفیدتر باشند. همچنین در این بازار، بهای کالا و خدمات بر اساس عرضه و تقاضا تعیین می‌شود اما در اقتصاد دستوری نه‌تنها دولت تعیین قیمت‌ها و کنترل و نظارت بر فرآیند تولید را بر عهده دارد، بلکه حتی در مواردی به محدودکردن یا به‌طورکلی، منع رقابت در بخش خصوصی نیز اقدام می‌کند. در یک اقتصاد کاملا دستوری، رقابت به‌طورکلی وجود ندارد چرا که اقتصاد و تجارت در انحصار و کنترل دولت مرکزی است.

مسئولیت دولت در اقتصاد آزاد

تا به اینجا، از محاسن بازار آزاد گفتیم اما این به معنای کم‌اهمیت بودن دولت نیست. اقتصادها همچنان به دولت نیاز داریم زیرا کارهایی وجود دارد که از عهده بازار آزاد خارج است. اول، حفظ حاکمیت قانون است. ما به قوانین پلیس و دادگاه‌ها نیاز داریم تا نظم را برقرار و حفظ کنند. دوم، تامین خدمات عمومی مانند راه‌ها، تسهیلات و امنیت توسط دولت است و سوم مربوط به زمانی است که مشاغل در ارائه خدمات اشتباه، کم‌کاری یا بی‌توجهی می‌کنند؛ در این مواقع دولت باید مداخله کند. برای مثال، اگر در بازار آزاد، ماشینی تولید می‌شود، باید میزان آلودگی و ایمنی آن دارای سطح استاندارد باشد، در غیر این صورت، دولت باید این استانداردها را بررسی کند و همچنین قوانینی برای میزان مجاز تولید آلودگی کارخانه‌ها و البته رفتارشان با کارگرها وجود داشته باشد.

مسئله مهم این است که در جوامع امروزی، اقتصادهای مدرن، نه کاملا آزادند و نه دستوری. در تمام آنها دولت کم‌وبیش حضور دارد. برای مثال در کشور کره شمالی دولت کاملا بر روی تولیدات تسلط دارد و این کشور دارای اقتصاد دستوری است.

در مقابل آن کشوری مثل نیوزیلند است که دارای مالکیت خصوصی است و مالیات و قوانین کمی دارد. دراین‌بین، کشورهای دیگر وجود دارند که دارای اقتصاد ترکیبی و یا مختلط هستند.

نحوه کار اقتصاد مدرن

بازار محصول جایی است که کالا و خدمات در آن خریدوفروش می‌شود. تولیدی‌ها در این بازارها، محصولات خود را به مردم می‌فروشند. مردم باید برای تهیه این کالاها و خدمات هزینه بپردازند و از طریق فروش منابع موردنیاز تولیدی‌ها در بازار منابع، پول به‌دست می‌آورند.

جریان مدور اقتصاد

تولیدی‌ها با فروش محصولات خود، پول کافی برای خرید منابع به‌دست می‌آورند و مردم با پولی که در ازای فروش منابع به تولیدی‌ها به‌دست آورده‌اند، از بازار محصول، کالای موردنظر خود را تهیه می‌کنند. به این اتفاق «جریان مدور اقتصاد» می‌گویند.

دولت و جریان مدور

همچنین دولت در جامعه وظایفی دارد که برای انجام آنها لازم است محصولات و منابع خریداری کند و خدمات ارائه دهد. به‌عنوان‌مثال دولت برای جاده‌ها، پل‌ها، معلمان و آتش‌نشان‌ها، هزینه پرداخت می‌کند. برای ارائه این خدمات، به کالاها و منابعی نیاز دارد که باید آنها را تهیه کند مانند انواع تجهیزات و استخدام کارمندها. حال این سوال پیش می‌آید که دولت چگونه این هزینه‌ها را پرداخت می‌کند؟ بخشی از این درآمد را دولت، از طریق مالیاتی که از مردم و تولیدی می‌گیرد تأمین می‌کند. بخش دیگر این درآمد را از راه‌های دیگری که برای تأمین مالی وجود دارد، تأمین می‌کند. به‌طورکلی، این جریان مدور بین تولیدی‌ها، مردم و دولت است که اگر به آن، مبادله جهانی را هم اضافه کنیم، پیچیده و گسترده‌تر می‌شود.

اقتصاد مختلط، نتیجه تغییر جوامع

باید بدانیم که اقتصادها تغییر می‌کنند، به‌طوری‌که ممکن است بعضی کشورها به سمت اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده بروند و بعضی دیگر به اقتصاد بازار آزاد روی بیاورند. به‌عنوان‌مثال، کشور چین به سمت بازار آزاد رفته است و دولت کنترل کمتری بر تولیدات دارد و در مقابل کشوری مانند کانادا، عناصر بیشتری از یک اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده در تولیدی‌هایش دیده می‌شود. هرکدام از این کشورها از اقتصاد خود می‌گویند؛ اما در آخر میزان تسلط دولت بر تولیدات، بستگی به نظر شخصی افراد دارد. امروزه بیشتر کشورها دارای اقتصاد مختلط هستند یعنی بخشی از تولیدات در بازار آزاد و بخشی دیگر به کمک نظارت دولت تولید می‌شوند اما همان‌طور که پیش‌تر گفتیم دولت همیشه می‌تواند تأثیرگذار باشد. هر کشوری باید با توجه به تغییراتی که در جامعه به وجود می‌آید و با درنظرگرفتن نیازهای مردم، سیستم مناسب را انتخاب کرده و بر اساس همان تولیدش را اداره کند.

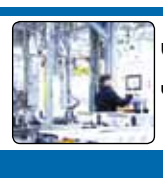
سخن پایانی

براساس مطالب یاد شده در مورد دو سیستم اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده و اقتصاد آزاد و ویژگی‌های آنها گفتیم و متوجه شدیم که هر دو می‌توانند کمک‌کننده و مفید باشند. دولت در هر دو، نقش دارد اما در اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده، این نقش بسیار پررنگ است و تاثیر مستقیم دارد. برای آن‌که افراد جامعه بتوانند به نیازهایشان پاسخ بدهند باید تولیدی‌ها و ارائه‌دهندگان خدمات، کارشان را درست انجام بدهند و برای رونق بیشتر تلاش کنند. همچنین گفتیم که بیشتر کشورها جایی بین اقتصاد دستوری و اقتصاد بازار آزاد هستند، به این دلیل که اقتصاد مختلط در جریان دوار کالاها، پول و منابع، عملکرد بهتری دارد. پس باید این دو شاخه، مزایا و حدومرزهای سیستم اقتصاد، بررسی شوند و راه‌حل‌هایی پیدا کرد که کار را برای مردم و رفع نیازهای جامعه آسان‌تر کند و به پیشرفت اقتصاد و تولیدات و سوددهی بیشتر کمک کند.

گسترش صنعت
شنبه
۲۴ دی ۱۴۰۱
۲۱ جمادی‌الثانی ۱۴۴۴
۱۴ ژانویه ۲۰۲۳
شماره ۲۲۴۴
پیاپی ۳۵۶۲
www.sanatnewspaper.com



قابلیت‌های اقتصاد در وقت آزاد



خبری از پول نیست



اقتصاد تعادلی راه نجات بازار

اقتصاد دستوری رشد تولید را منفی کرد

در ماندگی صنعت از اقتصاد بیمار

دستیابی به رشد اقتصادی یکی از مهم‌ترین اهداف اقتصادی کشورها است و برای نیل به این هدف، شناخت عوامل تاثیرگذار بر آن، بسیار مهم است.

توسعه مالی و باز بودن تجاری، دو عامل موثر بر رشد اقتصادی هستند که از طرق مختلف رشد اقتصادی را تحت تاثیر قرار می‌دهند و موجب گسترش اقتصاد آزاد در جوامع می‌شود. اهمیت بخش صنعت در اقتصاد کشور به عنوان یک بخش مولد در تولید و به دلیل دارا بودن حدود یک پنجم از تولید ناخالص داخلی کشور، یک موضوع انکار نشدنی است. اما از طرفی هم این اقتصاد آزاد است که زمینه‌های رشد تولیدات صنعتی را فراهم می‌کند؛ بنابراین می‌توان از اقتصاد و صنعت به عنوان یک دور باطل یاد کرد. صمت در این گزارش به اهمیت اقتصاد در توسعه صنعتی کشور و همچنین به نقش تولیدات صنعتی در رشد اقتصادی ایران پرداخت.



عکس: صمت

آقای وزیر چه می گوید

وزیر صنعت، معدن و تجارت با اشاره به رشد ۴.۹ درصدی بخش صنعت در نیمه نخست امسال، گفت: در مقایسه با سال‌های گذشته، رشد ۴.۹ درصدی بخش صنعت در نیمه نخست امسال بالاترین رشد از سال ۱۳۹۷ به بعد را داشته است. به گزارش ایسنا، سیدرضا فاطمی امین، اظهار کرد: تمامی بخش‌های صنعت، معدن و تجارت تولید تلقی می‌شوند و از سویی نیز مهم‌ترین شاخص در اقتصاد کشور، تولید است؛ از این رو باید محور تمامی برنامه‌ریزی‌ها را بر مبنای تولید قرار دهیم. براساس اخبار هر چند واحدهای تولیدی با مشکلاتی مواجه هستند، اما در کل، شاهد رشد تولید هستیم و آمارها نیز گویای این موضوع است. وی با اشاره اینکه رشد ارزش افزوده بخش صنعت در نیمه نخست امسال به ۴.۹ درصد افزایش یافته است، افزود: این در حالی است که این عدد در سال قبل ۳.۵ درصد و سال ۱۳۹۹، ۰.۹ و سال ۹۸ و قبل تر از آن منفی بوده است؛ در واقع می توان گفت از رشد منفی در تولید به رشد مثبت و قابل توجهی رسیدیم. تولید شرکت‌های بورسی یکی از شاخص‌های رشد محسوب می‌شود، چرا که ۵۰ درصد تولید کشور را انجام داده و در آبان ماه امسال ۶.۵ درصد رشد تولید داشته‌اند. وی با بیان اینکه رشد بنگاه‌های بزرگ همانند لوکوموتیو است که تولید را به حرکت می‌اندازد، تصریح کرد: امسال رشد صادرات مانیز ۱۷ درصد بوده است.

چه صنایعی رشد منفی را تجربه کردند

بنا به گزارش منتشر شده پژوهشکده پولی و بانکی؛ رشد ماهانه تولید صنعتی ایران در آبان منفی ۲.۶ درصد برآورد شده، این دومین ماه متوالی است که رشد تولید ماهانه در اقتصاد ایران منفی به ثبت می‌رسد.

در مهر نیز این شاخص منفی ۰.۲ درصد بوده است. این در حالی‌است که رشد تولید نسبت به دوره مشابه سال گذشته مثبت ۶.۵ درصد به ثبت رسیده، به طور کلی رشد تولید سالانه از ابتدای سال تا کنون مثبت و روندی صعودی داشته است. البته در آبان به دلیل منفی شدن رشد ماهانه در دو ماه اخیر روند صعودی رشد سالانه متوقف شد و از بالای ۷ درصد به حدود ۶ درصد رسید.

با توجه به اینکه رشد ماهانه در نیمه دوم سال کاملا منفی بوده، پیش‌بینی می‌شود شاهد سقوط رشد سالانه طی ماه‌های آتی باشیم. رشد سالانه صنایع کاغذی در آبان منفی ۱۳.۷ درصد بوده، این نرخ پایین‌ترین رشد رقم خورده در میان تمامی گروه‌های صنعتی اقتصاد ایران محسوب می‌شود.

البته رشد ماهانه این صنعت در آبان مثبت بوده و به نظر می‌رسد در ماه‌های آینده رشد سالانه صنایع کاغذی نیز به بالای صفر بیاید.

رشد تولید سالانه خودرو و قطعات در آبان ماه ۲۷.۸ درصد برآورد شده، این نرخ بالاترین نرخ رشد تولید در میان گروه‌های صنعتی به حساب می‌آید. رشد ماهانه تولید در گروه‌های صنایع شیمیایی و فلزات اساسی در آبان به ترتیب منفی ۳.۶ درصد و منفی ۱.۱ درصد بوده است. این دو گروه مهم‌ترین گروه‌های صنعتی کشور محسوب می‌شود و علت اصلی منفی شدن رشد تولید کل منفی شدن رشد در همین دو گروه است.

همچنین مواد غذایی از دیگر گروه‌های مهمی صنعت است که در آبان رشد منفی را رقم زده است. البته رشد سالانه برای گروه فلزات اساسی مثبت بوده اما برای صنایع غذایی و صنایع شیمیایی رشد سالانه نیز در آبان ۱۴۰۱ منفی بوده است.

برگی از یک پژوهش

مریم خلیلی پژوهشگر در حوزه اقتصاد در یک پژوهش با عنوان «تاثیر سرمایه‌گذاری خصوصی و دولتی بر رشد صنعتی» آورده است؛ توجه کشورهای در حال توسعه از جمله ایران به صنعتی شدن از سال ۱۹۵۰ تاکنون دلایل متعددی داشته است.

بسیاری از کشورهای در حال توسعه به ویژه مستعمرات سابق، صنعتی شدن را معادل متمدن شدن، مستقل شدن و عاملی برای کسب حیثیت می‌دانستند.

به مرور رهبران مطلع تر و واقع بین‌تر کشورهای در حال توسعه، استراتژی توسعه صنعتی را به خاطر توجه به تامین مای‌حتاج زندگی مردم و به‌دست آوردن رفاه اقتصادی بیشتر به عنوان اهرم‌های توسعه کشور به کار گرفتند و فهمیدند که صنعت راهی برای رسیدن به اقتصاد آزاد در کشورها است؛ اما آنچه کوشش‌های صنعتی شدن را تقویت کرد، ماهیت خود صنعتی شدن است که باعث تغییر در کل ساخت و بافت جامعه می‌شود و این خود تفاوت‌هایی بین جوامع پیشرفته و جوامع توسعه نیافته را به وجود می‌آورد.

وی در این پژوهش اشاره کرده است که در عمل تاکنون استراتژی‌های توسعه اقتصادی بر پایه توسعه صنعتی استوار بوده است. به عبارت دیگر توسعه صنعتی با خود اقتصادی شکوفا به همراه می‌آورد.

پیش از انقلاب اسلامی ایران کشور سه موج در جهت صنعتی شدن را پشت سر نهاده بود. با شکل گیری انقلاب اسلامی ایران گذشته از مشکلات سابق، وابستگی شدید به ارز حاصل از نفت برای خرید ماشین‌آلات و قطعات و مواد اولیه مشکلات جدیدی مانند کمبود نقدینگی، عدم تثبیت مدیریت، بی‌تجربگی مدیران تازه، فقدان پیوند بین برنامه‌ریزی و اجرای نیازهای واقعی توسعه صنعتی و غیره پدید آمد.

سخن پایانی

کارشناسان معتقدند به طور کلی عوامل متعددی بر رشد اقتصادی اثر می‌گذارند که تجربه تاریخی ثابت می‌کند که تولید و انتقال فناوری یکی از تعیین کننده‌های مهم رشد اقتصادی هستند. علاوه بر آن، سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه فیزیکی نیز یکی از عوامل اساسی مؤثر بر رشد اقتصادی است. در کشورهایی مانند ایران که صادرکننده منابع زیرزمینی هستند، نوسانات این منابع نیز بر رشد اقتصادی اثرگذار است، زیرا با افزایش یا کاهش این منابع از یکسو منابع لازم برای دولت جهت فراهم کردن زیرساخت‌ها دچار نوسان می‌شوند. ازسوی دیگر منابع لازم برای تجارت خارجی و واردات مواد وماشین‌آلات مورد نیاز برای تولید، به ویژه تولید صنعتی نیز دچار اختلال می‌شوند. بنابراین، نقش نفت و درآمدهای نفتی را نیز در رشد صنعتی باید در نظر گرفت.

آگهی مناقصه عمومی تک‌مرحله‌ای
خرید ریسه بلوطی مولتی کالر

موضوع آگهی: مناقصه عمومی تک‌مرحله‌ای خرید ریسه بلوطی مولتی کالر

مبلغ و نوع سپرده شرکت در مناقصه: مبلغ ضمانت شرکت در مزایده به صورت مقطوع به میزان ۵۱۳،۰۰۰،۰۰۰ ریال می‌باشد که می‌تواند به صورت واریز به حساب ۲۰۱۸۸۰۵۸۶۶ به شماره شبای IR۸۸۰۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰۲۰۱۸۸۰۵۸۶۶ بانک تجارت امام خمینی(ره) یزد و یا به صورت ضمانت‌نامه بانکی در وجه حساب مذکور به شناسه ملی ۱۴۰۰۰۲۹۹۹۸۷ و یا اوراق مشارکت بی‌نام باشد.(تأییدیه ضمانت‌نامه بانکی الزامی می‌باشد.)

مبلغ و نوع سپرده انجام تعهدات: مبلغ ضمانت انجام تعهدات در هنگام عقد قرارداد معادل ۱۰ درصد مبلغ قرارداد می‌باشد.

نحوه تأمین اعتبار پروژه: پروژه از محل بودجه سال ۱۴۰۱ شهرداری یزد تأمین اعتبار می‌شود.

مهلت خرید و تحویل اسناد: زمان خرید اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۱/۱۰/۲۴ تا تاریخ ۱۴۰۱/۱۱/۰۱ و حداکثر تاریخ ارائه پیشنهاد قیمت در سامانه ستاد(سامانه تدارکات الکترونیکی دولت) به آدرس setadiran.ir و تسلیم مدارک(ضمانت‌نامه بانکی) به دبیرخانه محرمانه حراست شهرداری یزد تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۶ می‌باشد و کلیه پیشنهادات در ساعت ۸ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۷ در دفتر رئیس سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهرداری یزد مفتوح و با حضور اعضاء تصمیم گیری خواهد شد.

محل انجام کار: شهرداری یزد (سازمان سیما، منظر)

محل دریافت اسناد: سایت setadiran.ir

قیمت‌وزمان‌فروش‌اسناد: مبلغ‌فروش‌اسناد ۱،۵۰۰،۰۰۰ ریال به‌صورت‌واریزنقدی‌به‌حساب‌شماره ۲۰۱۸۰۵۴۶۶۶ IR۷۹۰۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰۲۰۱۸۰۵۴۶۶۶ نزد بانک تجارت سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه مندرج است.

به پیشنهادهای فاقد سپرده و امضاء، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضای مدت مقرر واصل شود، سپرده‌های مخدوش و کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

تمامی متقاضیان می‌بایست قبل از واریز وجه جهت خرید اسناد، با مراجعه به سایت setadiran.ir فرم پیش‌خرید اسناد را دریافت و مطالعه نمایند.

درصورت عدم رعایت این بند و واریز وجه، شهرداری نسبت به استرداد این وجه هیچ گونه مسئولیتی ندارد.

چنانچه برندگان اول تا دوم حاضر به انعقاد قرارداد نشوند سپرده‌های آنها به ترتیب ضبط خواهد شد.

شهرداری در رد یا قبول هر یک از پیشنهادات مختار است.

شرکت در مناقصه و دادن پیشنهاد به منزله قبول شروط و تکالیف شهرداری یزد موضوع ماده ۱۰ آیین‌نامه معاملات شهرداری های مراکز استان‌ها می‌باشد.

هزینه چاپ و نشر آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

شناسه ۱۴۳۹۴۷۷ — روابط عمومی سازمان سیما، منظر و فضای سبز شهری شهرداری یزد

آگهی مناقصه عمومی (دو مرحله‌ای)
شرکت مجتمع آهن و فولاد الماس آرتاویل (سهامی خاص) مجری بزرگترین پروژه آهن اسفنجی در شمال غرب کشور

شرکت مجتمع آهن و فولاد الماس آرتاویل (سهامی خاص) در نظر دارد **اجرای عملیات احداث خط و ایستگاه ریلی اختصاصی (زیرسازی، روسازی و ابنیه)** خود را واقع در استان اردبیل، شهر اردبیل، کیلومتر ۱۰ جاده آبی بیگلو را به شرکت حائز صلاحیت (حداقل رتبه ۴ راه و ترابری)، دارای تجارب و سوابق اجرایی مرتبط از طریق مناقصه عمومی دو مرحله‌ای و مطابق با اسناد و نقشه‌های تهیه شده واگذار نماید. شایان ذکر است کارفرما در رد یا قبول پیشنهادات اختیار تام را دارد.

زمان دریافت اسناد: از روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۱۹ تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۰۱

مهلت ارائه پیشنهادات: پایان وقت اداری روز سه شنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۱/۱۸

بهای فروش اسناد: مبلغ ۵،۰۰۰،۰۰۰ ریال (پنج میلیون ریال) قابل واریز به حساب شرکت مجتمع آهن و فولاد الماس آرتاویل به شماره IR۲۹۰۵۵۰۰۱۴۷۰۰۲۰۶۷۷۵۲۷۱۰۰۱ نزد بانک اقتصاد نوین.

محل تحویل اسناد: تهران، خیابان نلسون ماندلا، خیابان دستگردی غربی، پلاک ۳۵۲ واحد بازرگانی

ارائه معرفی‌نامه و فیش واریزی جهت دریافت اسناد الزامی است.

شماره تماس: ۰۲۱-۹۲۰۰۱۰۵۱ داخلی ۱۰۵ آماده پاسخگویی به سوالات و ارائه اطلاعات بیشتر می باشد.

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای
شرکت فولاد هرمزگان جنوب

شماره مناقصه ۱۴۲۵۳۴

موضوع مناقصه: احداث سازه سرپوشیده به فرم سوله خرپایی به همراه نصب جرثقیل‌های سقفی برای دو عدد پست SVC به روش EPC

مدت قرارداد: ۱۲ ماه از تاریخ ابلاغ قرارداد

مناقصه‌گزار: شرکت فولاد هرمزگان جنوب

نحوه دریافت اسناد: کلیه متقاضیان با ارسال اسناد ذیل به شماره فکس ۰۷۶-۳۳۵۳۰۱۴۵ و آدرس ایمیل Naderian.r@hosco.ir می‌توانند نسبت به دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند.

۱- واریز مبلغ ۵۰۰،۰۰۰ ریال به شماره حساب ۰۱۱۱۱۱۱۱۰۰۰۰۸ نزد بانک ملی شعبه مرکزی هرمزگان، به نام شرکت فولاد هرمزگان جنوب بابت خرید اسناد مناقصه

۲- نامه اعلام آمادگی شرکت در مناقصه با ذکر شماره تماس و ایمیل رسمی

توضیحات:

۱- تضمین شرکت در مناقصه به مبلغ ۸،۶۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال (هشت میلیارد و ششصد میلیون) ریال خواهد بود.

۲- نوع تضمین:

الف- ضمانتنامه بانکی به نفع کارفرما: مدت اعتبار تضمین بانکی حداقل سه ماه بوده و برای سه ماه دیگر نیز قابل تمدید باشد.

ب- فیش واریز وجه نقد معادل مبلغ ضمانت‌نامه به شماره حساب ۰۱۱۱۱۱۱۱۰۰۰۰۸ نزد بانک ملی شعبه مرکزی هرمزگان

۳- شرکت کنندگان ملزم به ارائه گواهی صلاحیت ایمنی از سازمان تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌باشند.

ج) جدول زمانی انجام مناقصه:

آخرین مهلت دریافت اسناد	آخرین مهلت تحویل پاکات	تاریخ گشایش پاکات الف و ب
۱۴۰۱/۱۰/۲۷	۱۴۰۱/۱۱/۱۷	۱۴۰۱/۱۱/۱۸

نکته: تاریخ بازگشایی پاکات ج متعاقبا اعلام خواهد شد.

متقاضیان برای آگاهی بیشتر می‌توانند در ساعات اداری با شماره تلفن ۰۷۶-۴۴۸۴۳۱۹۵ (اطلاعات بازرگانی) تماس حاصل نمایند. قابل ذکر است که هزینه‌های چاپ آگهی به عهده برنده مناقصه خواهد بود.

روابط عمومی شرکت فولاد هرمزگان جنوب

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نوبت اول ۹۲م الف

برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۲۴۰۰۱۰۰۵۱۰۰ صورخ ۱۴۰۱/۱۰/۱۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندر گناوه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای ایرج بهمیاری فرزند منصور به شماره شناسنامه ۱۱۲۴ کدملی ۳۵۳۹۳۷۷۱۰۷ صادره از مرکزی را نسبت به ششدانگ عرصه و اعیان یک باب خانه به مساحت ۳۱۵ مترمربع در قسمتی از پلاک ۹۱۷ اصلی واقع در امامزاده گناوه خریداری مع‌الواسطه از آقای سید حیات موسوی و شرکاء محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض داد خواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به مراجع ذیصلاح قضایی نمی‌باشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۱۰/۲۴ — تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۱۱/۰۹

محمد چهابدار، رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان گناوه

یادداشت

آزادسازی صنعت خودرو از رویا تا واقعیت



امیرحسن کاکایی
عضو هیات علمی دانشگاه علم و صنعت

سال‌هاست اصل ۴۴ قانون اساسی که دارای یکی از قوی‌ترین اسناد وقوانین اجرایی قانون اساسی است در کشور پیاده می‌شود. جالب این است که این قانون درباره صنعت خودرو هم از حدود ۲۰ سال پیش با سرعت بسیاری اجرایی شد و هم اکنون از نظر قانونی دو خودروساز بزرگ خصوصی و بقیه خودروسازان هم اصالتا خصوصی هستند، اما همچنان همگان فکر می‌کنند جایی مانند ایران خودرو که دولت فقط ۶ درصد در آن سهم دارد و آن هم به‌نوعی در گرو است، دولتی است. اما چرا این گونه است؟ واقعیت این است که خودروسازی جنبه‌های گوناگونی برای دولتمردان و سیاسیون، به‌ویژه وکلای مجلس دارد و محل بسیار مهمی برای مانورهای سیاسی از جمله توسعه محلی شهرستان‌های خاص، اشتغالزایی دوستان و آشنایان و هم محلی‌ها و البته پز سیاسی است. تا وقتی ایران خودرو و سایپا در اختیار وزارت صنعت، معدن و تجارت است، خیلی راحت می‌توان حداقل خودروهای خدمت را با دستور از آنها گرفت، یا مثلا راحت می‌توان دستور داد خودرو جدید طراحی شود تا سیاسیون پز بدهند، حال می‌خواهد این طراحی اقتصادی باشد یا خیر. این وضعیت درباره سایت‌های داخلی و خارجی هم برقرار است. حتی صادرات ما هم موضوعی سیاسی، نه اقتصادی است که با خصوصی‌سازی کامل دو خودروسازی، دیگر چنین ابزاری وجود نخواهد داشت و فقط معیارهای اقتصادی به میان خواهد آمد. در چنین حالتی دیگر سایت بابل یا کرمانشاه یا حتی تبریز لزوما نمی‌توانند به کار خود ادامه دهند. تا وقتی قیمت‌گذاری دستوری وجود دارد و صف‌های طویل برای خرید خودرو رانتی، مسئولان وزارت صنعت، معدن و تجارت مورد توجه هستند. به‌محض اینکه قیمت‌گذاری دستوری حذف شود، دیگر خبری از صف‌های خرید نخواهد بود و تازه باید دولت برای تحریک بازار، پول خرج کند. به‌همین دلیل است که باوجود موارد کاملا قانونی، همچنان دولت حتی از واگذاری کامل سهام تودلی خودداری می‌کند و خلاف قانون، اجازه اعمال قانون تجارت در مجامع دو خودروسازی یادشده و زیرمجموعه‌های آن را نمی‌دهد. چرا باید دو خودروسازی که بیش از ۴ وزارتخانه تقدولی پرسنل و امکانات دارند، واگذار شود؟ جالب این است که از ابتدای امسال، رئیس جمهوری دستور واگذاری کامل سهام دولت به بخش خصوصی را داده‌اند. حتی در چند ماه اخیر جلسات متعددی برگزار شد و بالاخره حدود یک ماه پیش وزارت اقتصاد و وزارت صنعت، معدن و تجارت به توافق رسیدند، اما سهام واگذار نشد. از آن جالب‌تر اینکه وزارت صنعت، معدن و تجارت به‌جای اینکه متن تفاهم را دنبال کند، به‌شدت دنبال قطعه‌قطعه کردن دو خودروساز بزرگ و فروش جداگانه پارس خودرو، ایران خودرو خراسان و... است. این روش برای تکنوکرات‌های بروکرات وزارت صنعت، معدن و تجارت دو خاصیت دارد: اولا که می‌گویند حرف رئیس جمهوری روی زمین نمانده و دوم اینکه همچنان اصل خودروسازی دست‌شان است. سومین خاصیت هم این است که وقتی خودروساز بزرگ را قطعه‌قطعه کنید و بفروشید، بعدا همچنان حیات و مماتش دست خودتان خواهد بود؛ به‌عبارتی در فرآیند اجرای یک نمایش، مایک دنده عقب حسابی از مسیر توسعه صنعت خودرو خواهیم داشت؛ همان طور که حدود ۲۰ سال پیش با واگذاری سهام عمده سازمان گسترش به ظاهر دو خودروساز را خصوصی کردیم. در چنین وضعیتی، همچنان صنعت در اختیار دولت است، در حالی که این نهاد عملا مسئولیتی ندارد. اختیار بدون مسئولیت روشن و جوابگویی، یکی از بهترین حالت‌ها برای سیاسیون بروکرات است. نتیجه برای ملت چه شد؟ صنعت خودرو طی این سال‌ها کاملا از نظارت‌های دولتی و مجلسی شفاف بیرون آمده و شد محلی برای بده‌بستان‌های سیاسی و اقتصادی و لابی‌گری. وقت انتخابات که می‌شود، صنعت خودروسازی می‌شود تامین کننده نیازمندی‌ها و بعد از انتخابات هم می‌شود ابزار استخدام‌ها، سرمایه‌گذاری‌های محلی و پزهای مختلف. البته طی این سال‌ها کار به همین جا متوقف نشده است. قوانین مترقی مانند بهبود فضای کسب و کار و هوای پاک و امثال آنها به بهانه‌های مختلف اجرا نشدند. به‌عنوان مثال درباره موضوع ارتقای کیفیت در راستای کاهش آلایندگی خودروها، خودروسازان کارهای زیادی انجام دادند، اما دولت در تامین سوخت مورد نیاز و بسیاری از موارد دیگر عملا نتوانست به تعهدات خود عمل کند. نتیجه‌اش شده این وضعیتی که می‌بینید: من و شما به‌عنوان مصرف‌کننده پول خودرو یورو ۵ می‌دهیم، اما با سوخت کم کیفیت، بعد از مدت کوتاهی خودرویی در حد یورو ۲ در اختیار داریم با هزینه‌های متعدد نگهداری. حال سوال این است که آیا می‌توان امیدوار بود سال آینده اتفاق خاصی رخ دهد و دولت دست از سر صنعت و بازار خودرو بردارد و بگذارد قوانین اقتصاد آزاد برقرار شود؟ من بعید می‌دانم بروکرات‌ها اجازه چنین شجاعتی را به مسئولان رده بالای مملکتی بدهند تا شجاعانه این تابو را بشکنند و اجازه دهند این صنعت طبق قانون و البته فرآیندهای توسعه بین‌المللی، آزاد شود. به‌عنوان آخرین پیشنهاد می‌توان گفت حداقل کاری که دولت به‌راحتی می‌تواند انجام دهد تا یک گام جدی به سمت اجرای اصل ۴۴ برود، فروش سهام تودلی دو خودروساز یاد و صندوق سرمایه‌گذاری این دو خودروساز به بخش خصوصی به‌صورت بلوکی است، اما دولت حتی از انجام چنین کار قانونی‌ای در این اوضاع امتناع می‌ورزد. جالب‌تر اینکه متاسفانه نه‌تنها فرآیند خصوصی‌سازی در سال جاری پیش نرفت، بلکه هم‌اکنون در دو خودروساز خصولتی، با ترفندهایی نفوذ مالکیتی در زیرمجموعه‌های قطعه‌سازی هم افزایش می‌یابد. البته این کار تا تا اگر بخش خصوصی متقاضی بود، بسیار هم خوب بود، اما با توجه به ماهیت خصولتی بودن این دو، عملا با گسترش سرمایه‌گذاری این دو در بخش قطعه‌سازی، عملا صنعت قطعه‌سازی هم که امروز حدود ۸۰ درصد آن دست بخش خصوصی است، بیش از پیش دولتی می‌شود و از کار آیی می‌افتد؛ به‌عبارتی نه‌تنها در مسیر اصل ۴۴ پیشروی نداریم، بلکه به‌طور زیرپوستی شرایط را برای وابستگی بیشتر زنجیره ارزش در این صنعت به دولت افزایش می‌دهیم. جالب‌تر اینکه هم اکنون وزارت صنعت، معدن و تجارت یک برنامه مفصل دارد که برنامه‌های رویایی پرهزینه و کم‌فایده از نظر اقتصادی خود را بیش از پیش به این صنعت تحمیل کند. یکی از موارد خیلی خطرناک طرح خودرو اقتصادی است که اگر به مبانی آن توجه کنید مشاهده می‌کنید چیزی جز یک رویاپردازی بزرگ از جیب سهامداران و مردم نیست.

قابلیت‌های اقتصاد در وقت آزاد

شهناز صفایی
editor@smtnews.ir

در میان سیستم‌های اقتصادی، یکی از بهترین و ایده‌آل‌ترین سیستم‌ها، نظام اقتصاد آزاد است. در اقتصاد آزاد تمام تصمیمات اقتصادی از سوی فعالان بازار اتخاذ و از تعامل بین افراد و بنگاه‌های اقتصادی در جامعه نحوه تخصیص کالاها و منابع در اقتصاد تعیین می‌شود. اما اینکه اقتصاد ما چقدر در خود مولفه‌های اقتصاد آزاد را دارد، جای پرسش است. شواهد حاکی از این است که هنوز سیستم اقتصادی ما در یک چارچوب تعریف‌شده نیست. صمت درباره میزان عملیاتی شدن آزادی در اقتصاد، به‌ویژه صنعت کشور با کارشناسان این بخش به گفت‌وگو نشسته که در ادامه می‌خوانید.



عکس: صمت

اگر قرار است به سمت اقتصاد آزاد حرکت کنیم، باید نقشه راه داشته باشیم که به ما بگوید به کجا و با چه وسیله‌ای برویم

روز به روز بیشتر از اقتصاد آزاد فاصله می‌گیریم



سیدعلی صدری، کارشناس صنعت در گفت‌وگو با صمت درباره اقتصاد آزاد و اینکه این سیستم در شرایط کنونی چقدر در کشور امکان عملیاتی شدن دارد، اظهار کرد: برجسته‌ترین ویژگی اقتصاد آزاد این است که بازار یعنی عرضه و تقاضا تعیین قیمت کند و نشان دهد چه کالایی تولید شود، رقابت چگونه است و کالا با چه شرایطی به بازار عرضه شود. در شرایط فعلی، سیاست‌های اقتصادی ما به‌گونه‌ای تعریف‌شده که دولت در تنظیم بازار، چه در تولید و عرضه و چه در تامین ارز و مواد اولیه مداخله می‌کند که این رویکرد باعث‌شده بیش از پیش از اقتصاد آزاد فاصله بگیریم.

این عضو خانه صنعت، معدن و تجارت تهران افزود: زمانی می‌گوییم اقتصاد آزاد که دولت دست از قیمت‌گذاری دستوری بردارد. در حال حاضر، دولت کلید واردات و صادرات را در دست گرفته و هر زمان اراده می‌کند، آنها را آزاد یا ممنوع می‌کند، مانند ممنوعیت واردات خودرو که این محدودیت، آسیب‌های بسیار زیادی به صنعت خودرو ما وارد کرد.

این اقدام، افزایش جهشی و سرسام‌آور قیمت خودروها در بازار را به‌دنبال داشت. در نهایت هم بعد از آزمون و خطاهای بسیار به این نتیجه رسیدند که تعدادی خودرو وارد کنند که البته یک‌سری افراد خاص با شرایط خاص اجازه واردات داشتند؛ یعنی هر چه می‌گذرد به‌جای اینکه بیشتر به سمت اقتصاد آزاد برویم تا عرضه و تقاضا تعیین‌کننده وضعیت بازار باشد، برعکس به سمت اقتصاد دولتی حرکت می‌کنیم.

صدری ادامه داد: در چرخه تولید کالا، تولیدکنندگان، تجار یا همان واسطه‌ها و مصرف‌کنندگان هستند که برای استمرار تولید باید این زنجیره را حفظ کنیم. قرار نیست تولیدکننده صفر تا صد کار تولید تا عرضه کالا را انجام دهد.

در این میان می‌گویند سود تولیدکننده باید سود واسطه‌گر را تامین کند که درست نیست. سود توزیع‌کننده را بازار مصرف تامین می‌کند، نه دولت با قیمت‌گذاری دستوری.

صدری خاطرنشان کرد: واقعیت این است که در شرایط فعلی در کشور سازکاری برای ایجاد اقتصاد و بازار آزاد وجود ندارد. سازکار درست زمانی است که دولت دست از مداخله، قیمت‌گذاری دستوری و تعیین‌تکلیف در اقتصاد کشور بردارد.

باید تاکید کرد با تغییر رؤسا هم وضعیت اقتصاد تغییری نمی‌کند و اگر سازکار خراب باشد کاری از پیش نمی‌بریم.

نوسانات نرخ دلار و شرایط تولید، وضعیت اقتصاد و فعالیت واحدهای صنعتی و تولیدی را سخت کرده است.

وی اظهار کرد: دولت باید فقط ناظر باشد تا اقتصاد آزاد محقق شود. دولت با اعمال سیاست‌های آزمون و خطایی، اقتصاد کشور را به سمت‌وسوی کنونی برده و با تغییر دولت‌ها هم تغییری در این بخش ندیدیم.

همه دولت‌ها در ابتدای کار این‌گونه عنوان می‌کنند که با برنامه‌های خوب آمده‌اند و ادعا می‌کنند دولت قبل از آنها، عملکرد خوبی نداشته است. برنامه‌های جدید را اجرا می‌کنند و تا به درکی از وضعیت اقتصاد در سطح کلان برسند، دوره آنها تمام شده و باید دولت بعد بیاید و سکان را به دست بگیرد.

صدری خاطرنشان کرد: کشور ما ظرفیت پذیرش اقتصاد آزاد را دارد. زمانی در دوران کرونا که با کمبود عرضه ماسک و الکل مواجه شدیم، تامین این کالاها به بخش خصوصی واگذار شد و دولت دخالتی در آن نداشت. نیاز به مجوز نبود و دولت فقط رویکرد نظارتی داشت تا کالای استاندارد به دست مصرف‌کننده برسد. با این روند طی چند ماه نیاز داخل تامین و حتی امکان صادرات این دو کالا فراهم شد. چرا؟ چون دولت دخالتی در تولید این کالاها و بازار آنها نداشت.

دولت فضا را آزاد گذاشت، بخش خصوصی هم وارد شد و سرمایه‌گذاری کرد. جایی که دولت مداخله می‌کند، مجوز صادر می‌کند، جلوی واردات و صادرات را می‌گیرد و نرخ ارز تعیین می‌کند، وضعیت ما همین است و بدتر هم خواهد شد.

ذهنیت‌مان را تغییر دهیم

این عضو خانه صنعت، معدن و تجارت تهران ادامه داد: ویژگی اصلی اقتصاد آزاد این است که دولت نقش نظارتی را بر عهده بگیرد و در قیمت‌گذاری و عرضه و تقاضا و چگونگی انجام واردات و صادرات مداخله نکند.

اقتصاد آزاد زمانی به‌معنای واقعی رقم می‌خورد که در اقیانوس شنا کنیم و تا زمانی که در چارچوب آکواریومی هستیم که همه چیز بسته و اکسیژن آن هم دست دولت است که هر وقت بخواهد تزریق یا کم و زیاد کند، وضع اقتصاد به همین شکل خواهد بود.

صدری افزود: وقتی در ۷۰ تا ۸۰ درصد ظرفیت اقتصادی ما، بخش دولتی، رقیب بخش خصوصی است، پس اقتصاد آزاد نداریم. اگر واگذاری و خصوصی‌سازی واقعی انجام شود می‌توان گفت به سمت اقتصاد آزاد در حرکت هستیم. می‌گویند صنعت خودرو آزاد است و آن را واگذار کرده‌ایم، اما دولت حتی در انتخاب مدیران آن هم دخالت می‌کند.

تا زمانی که این تفکر وجود دارد، قطعا اقتصاد آزاد روی کار نخواهد آمد و صنعت ما در بخش کلان همچنان درگیر مشکلات مدیریتی و حلقه‌های گوناگون زنجیره تولید خواهد بود.

وی با اشاره به اینکه بیش از ۸۰ درصد بودجه سالانه کشور، مصرفی است، نه زیرساختی، در پایان گفت: با این تفکرات و سیاست‌ها، به‌جای اینکه به اقتصاد آزاد نزدیک شویم، در حال فاصله گرفتن از آن هستیم. تا زمانی که تفکر منابع انسانی این است که به دولت بچسبد و مدیر دولتی و کارمند حقوق‌بگیر و مزایابگیر شود، اقتصاد آزاد نخواهیم داشت.

برای تحقق اقتصاد آزاد باید فضا را به سمتی ببریم که ذهن منابع انسانی به سمت بنگاه‌های اقتصادی برود. باید ذهنیت و تفکر را از کارمندی تغییر دهیم تا به سمت یک رویکرد جامع و درست برای تحقق اقتصاد آزاد حرکت کنیم.

نشانه‌ای از حرکت به سمت اقتصاد آزاد نیست



آرمان خالقی، کارشناس اقتصاد نیز درباره سیستم اقتصاد آزاد و ظرفیت‌های اقتصاد ایران برای پذیرش این رویه به صمت گفت: اقتصاد آزاد برای ما موضوعی انتزاعی و تئوری است و قاعدتا اقتصاد ما با اقتصادهای آزاد جهان فاصله معناداری دارد.

در اقتصاد آزاد، مداخله دولت در اقتصاد باید به حداقل برسد. هر قدر مداخله به صفر نزدیک شود، اقتصاد آزاد به حداکثر خود نزدیک‌تر می‌شود. در اقتصاد آزاد دولت در جایگاه سیاست‌گذار کلان، حامی و نظارت‌کننده می‌نشیند؛ جایی که اجازه می‌دهد فعالان اقتصادی که عمدتا دولتی هم نیستند بتوانند در یک فضای متعادل و بدون تبعیض و رانت با هم رقابت کنند و با یکدیگر گفتمان اقتصادی داشته باشند.

در این سیستم دولت نظارت می‌کند تا اختلاس اتفاق نیفتد، کلاهبرداری نباشد، افراد منافع مردم و ملی را با هم تبانی نکنند و در نهایت مراقبت می‌کند که اقتصاد، اقتصادی سالم باشد و جلوی پولشویی و فرارهای مالیاتی گرفته شود و...؛ یعنی جایگاه دولت، نظارتی و مراقبتی است.

متاسفانه تعیین‌تکلیف نمی‌کنیم که در اقتصاد کجا هستیم و کدام سیستم بر اقتصاد و صنعت ما حاکم است و در این زمینه تاکنون به تفاهم نرسیده‌ایم، به همین دلیل، گاه این‌گونه استدلال می‌کنیم که اقتصاد ما خیلی آزاد است و وقتی بعد دقیق نگاه کنیم می‌بینیم، نیست و خیلی با آن فاصله داریم، چراکه دولت هر جا بخواهد دستورالعمل و بخشنامه می‌دهد، صادرات و واردات را ممنوع، آزاد یا ابطال می‌کند. بخش دولتی هم رقیب جدی بخش خصوصی است و با استفاده از رانت و اطلاعاتی که دارد، عرصه را برای فعالان بخش خصوصی تنگ و تولید را منزوی می‌کند.

خالقی در ادامه افزود: در اقتصاد آزاد، بخش خصوصی برمبنای محاسبات و توجیهات فنی و اقتصادی، یک پروژه را اجرا می‌کند. در این موارد امکان برخورداری عده‌ای از رانت به حداقل می‌رسد. ما یارانه به آرد می‌دهیم و بعد که تعداد زیادی کارخانه ماکارونی ایجاد شد، با حذف این یارانه، تمام آنها را دچار مشکلات اساسی می‌کنیم. به فرش ماشینی یارانه دادیم و بعد که آن را برداشتیم، این واحدها تعطیل شدند. این نشان می‌دهد سیاست‌گذاری‌های حمایتی که داریم هم رانت‌زا است و هم زمینه سوءاستفاده را فراهم می‌کند.

وی گفت: گاه به‌صورت مقطعی و بدون توجه به تصویر رانتی که پیش‌رو داریم، یک سیاست را انتخاب و اجرا می‌کنیم و در نهایت هم به عده‌ای ضرر و زیان می‌رسانیم که عین مداخله است. این روند بی‌عدالتی را نشان می‌دهد و باعث می‌شود بنگاه‌های اقتصادی با ایجاد رانت، آسیب‌پذیر شوند.

در اقتصاد آزاد قاعدتا این موارد به چشم نمی‌خورد. ما فاصله زیادی با شاخص‌های تجارت آزاد داریم؛ به‌گونه‌ای که حتی در WTO پذیرش نشدیم و خودمان هم نمی‌دانیم اقتصادمان چیست. در این میان، موضوع تحریم هم به‌جای خود بر اقتصاد و صنعت ما تاثیرگذار بوده است.

این کارشناس اقتصاد در پاسخ به پرسشی مبنی اینکه آیا اقتصاد و به‌طور خاص صنعت ما این ظرفیت را دارد که به سمت اقتصاد آزاد برود، اظهار کرد: اقتصاد ما خیلی دور از اقتصاد آزاد است و آنقدر در شرایط گلخانه‌ای نگه داشته شده که واحدهای تولیدی و صنعتی آن با رانت و رابطه توانسته‌اند پایدار بمانند و آنهایی هم که براساس توانمندی‌هایی که داشتند فعالیت کردند به‌سختی توانستند بر مشکلات فراوانی که داشتند غلبه کنند.

برای اینکه به سمت اقتصاد آزاد برویم، دولت باید تکلیف خودش را با بنگاهداری روشن کند؛ یعنی بگوید من بنگاهدار نیستم، سیاست‌گذار و ناظر هستم؛ از این‌رو در جایگاه ناظر بنشیند و مدیریت یا مالکیت بنگاه‌های خود را به بخش خصوصی واگذار کند و از حمایت برخی بنگاه‌ها که هم آنها را ناکارآمد کرده و هم منفعل، دست بردارد و اجازه دهد این بنگاه‌ها هم در شرایط برابر کار کنند.

اقتصاد شتر-گاو-پلنگی

خالقی در ادامه خاطرنشان کرد: برخی شرکت‌های دولتی وابسته به بعضی نهادها و سازمان‌ها هستند و در مناقصه‌ها برنده می‌شوند، چون با امکانات دولتی ورود می‌کنند، هزینه‌های کمتری دارند، راحت‌تر می‌توانند قیمت مناسب‌تری بدهند و گاه هم بخشنامه‌ها و مقررات از آنها حمایت می‌کنند، به‌طور مثال اولویتی به بخش دولتی داده می‌شود. وقتی این‌گونه است بخش خصوصی پا نمی‌گیرد.

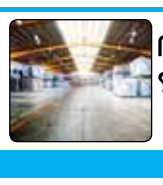
وی اظهار کرد: هیچ برنامه جامعی در این زمینه نمی‌بینیم. اگر قرار است به سمت اقتصاد آزاد حرکت کنیم باید نقشه راه داشته باشیم که به ما بگوید به کجا و با چه وسیله‌ای می‌رویم، در چه نقاطی باید مسیرمان را کنترل کنیم، در مقاطع زمانی مختلف باید چقدر پیشرفت کنیم تا بتوانیم خودکنترلی داشته باشیم که اگر عقب‌تر هستیم بازبینی کنیم تا با سرعت بیشتری پیش برویم.

قاعدتا این سند باید پشتوانه قانونی داشته باشد و در آن به‌صراحت بیان شود که در راستای حرکت به سمت اقتصاد آزد باید فلان قانون را اصلاح یا وضع کنیم و امکانات‌مان را تغییر بدهیم. وقتی چنین سندی نداریم مشخص می‌شود اراده‌ای هم برای حرکت در این مسیر نداریم.

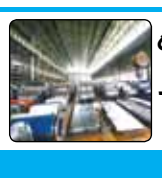
این کارشناس اقتصاد با اشاره به مولفه‌های اقتصاد آزاد در پایان گفت: ما الگوی اقتصادی‌مان را متفاوت از الگوهای اقتصادی دیگر در جهان و بهتر از دیگران می‌دانیم. البته برای این ادعا هیچ مرجعی هم نداریم که بتوان به آن استناد کرد. واقعیت این است که اقتصاد ما شتر-گاو-پلنگی است؛ در بخشی دولتی است، بخشی به سمت تعاونی رفته و بخشی دیگر خصوصی است، اما همیشه دولت در اقتصاد مداخله و به‌طور دستوری عدد تعیین می‌کند و این نشانه خوبی نیست.

سخن پایانی

در اینکه اقتصاد آزاد، بسیار ایده‌آل است و کشور را به سمت رشد و توسعه هدایت می‌کند، شکی نیست، اما ایجاد این فضای اقتصادی ایده‌آل، بسیار دشوار است و همان‌طور که اشاره شد، اقتصاد ما با آن فاصله بسیار زیادی دارد، به همین دلیل بسیاری از اقتصاددانان پیشنهاد می‌کنند نظام اقتصادی مختلط در کشور اجرا شود؛ نظامی که دولت‌ها در تخصیص منابع اقتصادی و توزیع ثروت و بنگاه‌های اقتصادی در فضای اقتصادی و تصمیم‌گیری‌ها نقش داشته باشند تا در نهایت اقتصاد از این وضعیت باری به هرجهت که در سطح کلان برای کشور بسیار آسیب‌رسان است، رها شود.



چه کسی جای مردم نشسته است؟



کم‌عیارهایی که جذاب می‌شوند



انحصار برگ برنده تولید در اقتصاد دستوری

مس، قلع و روی گران، اما آلومینیوم، نیکل و سرب ارزان شدند

سود فلزی‌ها از کاهش درآمد امریکایی‌ها

درحالی‌که وعده‌های دولت چین برای حمایت از بخش ساخت‌وساز و کاهش رشد دستمزد امریکایی‌ها برای ماه دسامبر با تضعیف دلار امریکا زمینه رشد بهای فلزات را مهیا کرده است، فعالان بازارهای کالایی چشم‌انتظار انتشار داده‌های تورمی امریکا برای ماه پایانی سال ۲۰۲۲ و تأثیر آن بر اعضای فدرال رزرو هستند، اگر فدرال رزرو اندکی از رشد نرخ بهره عقب بنشیند، ظرفیت رشد نرخ در بازار فلزات پایه وجود دارد. سال ۲۰۲۲ در حالی به پایان رسید که شاخص بهای فلزات پایه بورس لندن کاهشی ۱۱ درصدی را در بازه سالانه به ثبت رساند. درحالی‌که بروز تنش در اروپای شرقی و در پی آن حمله روسیه به اوکراین ظرف ماه‌های ابتدایی این سال، زمینه صعود قیمتی در بازار فلزات را مهیا کرد، عزم بانک‌های مرکزی برای مهار تورم با محوریت رشد نرخ بهره از سوی فدرال رزرو با ایجاد واهمه از بروز رکود اقتصادی و درعین‌حال جولان کرونا در چین و اعمال محدودیت‌های مستمر قرنطینه‌ای در این کشور با تضعیف تقاضا زمینه تضعیف نرخ فلزات را پدید آورد.



عزم بانک‌های مرکزی برای مهار تورم با محوریت رشد نرخ بهره از سوی فدرال رزرو با ایجاد واهمه از بروز رکود اقتصادی و درعین‌حال جولان کرونا در چین و اعمال محدودیت‌های مستمر قرنطینه‌ای در این کشور با تضعیف تقاضا زمینه تضعیف نرخ فلزات را پدید آورد

شاخص نرخ فلزات بورس لندن ظرف هفته ابتدایی سال ۲۰۲۳ حدود ۲ درصد کاهش داشت و در روز جمعه ششم ژانویه تا ۳ هزار و ۹۰۵ واحد عقب نشست. عمده عقب‌نشینی این شاخص ظرف روزهای ابتدایی هفته رقم خورد و بخشی از این زیان ظرف روز جمعه ششم دسامبر در پی سیگنال‌های مثبت کاهش نظارت بازار املاک در چین و داده‌های اشتغال امریکا برطرف شد.

▣ سیگنال مثبت سقوط شاخص دلار برای فلزی‌ها

داده‌های وزارت کار امریکا نشان داد که در ماه دسامبر ۲۲۳ هزار شغل جدید در این کشور ایجادشده که این رقم بیش از برآورد ۲۰۰ هزار شغل نظرسنجی رویترز اما کمتر از ۲۶۳ هزار شغل ایجادشده در ماه نوامبر بود؛ درعین‌حال میزان درآمد ماهانه امریکایی‌ها ظرف دسامبر ۲۰۲۲ تنها ۰.۳ درصد افزایش یافت که این رقم کمتر از پیش‌بینی و میزان رشد دستمزد برای ماه قبل بود.

تضعیف داده‌های اشتغال و درآمد امریکا زمینه عقب‌گرد شاخص دلار را فراهم کرد که این موضوع سیگنالی افزایشی برای بازارهای کالایی به همراه داشت. درواقع کاهش رشد دستمزد و بروز نشانه‌های دیگر از تضعیف رشد اقتصادی امریکا، باعث امیدواری فعالان بازار به کاهش رشد نرخ بهره از سوی فدرال رزرو شد و زمینه صعود بازارهای مالی و کالایی دنیا را ظرف روز جمعه ششم ژانویه فراهم کرد. البته داده‌های تورم امریکا برای ماه دسامبر ظرف روزهای پایانی هفته پیشرو منتشر می‌شود و نتایج آن می‌تواند بر تصمیمات فدرال رزرو در خصوص میزان سیاست انقباضی برای مهار تورم اثرگذار باشد.

درنهایت ظرف یک هفته ابتدایی سال ۲۰۲۳ منتهی به‌روز جمعه ششم ژانویه قلع ۲.۹۹ درصد مس ۲.۷ درصد و فلز روی ۲.۲۴ درصد گران شدند؛ این در حالی بود که در این بازه زمانی نیکل ۶.۶ درصد، سرب ۴.۵ درصد و آلومینیوم ۲.۶۵ درصد از ارزش خود را در بازارهای جهانی از دست دادند.

▣ احتمال بهبود بازار مسکن در چین به کمک فلز سرخ آمد

فلز سرخ ظرف هفته ابتدایی سال ۲۰۲۳ نوسان نرخ رفت و برگشتی فراوانی را تجربه کرد؛ درحالی‌که واهمه از افزایش تعداد مبتلایان به کرونا در چین و نزدیک شدن به تعطیلات سال نوی چینی از میزان تقاضا برای مس کاست و درنتیجه این فلز تا ۳.۷ دلار به ازای پوند تا روز پنج‌شنبه پنجم ژانویه عقب نشست، تضعیف دلار امریکا ظرف روز جمعه و انتشار خبری مبنی بر کاهش نظارت چین بر بازار املاک از سوی بلومبرگ باعث شد تا مس به مسیر رشد نرخ بازگردد و با ثبت رشد روزانه ۲.۲ درصدی تا ۳.۹۱ دلار به ازای هر پوند معادل ۸ هزار و ۶۰۲ دلار به ازای تن در معاملات آتی کامکس امریکا صعود کند.

سرمایه‌گذاران امیدوارند که چین برای بازگرداندن اقتصاد این کشور به مسیر رشد حمایت بیشتری از بخش ساخت‌وساز انجام دهد؛ این موضوع با تحریک تقاضا برای فلزات صنعتی زمینه رشد بهای این محصولات را فراهم می‌کند. درعین‌حال چین از امروز یکشنبه هشتم ژانویه پذیرای مسافران بین‌المللی بدون نیاز به قرنطینه است. این خبر اگرچه واهمه شیوع گسترده کرونا در کوتاه‌مدت را به دنبال دارد، اما سیگنال مثبتی برای بازگشت تقاضا در میان و بلندمدت خواهد بود و بنابراین محرک تقاضا است.

درعین‌حال شیلی به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین تامین‌کنندگان اصلی مس معدنی در دنیا از کاهش ۶.۹ درصدی تولید این فلز برای ماه نوامبر خبر داد. ظرف سال ۲۰۲۲ تولید معدنی مس با چالش‌های جدی مواجه شد که موجب شد تولید این فلز در ۱۱ ماه نخست سال ۲۰۲۲ نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۰ درصد کاهش یابد.

سخن پایانی

شاخص مدیران خرید تولیدی چین برای ماه دسامبر برابر ۴۷ واحد اعلام شد که این رقم کمتر از سطح واحد به‌عنوان مرز رکود بود. این سومین ماه متوالی و هشتمین ماه غیر متوالی در سال ۲۰۲۲ بود که این شاخص که بیانگر بروز وضعیت رکود است در نرخی کمتر از ۵۰ واحد قرار گرفت. اگرچه دولت چین در ماه دسامبر از میزان محدودیت کرونایی کاست و محرک‌هایی برای حمایت از بخش ساخت‌وساز در چین به‌عنوان یکی از موتورهای محرک اقتصادی این کشور وضع کرد، اما بی‌اعتمادی به بازگشت تقاضا ظرف سال ۲۰۲۳ مانع از رونق فعالیت تولیدی در بزرگ‌ترین اقتصاد کالا محور جهانی شد.

درعین‌حال فدرال رزرو در آخرین جلسه خود در سال ۲۰۲۲ که در نیمه ماه دسامبر برگزار شد از استمرار روند رشد نرخ بهره تا سطح حداقل ۵.۱ درصدی به‌منظور مهار تورم خبر داد که این موضوع نیز با تشدید احتمال بروز رکود در سال ۲۰۲۳، از افت نرخ در بازارهای کالایی حمایت کرد. در بازه یک‌ساله منتهی به‌روز پایانی سال ۲۰۲۲، در معاملات آتی کامکس، قلع افتی ۳۶ درصدی، قلع کاهشی ۱۶ درصدی، آلومینیوم افتی ۱۵.۳ درصدی، مس کاهشی ۱۴.۷ درصدی و سرب افتی ۰.۵ درصدی داشتند، این در حالی بود که در این بازه زمانی نیکل صعودی ۴۳ درصدی را در بازار جهانی به ثبت رساند.

معاون بهره‌برداری شرکت فولاد هرمزگان:

بومی‌سازی خودکفایی صنعتی را به دنبال خواهد داشت

معاون بهره‌برداری شرکت فولاد هرمزگان گفت: بومی‌سازی و توجه به ساخت داخل یکی از مهم‌ترین رویکردهایی است که صنایع فولادی کشور در سال‌های اخیر توانسته‌اند با به کارگیری آن بسیاری از نیازهای خود را به تجهیزات و قطعات برطرف کنند و ادامه این رویکرد کشور را به سمت صنعتی شدن و خودکفایی سوق خواهد داد.

سیداصغر مدنی در گفت‌وگو با خبرنگار روابط‌عمومی با اشاره به عملکرد فولاد هرمزگان در زمینه بومی‌سازی، بیان کرد: طی چند سال اخیر در کشور ما موضوع بومی‌سازی مطرح شده است. این موضوع از چندین منظر در صنایع فولادی اهمیت دارد و باید به بومی‌سازی به صورت خاص توجه شود. صنایع فولادی در کشور ما طی یکی دو دهه گذشته به سرعت پیشرفت کرده‌اند و این صنایع نیاز به قطعات مصرفی و یدکی دارند.

وی افزود: کشور ما در سال‌های اخیر با موضوع بیکاری مشکلات زیادی ایجاد کرده است و از این رو، بومی‌سازی می‌تواند یکی از راهکارهای رفع این معضل در کشور باشد. صنایع می‌توانند با بومی‌سازی به چند هدف به خوبی دست یابند؛ نخست آنکه با رونق گرفتن صنایع کوچک و جنبی به دلیل توجه به بومی‌سازی، بخشی از معضل بیکاری حل می‌شود. علاوه بر این، هنگامی که یک قطعه یا تجهیز در کشور به دست صنعتگران ساخته شود، صنایع سفارش‌دهنده دسترسی بهتر و سریع‌تری به سازنده خواهند داشت. در همین حال تامین قطعه از سازندگان داخلی صرفه‌جویی ارزی و ریالی برای سفارش‌دهنده به همراه خواهد داشت.



معاون بهره‌برداری شرکت فولاد هرمزگان اذعان کرد: بومی‌سازی علاوه بر مزایا، معایبی را هم به همراه دارد. بنابراین اگر بتوانیم در فرایند بومی‌سازی به چند نکته توجه کنیم و به آن‌ها اولویت دهیم، می‌توانیم در این زمینه شاهد پیشرفت قابل ملاحظه‌ای باشیم. قیمت تمام شده، کیفیت محصول تولیدی و زمان تحویل محصول به سفارش‌دهنده از جمله نکاتی هستند که باید هم سفارش‌دهنده و هم تولیدکننده به آن‌ها توجه داشته باشند. در صورتی که این سه پارامتر در کنار هم دیده شوند، بومی‌سازی مانند یک قطار که روی ریل سوار می‌شود، به خوبی حرکت خواهد کرد و در نهایت در جهت پیشرفت صنایع کشور موثر باشد.

مدنی تصریح کرد: امروزه صنایع کشور نیاز دارند از نظر علمی گسترش پیدا کنند. از این رو بومی‌سازی می‌تواند به صنایع کمک کند تا سطح علمی خود را بالا ببرند. رشد علمی صنایع نیز به این صورت است که وقتی یک قطعه ساخته می‌شود، توانایی فنی صنایع نیز بالاتر می‌رود و کشور ما روز به روز به سمت صنعتی شدن پیش خواهد رفت.

وی ادامه داد: با توجه به وضعیت کشور از نظر منابع آبی به ویژه خشکسالی‌های اخیر، ممکن است نتوانیم مانند گذشته سرمایه‌گذاری کنیم. اگر بتوان روی صنعت سرمایه‌گذاری انجام داد که یکی از جنبه‌های صنعتی شدن همین بومی‌سازی است، کشور شاهد پیشرفت خواهد بود. ضمن اینکه می‌توان از دیگر جنبه‌های بومی‌سازی مانند کاهش ارزبری، افزایش اشتغال، رشد دانش فنی و مهارت نیروهای متخصص بهره برد.

▣ استفاده از ظرفیت‌های شرکت‌های دانش‌بنیان در فولاد هرمزگان

معاون بهره‌برداری شرکت فولاد هرمزگان با اشاره به اقدامات این شرکت در زمینه بومی‌سازی، عنوان کرد: در فولاد هرمزگان اقدام به ایجاد یک واحد سازمانی با عنوان بومی‌سازی کرده‌ایم که در این زمینه فعال است. در واحد بومی‌سازی دو موضوع قطعات یدکی و قطعات مصرفی تعریف شده است. ضمن اینکه فولاد هرمزگان با دانشگاه‌های معتبر کشور و همچنین پارک‌های علمی و فناوری در ارتباط است.

نکته قابل اهمیت برای فولاد هرمزگان این است که برخی نیروها توانستند ابتکاراتی را در زمینه بومی‌سازی داشته باشند و اختراع به ثبت برسانند. البته در این راه از شرکت‌های دانش‌بنیان به ویژه در پارک‌های علمی و فناوری و دانشگاه کمک گرفتیم.

مدنی تاکید کرد: فولاد هرمزگان می‌تواند از ظرفیت شرکت‌های دانش‌بنیان استفاده کند اما دانشگاه‌ها نیز باید پای کار بیایند و بتوانند پروژه‌هایی که فولاد هرمزگان به آن‌ها محول می‌کند، در صنعت پیاده‌سازی کنند. در حال حاضر اقداماتی را صورت داده‌ایم که پیشرفت‌های خوبی حاصل شده است. با این حال باید بتوانیم فعالیت خود را بیشتر کنیم. پیشنهاد می‌شود فولاد هرمزگان ارتباط خود را با شرکت‌های خارجی و دانشگاه‌های معتبر دنیا گسترش دهد و این امر برای پیشرفت کشور مثمر ثمر خواهد بود.

وی با اشاره به برخی قطعات بومی‌سازی شده فولاد هرمزگان، گفت: در فولاد هرمزگان با استفاده از ظرفیت دانشگاه و دانشجویان و همچنین پارک‌های علمی و فناوری کشور، پروژه‌هایی را به آن‌ها واگذار کرده‌ایم و توانستیم چند قطعه و تجهیز مهم را توسط شرکت‌های دانش‌بنیان برای نخستین بار در ایران بومی‌سازی کنیم.

فولاد هرمزگان توانسته است قطعات زیادی را بومی‌سازی کند که ازجمله آن‌ها می‌توان به کمپرسورهای احیا مستقیم و موتور دیداسینگ اشاره کرد. ناگفته نماند که بومی‌سازی موتور دیداسینگ بسیار مهم بود و برای نخستین بار در کشور انجام شد. حتی در بدو استفاده از آن، تردیدهایی در مورد عملکرد مناسب تجهیز یاد شده وجود داشت که خوشبختانه این موتور به خوبی کار کرده است.

معاون بهره‌برداری فولاد هرمزگان اضافه کرد: از زمانی که بحث بومی‌سازی آغاز شد، فولاد هرمزگان توانست بیش از ۹۰ درصد از قطعات مصرفی خود را بومی‌سازی کند. به طور مثال اکنون اغلب نسوزهای مورد استفاده در صنعت فولاد کشور از داخل تامین می‌شود. یادآور می‌شود در گذشته برخی تولیدکنندگان نسوز در تامین مواد اولیه و در نتیجه تولید محصول مشکل داشتند اما اکنون با توجه به تامین مواد اولیه از منابع داخلی، این مشکل برطرف شده و این مهم گام بزرگی در راه خودکفایی کشور برای تامین نسوز به شمار می‌رود.

▣ لزوم توجه بیشتر به شرکت‌های دانش‌بنیان در بومی‌سازی

مدنی در پایان تصریح کرد: در صورتی که قصد خودکفایی داشته باشیم، باید به بومی‌سازی بیش از گذشته اهمیت دهیم. در صورتی بومی‌سازی می‌تواند کشور را به خودکفایی برساند که قطار آن روی ریل قرار گیرد و هدف آن پیشرفت کشور باشد. در این رابطه تامین‌کنندگان و دست‌اندرکاران بومی‌سازی به ویژه شرکت‌های دانش‌بنیان باید توجه کنند که علاوه بر ساخت قطعه، به ارتقای دانش فنی و علمی نیز اهمیت دهند. خوشبختانه بسیاری از شرکت‌های دانش‌بنیان رویکرد ارتقای علمی را در پیش گرفته‌اند. علاوه بر این، لازم است ارتباط صنایع فولادی و شرکت‌های دانش‌بنیان با دانشگاه‌های معتبر دنیا گسترش یابد تا بتوانیم از علم روز دنیا استفاده کنیم و هم‌زمان با پیشرفت صنعتی و تکنولوژی دیگر کشور حرکت کنیم.

نوبت دوم
شناسه ۱۴۳۹۰۷۶

آگهی فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله‌ای

شرکت مجتمع گاز پارس‌جنوبی در نظر دارد اقلام مورد نیاز خود را با شرایط ذیل بصورت برگزاری مناقصهٔ عمومی دو مرحله‌ای از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) تامین نماید:

شماره فراخوان در سامانه ستاد ایران	۲۰۰۱۰۹۷۸۴۷۰۰۰۰۳۴
شماره مناقصه و تقاضا	تقاضای MA-۰۰۴۰۳۱۶ مناقصه شماره ۱۴۰۱/۰۶۱
موضوع مناقصه/ شرح مختصر اقلام درخواستی	«P/F:PROG.LOGIC CONTROL SYS»SIEMENS
مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار	۶/۶۸۹/۲۳۹/۲۶۵ ریال
نوع تضمین شرکت درفرایند ارجاع کار	تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار بصورت یکی از تضامین قابل قبول وفق آیین‌نامه تضمین شماره ۱۲۳۴۰۲/ت۵۰۶۵۹ ه مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ هیات وزیران می‌باشد.
مبلغ برآوردی مناقصه	۱۳۳/۷۸۴/۷۸۵/۳۰۲ ریال
آخرین مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی در سامانه ستاد	۱۰ روز پس از درج نوبت دوم آگهی در صفحه اعلان عمومی سامانه ستاد ایران می‌باشد.
آخرین مهلت بارگذاری و ارسال مستندات ارزیابی کیفی (رزومه) در سامانه ستاد	ظرف مدت دو هفته پس از انقضای مهلت دریافت اسناد می‌باشد.
آخرین مهلت بارگزاری پیشنهادات فنی/ مالی در سامانه ستاد	پس از ارزیابی کیفی مناقصه گران، مستندات دریافت پیشنهاد فنی و مالی بهمراه برنامه زمانی از طریق سامانه ستاد ارسال می‌گردد.
آدرس مناقصه‌گزار	استان بوشهر- شهرستان عسلویه- شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی- ساختمان اداری مرکزی ستاد -مدیریت بازرگانی-اداره خرید- گروه خرید

بدیهی است کلیه فرآیند برگزاری مناقصه الکترونیکی از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (سامانه ستاد) به نشانی: WWW.SETADIRAN.IR انجام می‌پذیرد و به پیشنهادهای خارج از سامانه ستاد هیچگونه ترتیب اثری داده نخواهد شد و مناقصه گران بایستی نسبت به ثبت‌نام در سامانه ستاد و دریافت گواهی امضاء الکترونیکی اقدام نمایند.

مناقصه گران می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SPGC.IR مراجعه و یا با شماره تلفن‌های ۷۷۳۱۳۱۲۲۴۸-۲۴۲۶ تماس حاصل فرمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۱۰/۲۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۱۰/۲۴

روابط عمومی شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی

یادداشت

اقتصاد در دوراهی



عبدالنبی مکابر
کارشناس و فعال حوزه گوهرسنگ

یکـی از مولفه‌های مهم اقتصاد، رقابت‌پذیری اسـت و وقتی افـراد می‌تواننـد آزادانه با دیگران رقابت کنند که در سـطوح تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری جامعه هم نقش موثری پیدا کنند.
بنابراین پیوستن به جریان اقتصاد آزاد بدون آنکه فرد مجال اظهارعقیده داشـته باشـد، فرصت انجام کارها براساس میل و اراده خود را بیابد و امکان رقابت پیدا کند، میسـر نمی‌شـود. برای اینکه جامعه‌ای بتواند براسـاس اصـول اقتصاد آزاد اداره شود، باید فردیت افراد را در قوانین موضوعه به‌رسمیت بشناسد تـا بتوانند اعضای آن جامعه با اتکا به قانون فعالیت کنند و اگر دچار مشـکلی شدند، بر همان اسـاس، حقوق خود را مطالبه کنند یا در صورت تخلف مجازات شوند.
در این نـوع از فعالیت، دولت باید نقش نظارتی، تنظیم‌گری و رگولاتـوری خود را با قـدرت ادامه دهد، اما هیچ دخالتی در مسائل اجرایی نمی‌کند و وارد فضای رقابتی با بخش خصوصی و بازار آزاد نمی‌شود.
اما آیا می‌توان تنها یک یا چند بخش از زیرمجموعه اقتصادی کشور را با قوانین اقتصاد آزاد اداره کرد؟
در جهان پیشـرفته این تفکیک انجام شـدنی است. به‌طور مثال، همگی اخبار پرتاب ماهواره‌های ایلان ماسـک به فضا را شنیده‌ایم، در حالی که این فرد، یکی از مدیران بخش خصوصی است، بنابراین می‌بینیم دولت امریکا در موضوعات استراتژیک و دفاعـی هم محدودیتی قائل نشـده و راه دسترسـی به فضا را هـم برای بخش خصوصی بازگذاشـته اسـت، پس شـرایط سیاسـی، اجتماعی و اقتصادی یک جامعه اسـت که مشخص می‌کند دولت در چه سـطحی می‌تواند مسائل مربوط به خود را واگذار کند.
کشـور ما از نظر اقتصادی عقب‌مانده است و به دلایل متعدد تاریخی، سیاسـی و اجتماعی؛ جامعه‌ای با شرایط ویژه به‌شمار می‌رود. شـاید اگـر زمانی بتوان حضور بخـش خصوصی را در بازار آزاد و رقابتی، قانونمند کرد، دولت در کشـور ما هم بتواند بسـیاری از مسائل را حتی در حوزه‌های استراتژیک مانند نفت یا حتی مسائل دفاعی به بخش خصوصی واگذار کند.
اگـر اعتمـاد افزایش پیدا کنـد، بخش خصوصـی می‌تواند بسـیاری از مسـئولیت‌ها را از دوش بخش دولتی بردارد، زیرا خود مبتکر آن اسـت، خود سـرمایه‌گذاری می‌کند و از منافع آن برخوردار می‌شـود و در نهایت خـودش هم باید تبعات آن را بپذیرد.
در هـر حال باید جامعـه از اقتصاد صددرصد دولتی منفصل شـود و به‌سـوی اقتصاد آزاد تغییـر جهت دهد، زیـرا تجربه کشورهای گوناگون از جمله کشور خودمان نشان داده است که با جلوگیری از رشد بخش خصوصی و دولتی بودن فعالیت‌های اقتصادی نتایج دلخواه به‌دسـت نمی‌آید و اقتصاد کشور دچار بحران‌های متعددی خواهد شد.
با در نظر گرفتن شرایط موجود کشور در زمینه اقتصادی این پرسش هم مطرح است که آیا بخش معدن را می‌توان براساس مولفه‌های بازار آزاد اداره کرد یا خیر؟
معـدن و صنایـع وابسـته از جملـه بخش‌هـای نیازمنـد سرمایه‌گذاری سنگین است. بی‌شک بخش خصوصی کشور ما، طی این چهل‌وچند سال، ظرفیت‌های لازم برای سرمایه‌گذاری و حرکت مستقل در بخش معدن را به‌دست نیاورده و به همین دلیل، بخش عمده‌ای از سرمایه‌گذاری‌ها هنوز در اختیار دولت است.
بـرای اینکه بخش خصوصی بتواند پررنگ‌تر حضور داشـته باشـد، به فضای رقابت آزاد و جذب سـرمایه‌های خارجی نیاز داریـم. وقتی بخش خصوصـی بتواند سـرمایه‌های خارجی را جذب کند، بی‌شک می‌تواند نقش خود را به‌خوبی ایفا کند و در تولید ناخالص داخلی نقش موثرتری داشته باشد، البته افزایش اعتماد ملی هم یکی از پیش‌نیازهای قدم‌گذاشتن در این مسیر است. تا سرمایه‌گذار بخش خصوصی با خیال راحت قدم پیش بگذارد و در این حوزه فعالیت کند.
اما آسیب‌ها و خطرات پیوستن به جریان اقتصاد آزاد چیست؟
یکی از اتهاماتی که به این حوزه وارد می‌شـود، این است که باعث «رنج بیشـتر فقرا خواهد شد»، بی‌شک هرجا که سیستم نظارتـی ضعیف عمل کند، چنین اتفاقی دور از ذهن نیسـت. روشن است که وقتی بخش خصوصی فعال شود، به‌دنبال رشد، جذب سرمایه و سود بیشتر است. بازار براساس قوانین و منطق خاص خود اداره می‌شود، نه براساس بایدها و نبایدهای اخلاقی، بنابراین اگر نظارتی بر این ۳ فاکتور وجود نداشته باشد و ابزاری برای کنترل پیش‌بینی نشود، می‌تواند به دوقطبی شدن جامعه بینجامد و فاصله فقیر و غنی را افزایش دهد.
بازار آزاد، مسـاوی عدالت و انصاف نیسـت. می‌تواند رشـد و توسـعه ایجاد کند و جامعـه را پیش ببرد،امـا برای کنترل آسیب‌ها بی‌شک باید سیستم نظارتی هوشمند و کارآیی وجود داشته باشـد تا همه بخش‌ها را متعادل کند و جلوی آسیب‌ها را بگیرد.

گفت‌وگو



گفت‌وگوی صمت درباره اقتصاد آزاد و خصوصی‌سازی

چه کسی جای مردم نشسته است؟



عکس: صمت

گیتا جاودانی
editor@smtnews.ir

اقتصاد آزاد یعنی اقتصادی که دولت در تولید، فروش، توزیع و دیگر بخش‌های آن هیچ نقشـی نداشـته باشد و عوامل بازار یعنی فروشـندگان و خریداران بر آن نظارت داشـته باشـند. می‌گویند اقتصاد آزاد شفاف‌ترین نوع فعالیت اقتصادی است و همین مسئله سبب می‌شود تا نه‌تنها راندمان فعالیت اقتصادی افزایش یابد، بلکه قیمت‌ها نیز در رقابت با یکدیگر، کاهشـی شـود. موافقـان این مـدل اقتصادی معتقدند اصـل ۴۴ قانون اساسـی کشور، به‌ویژه تفسیر جدید آن، در حمایت از اقتصاد آزاد است، زیرا واگذاری بخشی از صنایع استراتژیک و مادر به بخش خصوصی را مطابق مصلحت دانسته و دولت موظف شده است تا ۸۰ درصد از سهام بخش‌های دولتی را به بخش خصوصی واگـذار کند. اما این فرآیند تا امروز به نتایج مطلوب نرسـیده و همین امر موجب شـده است تا مخالفان و منتقدان ایراداتی به آن وارد کنند و تفسـیر رایج اصل ۴۴ یا خصوصی‌سـازی را به‌چالش بکشند. گفت‌وگوی امـروز صمت دربـاره موانع و چالش‌هـای پیوسـتن بـه جریـان اقتصـاد آزاد و روند خصوصی‌سـازی اسـت و سعید عسگرزاده، دبیر انجمن سنگ‌آهن ایران، به پرسش‌های ما در این زمینه پاسخ داده است.

◉ اقتصـاد آزاد به چـه معنی اسـت و مولفه‌های برجسته آن چیست؟

اقتصاد آزاد، مدلی از مطالعات اقتصادی اسـت که در آن دولت در تولید، فروش، توزیع، قیمت‌گذاری و به‌طور کلی فعالیت‌های اقتصادی دخالت نمی‌کند.
مهم‌تریـن مشـخصه اقتصـاد آزاد؛ شـفافیت و تاثیر مستقیم و نظارت بی‌واسطه فعالان بازار که از جمله کنش و واکنش متقابل خریدار و فروشنده است.
اگـر بخواهیم بـه مهم‌تریـن مولفه‌های اقتصـاد آزاد بپردازیم، نخسـتین و مهم‌ترین مولفه که در همه تعاریف بـه آن پرداخته‌شـده، به‌رسـمیت شـناختن مالکیت خصوصی اسـت و آزادی در فعالیت اقتصـادی و تجارت، شاخص‌هایی که به موضوع بازار کسـب‌وکار برمی‌گردد و قواعد و قوانینی که سیاسـت‌های پولی و بانکی را تنظیم می‌کند، از دیگـر مولفه‌هـای مهم و مشـخص در حوزه اقتصاد آزاد است. شـاید بتوان اقتصـاد آزاد را در یک مدل مطالعاتی اقتصادی نامید. به‌عبارت دیگر، نمی‌توان آن را در چارچوبی مشـخص و دقیق قرار داد. بر این اساس باید گفت سیاست اقتصادی کشـوری به‌طور کامل مبتنی بر اقتصاد آزاد هست یا نیست. میزان دخالت یا حضور دولت در فرآیندهای اقتصادی، به‌نسبت از درجه آزادی اقتصاد می‌کاهد. شـاید ملموس‌ترین مثالی که می‌تـوان برای شـرح این موضوع در نظر گرفت، رانندگی است. جایی را تصور کنید کـه رانندگی در آن فـارغ از هرگونه قیدوبند و قاعده و قانون باشد. به‌عنوان مثال، مسـابقه اتومبیلرانی در صحرا است و راننده‌ای از آزادی عمل کاملی دارد، البته چنین شرایطی کاملا انتزاعی است و نه در اتومبیلرانی و نه در اقتصاد، آزادی عمل ۱۰۰ درصدی وجود ندارد. به‌مثال رانـدن اتومبیل برگردیم. هیچ‌جایـی آزادی عمل مطلق در رانندگی وجود نـدارد و خواه‌ناخواه محدودیت‌هایی از جمله داشـتن گواهینامه و توجه به مقـررات عبور و مرور بر رانندگی اعمال می‌شـود. به‌طور دقیق شرایط مشابهی بر اقتصاد آزاد و قواعد اولیه وجود دارد و نمی‌توان کشوری را یافت که به‌طور کامل بر اسـاس مولفه‌های اقتصاد آزاد اداره شـود، اما در بعضی موارد، فعالیت اقتصادی شـبیه راندن در مسـیری از پیش تعیین‌شـده اسـت که در آن آزادی عمل از راننده گرفته و از حرکت در مسیری که خود می‌خواهد جلوگیری و تنها بایـد از جاده‌ای که به‌او دیکته می‌شود، در مدت زمان مشـخص و با سرعت ثابت رد شود. این پدیده به‌طور دقیق نقطه مقابل اقتصاد آزاد است.

◉ پیوسـتن به اقتصاد آزاد چه مزایا و معایبی در اقتصاد و به‌ویژه بخش معدن دارد؟

پیوسـتن به اقتصاد آزاد بی‌معنا اسـت. اقتصـاد آزاد، معاهده یا پروتکلی نیسـت که کشـورها یا باید بپذیرند یا نپذیرند. در واقع بسـته به میزان دخالت دولت در اقتصاد حاکم بر یک کشور یا دست کشـیدن از دخالت در مسائل اقتصادی، مشخص می‌شود که آن کشور اقتصاد آزاد دارد یا خیر.
بسیاری از موسسات و مجموعه‌های بین‌المللی هر ساله با انتشار آماری امتیاز کشـورها را در زمینه تحقق اهداف اقتصاد آزاد را به نمایش می‌گذارد و مشـخص می‌کند که کدام کشورها از بیشترین مولفه‌های اقتصاد آزاد بر خوردار هسـتند و رتبه‌های پایین متعلق به کدام کشـورها است. به‌عنوان مثال، مجموعه‌هایی مانند موسسه فریزر یا بنیاد هریتیج ایـن رتبه‌بندی‌ها را هر سـال منتشـر می‌کند و طبیعی است که وقتی رتبه‌های بالای فهرست با رتبه‌های آخر مقایسه شود، روشن می‌شـود در کدام کشورها کدام مولفه اقتصاد آزاد پررنگ‌تر و شرایط کدام یک بهتر است.
طبیعی است که مزایا و معایب هر ایده و مدل اقتصادی، در آثار و نتایج آن مستتر و کافی است به امتیازاتی که به آن اشاره شد، نگاهی بیندازیم. در میان کشورهایی که خود را ملزم کرده‌اند بیشـترین تطابق را با اقتصاد آزاد هماهنگ کنند، نام کشورهایی مانند هنگ کنگ، نیوزلند، سوئیس، سـنگاپور، ایرلند، اسـترالیا، کانـادا و... دیده می‌شـود. اما در میان کشـورهایی کـه رتبه‌های پایین را به‌دسـت آورده‌اند، مانند سـودان، کره شـمالی، لیبـی، زیمبابوه، افریقای مرکـزی، کنگو و اریتـره و... برمی‌خوریم. جالب است که کشور بسـیار ثروتمندی مانند ونزوئلا هم، جایی در پایین لیسـت را به خود اختصاص داده است. پس الزاما اقتصاد آزاد شـیوه‌ای برای فعالیت کشـورهای ثروتمند نیسـت و ونزوئلا ی ثروتمند هم به‌واسطه مدل اقتصادی حاکم بر آن کشـور، از آزادی اقتصادی برخوردار نیست و در نتیجه در شرایط بسیار بد و بحرانی ادامه حیات می‌دهد و به نقطه دشواری رسیده و حتی در برخی بخش‌ها با خطر قحطی هم روبه‌رو است. خلاصه اینکه اگر به اقتصادهای موفق دنیا نگاه کنیم، درمی‌یابیم تمامی کشـورهایی که توسعه، پیشرفت و رفاه عمومی مناسـبی دارند، از آزادی مناسـبی در حوزه اقتصادی برخـوردار بوده‌اند. بدیهی اسـت، وقتی تمـام بخش‌های اقتصـادی کشـور از این مزیت بهره‌مند شـوند، بخش معدن هم در کنـار همه، از آن برخوردار خواهد شـد. بنابراین در یک مدل اقتصادی موفق، کشـور ما هم می‌تواند در آنچه مزیت نسـبی دارد، شرایط بسیار بهتری کسب کند، بنابراین در بخش معدن به‌طور حتم شـاهد رشـد و جهـش جدی خواهیـم بود. خلاصه اینکه، اقتصاد آزاد، حداقل از یک ویژگی مهم به‌نام شفافیت در فضای کسب‌وکار حمایت می‌کند که موضوع بسیار مهمی است و می‌تواند در توسـعه همه بخش‌های کشور از جمله بخش معدن موثر باشد.

◉ آیا بیـرون آمدن از زیـر چتر حمایـت دولت، موجب رونق بخش معدن یا عامـل رکود این بخش خواهد شد و چرا؟

به گمان مـن، این پرسـش نکتـه‌ای مبالغه‌آمیز دارد. بیرون آمدن از زیر چتر حمایت دولت، به این معنی اسـت که دولت در واقع چتری حمایتی بر سر بخش گرفته است و نمی‌توان در چنین شرایطی تصمیم گرفت که باید معدن از زیر چتر حمایتی بیرون بیاید یا خیر؟ در حالی که به‌اعتقاد من، هیچ حمایتی در کار نیسـت و لازم است، بپذیریم که در حال حاضر سیاست غالب در اقتصاد کشور ما دستوری است. با این تعریف، اگر شرایط موجود فاصله بگیریم، چه اتفاقی می‌افتد و آیا موجب توسعه خواهد شد یا رکود؟
شـک نکنید بدیهی‌ترین اتفاقی کـه در اقتصاد آزاد رخ می‌دهد، توسعه است. اگر شرایط برای فعالیت بخش‌های مختلف اقتصادی فراهم شـود، شـرایط، به‌ویژه در بخش معدن بسیار مناسب خواهد شد.

> می‌توان مدیریت برخی از شرکت‌های دولتی را به بخش خصوصی واگذار کرد، البته این واگذاری‌ها باید بر اساس اهلیت‌سنجی و توجه به توانایی‌ها و صلاحیت اشخاص حقیقی و حقوقی اتفاق بیفتد و از لابی‌گری و رانت‌بازی دور بماند

> در بعضی موارد، فعالیت اقتصادی شبیه راندن در مسیری از پیش تعیین‌شده اسـت که در آن آزادی عمل از راننده گرفته و از حرکت در مسـیری که خودش می‌خواهد، جلوگیری می‌شود و تنهـا بایـد از جاده‌ای که به او دیکته می‌شـود، در مدت زمان مشخص و باسرعت ثابت رد شود

◉ آیا می‌تـوان حوزه‌هـای گوناگـون اقتصاد را به‌صورت مجزا با مقـررات اقتصـاد آزاد اداره کرد (به‌عنوان مثال فقط حوزه معدن و صنایع معدنی را) یا باید کل اقتصاد کشور به این جریان متصل شود؟

اقتصاد آزاد موضوعی نیست که بتوان به‌صورت بخشی به آن نگاه کرد، امـا می‌توان برای اینکه مسـئله قابل حل شـود، آن را بـه بخش‌های کوچک تقسـیم کنیـم. لازم اسـت، تلاش کنیم در حوزه‌هایی که مزیت نسـبی داریم یا مواردی که می‌توان آن را به‌عنوان طرح ملی مسـتقلی تعریف کرد، میزان دخالت دولت را به حداقل برسانیم. این اتفاق باعث می‌شود که به‌مرور زمان، مسئله سیاست‌های مبتنی بر اقتصاد آزاد جا بیفتد و مشـکلات، راحت‌تر حل شـود. اگر ما مشـکل را در ابعاد بـزرگ آن در نظر بگیریم، مانند آن اسـت که یک بدهی بزرگ را رنگـه داریم و مدام به این فکر کنیـم که چگونه بایـد آن را بپردازیم. در حالی که بقیه بخش‌ها کماکان زیر سـایه سنگین دولت قرار دارند، می‌توان بخش معدن و صنایع معدنی را به‌صورت مستقل براساس قواعد حاکم بر اقتصاد آزاد اداره کرد. طبیعی است که به نتیجه مطلوب نخواهیم رسـید. اقتصاد، زنجیره‌ای به‌هم پیوسـته و از فرآیندهای پیچیـده و درهم تنیده‌ای تشکیل شده اسـت. معدن به‌تنهایی کسب‌وکار مجزایی نیسـت و نمی‌توان جزیره‌ای به آن نگاه کرد، اما اگر تلاش کنیم از قدم‌های کوچک شـروع کنیم و به‌تدریج شرایط را برای تسهیل کسـب‌وکار فراهم آوریم، به‌طور قطع حل مساله راحت‌تر خواهد شد.

◉ نقـش زیرمجموعـه اقتصـادی دولت‌هـا در کشـورهایی که بـا اقتصـاد آزاد اداره می‌شـوند، چیست؟

زیرمجموعه‌هـای اقتصـادی دولـت و در واقـع خود دولت در اقتصاد آزاد به‌شـدت کوچـک و البته چابک‌تر می‌شـود. چنین دولتی برای تامین مخـارج جاری خود، هزینـه اضافی بـرای مالیات‌دهندگان ایجـاد نمی‌کند.
پرسـش اصلی در مـدل فعلی مدیریـت اقتصادی این اسـت که چه کسـانی را به جای مردم نشـانده‌ایم تا برای آنهـا تصمیم بگیرنـد و تعیین تکلیف کننـد. وقتی کلمه عام «دولت» را به کار می‌بریم، شـاید به‌اشـتباه بیفتیم، در حالی که واقعیت این اسـت که دولـت نتیجه تجمیع نخبگان نیست. از آنجایی که بسیاری از این افراد می‌توانند بانوآوری، روش‌های رفع مشـکلات خـود را بیابند، باید سرنوشت خودشـان را به‌دسـت خودشـان داد و در این صورت، به‌طور حتم شـاهد موفقیت‌شـان خواهیم بود و به‌این ترتیب، اقتصاد و به‌ویژه معدن که در آن مزیت نسبی داریم، از رکود خارج خواهد شد و شرایط به نفع کشور تغییر خواهد کرد.

◉ آیا می‌تـوان حوزه‌هـای گوناگـون اقتصاد را به‌صورت مجزا با مقـررات اقتصـاد آزاد اداره کرد (به‌عنوان مثال فقط حوزه معدن و صنایع معدنی را) یا باید کل اقتصاد کشور به این جریان متصل شود؟

اقتصاد آزاد موضوعی نیست که بتوان به‌صورت بخشی به آن نگاه کرد، امـا می‌توان برای اینکه مسـئله قابل حل شـود، آن را بـه بخش‌های کوچک تقسـیم کنیـم. لازم اسـت، تلاش کنیم در حوزه‌هایی که مزیت نسـبی داریم یا مواردی که می‌توان آن را به‌عنوان طرح ملی مسـتقلی تعریف کرد، میزان دخالت دولت را به حداقل برسانیم. این اتفاق باعث می‌شود که به‌مرور زمان، مسئله سیاست‌های مبتنی بر اقتصاد آزاد جا بیفتد و مشـکلات، راحت‌تر حل شـود. اگر ما مشـکل را در ابعاد بـزرگ آن در نظر بگیریم، مانند آن اسـت که یک بدهی بزرگ را رنگـه داریم و مدام به این فکر کنیـم که چگونه بایـد آن را بپردازیم. در حالی که بقیه بخش‌ها کماکان زیر سـایه سنگین دولت قرار دارند، می‌توان بخش معدن و صنایع معدنی را به‌صورت مستقل براساس قواعد حاکم بر اقتصاد آزاد اداره کرد. طبیعی است که به نتیجه مطلوب نخواهیم رسـید. اقتصاد، زنجیره‌ای به‌هم پیوسـته و از فرآیندهای پیچیـده و درهم تنیده‌ای تشکیل شده اسـت. معدن به‌تنهایی کسب‌وکار مجزایی نیسـت و نمی‌توان جزیره‌ای به آن نگاه کرد، اما اگر تلاش کنیم از قدم‌های کوچک شـروع کنیم و به‌تدریج شرایط را برای تسهیل کسـب‌وکار فراهم آوریم، به‌طور قطع حل مساله راحت‌تر خواهد شد.

◉ نقـش زیرمجموعـه اقتصـادی دولت‌هـا در کشـورهایی که بـا اقتصـاد آزاد اداره می‌شـوند، چیست؟

زیرمجموعه‌هـای اقتصـادی دولـت و در واقـع خود دولت در اقتصاد آزاد به‌شـدت کوچـک و البته چابک‌تر می‌شـود. چنین دولتی برای تامین مخـارج جاری خود، هزینـه اضافی بـرای مالیات‌دهندگان ایجـاد نمی‌کند.
اگر دولت بخش‌هاسـتادی خود را تعطیل کند، دسـتگاه عریض و طویل و ناکارآمدی که بـا کاغذبازی عامل رانت و فساد اسـت، از میان می‌رود. بنابراین راهی جز این نیست که دولت در نحوه مدیریـت مجموعه‌های اقتصادی خود تجدیدنظر کند و به‌تدریج پیاده‌نظام خود را کاهش دهد. به‌نظر من، دولت می‌تواند با جایگزین کردن سیستم‌های هوشـمند به‌جای کارشناسـان، مجموعه‌های ستادی خود را کوچک‌تر و زیر مجموعه‌هـای اقتصادی خود را به بخش خصوصی واقعی واگذار کند تـا به‌این ترتیب دولت چابک‌تر شود و کارآیی خود را به‌دست آورد.

◉ امـا واگذاری هـا به‌بخـش خصوصـی چندان موفق نبوده‌است.

باوجوداینکـه در اصـل ۴۴ و برخـی دیگـر از قوانین موضوعه کشـور تاکید شـده اسـت که حاکمیت دست از رقابت با بخـش خصوصی بـردارد، امـا ایـن قوانین در اجرا دچار اشـکالاتی و مجموعه‌هایی تشـکیل شده‌اند کـه به‌اصطـلاح خصولتـی نامیـده می‌شـوند. چنین پدیده‌ای از آنجا به‌وجود آمد کـه دولت اجازه نداد، بخش خصوصـی به‌اندازه کافی رشـد کنـد و از نظـر توانایی و ثروت، به‌بلوغ برسـد تا بتوان مجموعه‌های بزرگ دولتی را به آنها واگذار کـرد. این در حالی اسـت که بسـیاری از ایـن مجموعه‌ها، پیـش از انقـلاب متعلـق به بخش خصوصی بود و امروزه به‌شـکلی نه‌چندان مطلوب اداره می‌شود.
به‌گمان من، می‌تـوان برای بهبود این شـرایط مدلی تعریف کرد که واگـذاری «مدیریت» به‌جای «مالکیت» اسـت. به‌عبارت سـاده‌تر، می‌تـوان مدیریـت برخی از این شـرکت‌ها را به بخـش خصوصی واگذار کـرد، البته این واگذاری‌ها باید براسـاس اهلیت‌سـنجی و توجه به توانایی‌ها و صلاحیت اشـخاص حقیقـی و حقوقی اتفاق بیفتد و از لابی‌گری و رانت‌بازی دور بماند.
وقتـی اشـخاص حقیقـی یـا حقوقـی بایـد بخش قابل توجهی از سـرمایه خود را به دولت بدهند تا مالکیت مجموعـه‌ای را در اختیـار بگیرند، مجموعـه، حتی اگر به‌اندازه کافی توانمند باشـد، از نقدینگی خالی می‌شود و شرایطش به‌شدت ضعیف خواهد شـد، اما اگر مدیریت واگذار شـود، بار مالی زیـادی هم نخواهد داشـت و توان مالی مدیریتی می‌تواند برای رشـد و رونـق گرفتن بنگاه اقتصادی مورد اسـتفاده قرار گیرد تا بتوانـد به‌خوبی به فعالیت خود ادامه دهد و به مرحله شـکوفایی برسد. این کار باعث می‌شـود که هم مشـکل واگذاری مالکیت حل شـود و هم نقدینگی بخش خصوصـی در اختیار مدیران مجموعه باقی بماند تا به‌عنوان سـرمایه در گردش در آن بنگاه مورد استفاده قرار گیرد.

نوبت اول
شماره ۱۴۰۰۲۴۸

آگهی موضوع ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابـر کلاسـه پرونـده شـماره ۱۴۰۱۱۱۴۴۱۰۰۱۸۰۰۰۴۲۴ و رای شـماره ۱۴۰۱۶۰۳۱۰۰۱۸۰۱۰۹۲۴ هیـات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و سـاختمانهای فاقد سـند رسمی مسـتقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک عباس‌آباد تصرفات مالکانه بلامعارض آقای داود باتوج لاهوتی به شـماره شناسـنامه ۲۱۱ به کد ملی ۲۲۱۸۸۱۷۱۲۸ صادره از تنکابن فرزند حیدر نسـبت به شـش‌دانگ عرصه و اعیان یک قطعه زمین مشتمل بر ساختمان (با کاربری مسکونی) به مساحت نهصد و چهارمتر و بیست دسیمتر مربع (۹۰۴/۲۰) مترمربع که قسمتی از پلاک ۱۶۵ اصلی واقـع در مرتع جیسـا بخـش ۲ حوزه ثبت عباس‌آباد مبایعه‌نامـه عادی خریداری از ورثه مرحوم حیدر باتوج‌لاهوتی از محدوده مالکیت سـمی جهانگیر باتوج لاهوتی متقاضی ثبت می‌باشد.

لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شـود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض و دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۱۰/۲۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۱۱/۰۸

ابراهیم حسین‌زاده، سرپرست ثبت اسناد و املاک عباس‌آباد



مقدمه بازار آزاد جهانی شدن است



بنایی که از پایه کج است، ریزش می‌کند



کیک اقتصاد ایران کوچک شد

کارشناسان در آسیب‌شناسی خصوصی‌سازی در ایران تاکید کردند

نجات اقتصاد با خصوصی‌سازی واقعی

بسیاری از کارشناسان معتقدند اقتصاد دولتی ما را بیشتر از وابستگی به اقتصاد نفتی رنج می‌دهد؛ برهمین اساس تلاش برای کاهش سطح وابستگی به اقتصاد دولتی و اجرای خصوصی‌سازی به معنای واقعی یک ضرورت است. برای تحقق این هدف، اجرای سیاست خصوصی‌سازی در دستور کار قرار گرفت و حالا بعد از گذشت بیش از یک دهه از اجرای قانون خصوصی‌سازی، گمانه‌های موفق نبودن در این سیاست بیشتر از موفقیت است. پس از جنگ جهانی دوم، بیشتر کشورهای دنیا به سمت اقتصاد برنامه‌ریزی شده حرکت کردند و دولت‌ها بزرگ و بزرگ‌تر شدند.

دولت‌های رفاه در چارچوب سیاست‌های کینزی شکل گرفت و همه بر این گمان بودند که راه‌حل درست را پیدا کرده‌اند.

با گذر از دهه ۷۰ و بروز مشکلاتی که ریشه در حیات دولت‌های بزرگ داشت، سیاست‌های انبساط پولی و مالی دولت نه تنها مشکل بیکاری را حل نمی‌کرد، بلکه منجر به تولد وضعیت جدیدی در اقتصاد به نام رکود تورمی شده‌بود. در این زمان اقتصاددانان و سیاسیون مشکل اصلی را تورم دانسته و با محدود کردن سیاست‌های انبساطی دولت، سعی در مهار تورم داشتند.

باگذار از این سال‌ها، رویکرد جهانی به سمت خصوصی‌سازی پیش رفت و بسیاری از کشورهای جهان برای نجات اقتصاد رو به خصوصی‌سازی آوردند.

روندی که در ایران نیز اجرایی شد و به گفته بسیاری از کارشناسان و حتی مسئولان به موفقیت همراه نبود. در این گزارش به دلایل عدم موفقیت خصوصی‌سازی به عنوان یکی از شاخص‌های اقتصاد آزاد پرداخته‌ایم.



عکس: آیدا فریدی

خصوصی‌سازی درکشورهای مالزی، آلمان شرقی و انگلستان، با هدف کاهش استقراض دولتی، کاهش دخالت دولت در اقتصاد و گسترش پایه‌های مالکیت، با روش‌های عرضه عمومی سهام، فروش مستقیم، واگذاری به مدیران و کارکنان و فروش دارایی‌ها صورت گرفته که نشان از تجربه موفق خصوصی‌سازی در این کشورها دارد

آنچه در ایران محقق نشد

افزایش رقابت و بهبود در مدیریت و عملکرد بنگاه‌های اقتصادی، توسعه بازارهای سرمایه داخلی، دست‌یابی به تکنولوژی و منابع مالی خارجی از اهداف خصوصی‌سازی دربرنامه‌های اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته بوده است که به صورت عرضه عمومی سهام واحدهای دولتی، فروش خصوصی سهام و دارایی‌های شرکت‌های دولتی، پیاده‌سازی شده است. خصوصی‌سازی درکشورهای مالزی، آلمان شرقی و انگلستان، با هدف کاهش استقراض دولتی، کاهش دخالت دولت در اقتصاد و گسترش پایه‌های مالکیت، با روش‌های عرضه عمومی سهام، فروش مستقیم، واگذاری به مدیران و کارکنان و فروش دارایی‌ها صورت گرفته است که موارد مذکور، نشان از تجربه موفق خصوصی‌سازی در این کشورها می‌باشد.

در ایران نیز خصوصی‌سازی به دنبال اهداف متعددی است که ارتقا کارایی بنگاه‌های اقتصادی مهم‌ترین هدف آن است که در صدر سیاست‌های کلی‌اصل ۴۴ هم بدان اشاره شده است زیرا اغلب خصوصی‌سازی‌های انجام شده در جهان، رشد بهره‌وری شرکت‌ها را به همراه داشته است.

با توجه به اینکه بیشتر شرکت‌های دولتی از سطح بهره‌وری پایین برخوردار بوده‌اند و برخی از آنها به لطف حمایت‌های‌مالی و غیرمالی دولت زیان خود را جبران کرده‌اند. بنابراین خصوصی‌سازی برای توسعه اقتصادی هر کشوری گریزناپذیر است که با توجه به شواهد این سیاست در ایران موفق نبوده و آثار زیان باری داشته است؛ من جمله باعث بیکاری کارگران و تعطیلی کارخانه‌های موفق متعددی شده است. برای آسیب‌شناسی خصوصی‌سازی در ایران ابتدا لازم است با معیارهای یک خصوصی‌سازی موفق طبق آشنا شویم.

چالش‌های مسیر خصوصی‌سازی



فرشید شکرخدایی- عضو کمیسیون توسعه پایدار، محیط‌زیست و آب اتاق ایران: چالش‌های موجود بر سر راه خصوصی‌سازی به نوع نگاه و عدم درک دقیق از مبانی خصوصی‌سازی برمی‌گردد. به طوری که از ابتدا قانون بر واگذاری امور به بخش خصوصی و کاهش تصدی‌گری دولت تاکید داشت اما در روند کار عنوان خصوصی‌سازی برای آن عنوان شد. حتی در متن قانون اصل ۴۴ هم، از کلمه خصوصی‌سازی استفاده نشده است.

عمل بر مبنای خصوصی‌سازی از ابتدا طبق عرف و قانون نبوده که اگر طبق اصل ۴۴ رفتار می‌کردیم، الان خصوصی‌سازی روند دیگری داشت. درحقیقت مطابق تصوری که داشتیم به جای واگذاری از خصوصی‌سازی استفاده کردیم و بر همین مبنا سازمان خصوصی‌سازی ایجاد شد.

شاید اگر از ابتدا سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی دولت مسئولیت سازمان خصوصی‌سازی را بر عهده می‌گرفت، چه بسا مشکلاتی که امروز این سازمان با آن مواجه است به وجود نمی‌آمد و طبق قانون، واگذاری اموال دولتی صورت می‌گرفت.

آنچه مسلم است روند خصوصی‌سازی در کشور ما متفاوت با کشورهای دیگر شکل گرفته است. اگر در پی تحقق خصوصی‌سازی به شکل واقعی هستیم، باید اول نگاهی که به بخش خصوصی وجود دارد را اصلاح کنیم.

بسیاری از واگذاری‌هایی هم که طی چند سال گذشته انجام شده بر مبنای ارتباطات بوده است؛ اما با ورود بخش خصوصی به میدان، همه یکباره درباره اهلیت صحبت می‌کنند. بنابراین تا وقتی این نگاه اصلاح نشود، انگیزه‌ای هم برای بخش خصوصی واقعی نخواهد ماند.

در امر واگذاری در وهله نخست؛ نباید مالکیت بنگاه‌ها واگذار شود بلکه باید این مالکیت در دست دولت باقی بماند و مدیریت بنگاه اقتصادی به صورت کامل به بخش خصوصی واگذار شود با شرط این که اشتغال حفظ شود و بهره‌وری افزایش پیدا کند. در این مسیر اگر در مدت چند سال مشخص مدیریت بنگاه اقتصادی توانست این مولفه‌ها را حفظ کند و ارتقا دهد، طی قراردادی مالکیت آن بنگاه به گروهی که مدیریت این بنگاه اقتصادی را بر عهده دارد، واگذار شود.

خصوصی‌سازی در عمل به شعار تبدیل می‌شود



آرش علوی- عضو هیات نمایندگان اتاق ایران: خصوصی‌سازی در ایران با چند مشکل جدی روبه‌رو است. نخستین مسئله این است که بخش خصوصی در ایران چندان قوی نیست. دلیل اصلی ضعف بخش خصوصی این است که دولت‌ها در ایران به بخش خصوصی اعتماد ندارند و در تمام تصمیم‌گیری‌ها به طور نانوشته قصد دارند اجازه ندهند بخش خصوصی بزرگ‌تر و قوی‌تر شود. وقتی بخش خصوصی قوی نیست، یعنی در عمل نمی‌تواند در زمان واگذاری‌ها بخواهد بنگاه‌های واگذار شده بزرگ را خریداری کند و بنگاه‌های خصوصی در برخی ابعاد توانایی خرید بنگاه‌های بزرگ‌تر را ندارند. با این شرایط فرآیند خصوصی‌سازی در عمل به شعار تبدیل می‌شود و جایی برای حضور بخش خصوصی باقی نمی‌ماند؛ درنهایت شرکت‌های خصولتی این جای خالی را پر می‌کنند. مثلا شرکت مخابرات واگذار شده اما بخش خصوصی آن را اداره نمی‌کند. وقتی عدم شفافیت در نحوه عرضه و روش‌های واگذاری وجود داشته باشد و گلوگاه‌ها و نقاطی برای سوءاستفاده باشد نتیجه همین وضعیت امروز خواهد بود. سال‌هاست بخش خصوصی از روند خصوصی‌سازی انتقاد می‌کند ولی کسی به این موارد نه تنها پاسخ نداده بلکه یک سری اختیارات هم به برخی سازمان‌ها داده شده که از تصمیم‌سازمان خصوصی‌سازی حمایت نشود و یا برخی تصمیم آن سازمان برای واگذاری ابطال شود. در بسیاری موارد قیمت‌های اعلام شده برای واگذاری، قیمت‌های رقابتی نبوده ولی باز هم به بهانه‌های متعدد واگذاری انجام شده است. البته ممکن است مشتری‌های متعددی هم وجود نداشته باشد. اما گاهی مشتری‌های یک پروژه بزرگ و مهم که امکان حضور بخش خصوصی هم در آن وجود دارد به روش‌های مختلف با برچسب عدم اهلیت و سایر موارد، رد صلاحیت می‌شوند. وقتی بخش خصوصی با چنین موانع و مشکلاتی روبه‌رو می‌شود زمینه و بستر برای تنها بازیگر صحنه فراهم می‌شود و نتیجه این می‌شود که واگذاری‌ها نه به بخش خصوصی که به نفع بخش عمومی غیردولتی یا خصولتی‌ها انجام می‌شود. از طرفی جایگاه سازمان خصوصی‌سازی به دلایل مختلف ضعیف شده و بخش خصوصی در چنین شرایطی اعتماد نمی‌کند وارد رقابت شود؛ هیچ کس هم شفاف سخن نمی‌گوید که چرا چنین شده و روند کار چه بوده است. به علاوه اینکه تامین مالی برخی از پروژه‌ها برای بخش خصوصی دشوار است؛ چون بخش خصوصی بزرگ و قدتمندی وجود ندارد. البته روش تشکیل کنسرسیوم هم به دلیل قانون تجارت و قوانین دیگر مشکل است و دولت هم همکاری نمی‌کند. در این فرآیند اگر فردی توانایی اجرای کار را داشته باشد و صلاحیت و اهلیت هم داشته باشد باید برای تامین مالی معقول راهکاری به وجود بیاید تا بتواند در سطح بالاتر با خصولتی‌ها رقابت کند. باید برای نجات اقتصاد کشور به شیوه معقول نه رانتی از بخش خصوصی حمایت کرد.

دلایل عمده ناکامی خصوصی‌سازی در ایران



محمدصادق حمیدیان- فعال اقتصادی: شواهد حاکی از ناکامی خصوصی‌سازی در ایران است.۶ دلیل عمده ناکامی خصوصی‌سازی در ایران عبارتند از: نبود اهداف کیفی و استراتژی مدون در برنامه خصوصی‌سازی، وجود فساد گسترده، محیط کسب‌وکار نامساعد داخلی، نبود تعریف حمایتی شفاف از بکارگیری سرمایه‌گذاری خارجی در فرآیند خصوصی‌سازی، بی‌ثباتی اقتصاد کلان و اقتصاد سیاسی و ناکارآمدی حقوق مالکیت در کشور.

صرف نظر از اینکه بسیاری از پژوهشگران معتقدند کمتر از ۲۰ درصد از کل واگذاری‌ها به بخش خصوصی واقعی واگذار شده، در حقیقت آنچه که در طی ۳۰ سال گذشته در کشور اتفاق افتاد، فروش اموال مازاد دولتی بوده است و روح حاکم بر خصوصی‌سازی که انتقال و حمایت از مدیریت بخش خصوصی است، انجام نشده است. در حقیقت سازمان خصوصی‌سازی در عمل سازمان فروش اموال مازاد دولتی بوده است. ناکارآمدی دولت در اداره بخش‌های مهم اقتصادی اعم از تولید، خدمات و توزیع و خصولتی شدن برخی از بنگاه‌ها به‌علاوه فساد مزمن موجود در واگذاری‌ها که نتیجه‌ای جز تحویل بنگاه‌ها به نااهلان نداشته، محصولی جز نارضایتی تولید نکرده است. اصلاح سیستم موجود در راستای برون‌رفت از معضلات فرآیند خصوصی‌سازی در ایران در گرو اجرای بی‌عیب و نقص سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و یک ضرورت است. تدوین استراتژی کلان اقتصادی و طراحی برنامه جامع خصوصی‌سازی با رویکرد کاهش تصدی‌گری دولت و در یک کلام حکمرانی مطلوب در اقتصاد شرط اساسی موفقیت این فرآیند در کشور به حساب می‌آید. بنابراین تصمیم‌سازان کشور اعم از مجلس قانون‌گذاری، دستگاه قضایی و دولت در کنار نهاد بخش خصوصی باید با اتخاذ سیاست‌های کلان مبتنی بر برنامه، اجرای این سیاست را موشکافانه عملیاتی کنند.

از انجایی‌که حضور نهادهای مالی فراگیر یکی از اصلی‌ترین راهکار توسعه خصوصی‌سازی در کشور است، نگاه جدید بر بازارسرمایه و حل و فسخ مشکلات این نهاد هرچند که با چالش‌های متعددی مواجه است و باز تعریف آن ضروری به نظر می‌رسد. ارتقای شفافیت، پرهیز از سیاسی‌کاری در واگذاری‌ها، تجهیز بازار سرمایه از طریق نهادهای سهامداران حقیقی، رفع موانع امنیتی برای سرمایه‌گذاران خارجی، اهتمام به سیاست‌های تنش‌زدایی در تعاملات بین‌المللی از جمله مهم‌ترین شاخصه‌هایی است که می‌تواند موجب ارتقای کیفی خصوصی‌سازی شود.

پیش‌شرط خصوصی‌سازی، جلب اعتماد سرمایه‌گذار است



یلدا راهدار- فعال اقتصادی: مفهوم خصوصی‌سازی از دو منظر قابل‌بررسی است. نخست واگذاری شرکت‌های دولتی و عمومی به بخش خصوصی به‌طور کامل و یا مشارکتی و دوم واگذاری فعالیت‌هایی که در انحصار دولت هستند به بخش خصوصی. خصوصی‌سازی زمانی موفق خواهد بود که تعادلی میان دو بخش ایجاد شود؛ بدین معنی که اندازه بخش دولتی ثابت بماند تا بخش خصوصی بتواند رشد کند.

در اصل هدف از خصوصی‌سازی پیاده کردن سیاست‌هایی است که اقتصاد را به سمت اقتصاد آزاد و کاملا رقابتی شیفت دهد. امری که با وجود الزامات قانونی در کشور تاکنون موفق نبوده و دولت به‌واسطه متکی بودن بودجه به درآمدهای نفتی به‌ویژه در سال‌های اخیر با بحران کسری بودجه و بدهی به بانک مرکزی و سایر نهادهای عمومی روبه‌روست.

بنابراین اگر واگذاری صورت گرفته باشد منابع حاصل از آن به‌صرف تسویه بدهی و رد دیون دولت اختصاص‌یافته و از اهداف اصلی منحرف گشته است. مورد دیگر آنکه در این روند اکثر نهادهای دولتی و وزارتخانه‌ها به بهانه حاکمیتی بودن دستگاه یا از واگذاری سر باز می‌زنند و یا به دلیل اختلاف‌نظر با مجری واگذاری‌ها در اجرای این برنامه تاخیر ایجاد کرده و اجازه کاهش بار مالی دولت را نمی‌دهند.

با توجه به موارد یاد شده خصوصی‌سازی در ایران محقق نخواهد شد مگر با اجرای چند پیش‌شرط مهم که همان مساعد کردن فضای کسب‌وکار و سایر شاخص‌های بین‌المللی است.

همچنین تسهیل فرآیند صادرات غیرنفتی جهت کاهش فشار درآمدهای نفتی بر بودجه، رتبه‌بندی شفاف شرکت‌های قابل‌واگذاری، تعریف چارچوب حقوقی صحیح از واگذاری و جلب اعتماد سرمایه‌گذار از اینکه سرمایه‌اش دارای بازده‌ای مناسب در کوتاه‌مدت و بلندمدت خواهد بود، از دیگر اقداماتی است که دولت می‌تواند در واگذاری طرح‌ها انجام دهد.

سخن پایانی

آسیب شناسی خصوصی‌سازی در ایران

به گفته کارشناسان، عوامل متعددی، ایجاد فضای واقعی خصوصی‌سازی در ایران را، مختل کرده‌اند از جمله این عوامل عبارتنداز:

- تعیین فرصت‌های زمانی کوتاه برای واگذاری‌ها بدون توجه به ظرفیت اقتصاد ملی
- تعدد شرکت‌ها برای واگذاری ضمن ایجاد شتابزدگی در اجرا و انحراف از مبانی تعریف شده، سبب شده آنچه که از واگذاری‌ها مورد انتظار بوده محقق نشود
- عدم اعتماد کافی دولت به بخش خصوصی
- محیط نامناسب کسب و کار

بنابراین به نظر می‌رسد اغلب آسیب‌های موجود در حوزه خصوصی سازی، ناشی از شیوه نامناسب اجرای قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ است.

می‌توان با تاکید بر ثبات در احکام قانون و پرهیز از هرگونه تغییر و اصلاح فرآیندها، روش‌های اجرایی گذشته را، آسیب شناسی کرده و بر پایه همین آسیب‌شناسی، مسیر درستی انتخاب کرد. اگر اولویت دولت در واگذاری‌ها، از صرف کسب درآمد و تامین بودجه، به واگذاری‌های صحیح در قالب توانمندسازی مطابق با قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، تغییر کند، مشکلات خصوصی‌سازی نیز رفع خواهد شد.

نوبت دوم
شناسه ۱۴۲۱۴۸۸

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی آمل مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد:

املاک متقاضیان واقع در بخش نه ثبت آمل- دهستان لیتکوه

۵۹- اصلی (قریه انجه پل)

۱۰۳ فرعی آقای حجت‌اله فرجی در ششدانگ یک قطعه زمین با ساختمان احداثی با کاربری توسعه مسکونی که ده سیر مشاع از دویست و چهل سیر عرصه موقوفه است به مساحت ۲۳۹.۴۰ متر مربع خریداری شده بلاواسطه از بهرام محسنی و مع‌الواسطه از سید ملک تقوی و محمد ساروی و نرگس قانعی یخدانی.

لذا به موجب ماده ۳- قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳- آیین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی و کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی در روستاها از طریق الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین‌نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی با رای هیات پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدود، مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت همزمان به اطلاع عموم می‌رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدود، واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می‌نماید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۱۰/۲۴

حسن صالحی، رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آمل

یادداشت

اصرار بیجا برای اجرای قواعد بازار آزاد



مجیدرضا حریری
فعال بازرگانی

اجرایی شـدن قواعد بـازار آزاد و متعلقات آن، همـواره در ایران با چالش‌ها و بحث‌های زیادی همـراه بـوده و مخالفـان و موافقان خود را داشـته اسـت. پیـش از پرداختن به ابعاد قواعد بازار آزاد و متعلقات آن، مناسـب اسـت تا به تعریف این نوع اقتصاد بپردازیم. آزادسـازی تجاری در تعریـف عمومی خود به‌معنای کاهش و حتی حذف دخالت دولت در بخش‌های مختلف اقتصادی است و روابط عرضـه و تقاضا نرخ نهایـی در بازار را تعیین می‌کند. برخی کارشناسـان معتقدند اقتصاد آزاد، بازار را به‌سـمت تجـارت آزاد از طریق کاهـش در تعرفه‌ها و سـایر موانـع تجاری تعریف‌شـده سوق می‌دهد، از این‌رو این بازار به‌عنـوان مهم‌ترین نیروی پیش‌برنده جهانی شدن محسوب می‌شود.

باوجود تمامی ایـن نتایج و پیامدهایی که بـرای این نوع اقتصاد بیان می‌شـود، اجرای غیرصحیح قواعد بازار آزاد آن هم در کشوری مانند ایران، نتایج بسیار منفی را در پی دارد. به‌عنوان مثال، یکی از مناقشـات مهم امروز بـرای رفـع تعهـدات ارزی صادرکنندگان، بهانه‌هـای اجرای بازار آزاد عنوان می‌شـود. در توضیـح این موضـوع بایـد گفت بخش مهمی از صادرکنندگان، تمایلی برای عرضه ارز حاصـل از صادرات خود در بازار نداشـته و مـوارد مختلفی را به‌عنوان دلیل آن مطرح می‌کنند. برخی فعـالان تجاری عقیده دارند بایـد ارز حاصـل از صادرات در بـازار آزاد و به‌هر نحوی که صادرکننده در نظر دارد، وارد شـود. آنها لزوم اجرایی شدن قواعد بازار آزاد در فعالیت‌هـای اقتصـادی را دلیل این نظر معرفی می‌کنند. اما کارشناسـان اقتصادی از سویی دیگر دلیل ضرورت رفع تعهدات ارزی را جلوگیـری از رانـت در بازارهای اقتصادی و کاهش نوسـانات ارزی معرفی می‌کنند، در حالی که صادرکنندگان تاکید جدی بر وارد کردن ارز خود در بازار آزاد دارند، باید توجه کـرد کالایی که این تجـار برای صادر کردن خریداری می‌کنند، از یارانه و حمایت دولتی برخوردار شـده اسـت. هر حوزه تولیدی بنا بر نیـاز آن، از یارانـه و حمایت‌های مختلف دولتـی بهـره می‌بـرد؛ در تهیه مـواد اولیه برای سـاخت محصـولات، هزینه حامل‌های انـرژی مانند بـرق، آب و گاز در روند تولید و سـایر معافیت‌ها و سوبسـیدها را می‌توان از مهم‌ترین حمایت‌هـای دولتی برای تولید نـام برد، از این‌رو تمامـی صنایع تولیدی در کشور، از یارانه دولتی استفاده می‌کنند. برای همیـن تمام کالاهـا در فضایی غیـر از بازار آزاد تولید می‌شـود و این نکته‌ای اسـت که بیشـتر فراموش می‌کنند، در صورتی که رفع تعهدات ارزی باید در بـازار آزاد انجام گیرد کـه صادرکننده در جریـان تولید و صادرات از هیچ یارانه یا به‌عبارتی سوبسیدی استفاده نکرده باشـد. در این شـرایط انتظار نمی‌رود صادرکننـده، ایـن محصولات تولیدشـده را بـا ارز آزاد صادرکنـد و در نهایت سـرمایه به‌دسـت آورده را وارد بـازار دولتـی نکند. تاکیـد بر اجرای تفکر اقتصاد آزاد در مباحث صادراتی، بیشـتر نظر رانت‌خواران بوده و در صورت عملیاتی شـدن آن، تنها منافع مالی سوداگران بازار تامین خواهد شد. به‌طورکلی در طـول این سـال‌ها دولت تنهـا به اخطار بسنده کرده و برای بازگشت ثبات بازار، باید تمهیدات مناسب‌تری اجرایی می‌کرد.

در تمامی کشورهای توسعه‌یافته که قواعد بازار آزاد در آنها حاکم است، مبدأ درآمدهای به‌دست‌آمده و حساب‌وکتاب‌های مالی به‌طور کامل مشخص است. به‌عنوان‌مثال، در امریکا، باید منبع و منشـأ پول‌های واریزشـده برای افراد به‌صورت شـفاف، مشخص باشد، اما در عین حال در این کشور، قواعد بازار آزاد برای فعالیت‌های اقتصـادی حاکم و ارز حاصل از صادرات، متعلق به خود صادرکنندگان است، بنابراین انتظار نمی‌رود که افراد، منابع مالی مختلفـی را بـدون هیچ توضیحی به‌دسـت آورده و از آن استفاده کنند.

اصرار بـر ورود ارز حاصـل از صادرات در بازار آزاد با هر بهانه‌ای، می‌تواند ضمن تامین منفعت صادرکنندگان، به تنش‌ها و نوسانات فعلی بازار ارز اضافه کند.

توسعه تجارت، اسیر تحریم‌های اقتصادی

مقدمه بازار آزاد، جهانی شدن است

ملیکا انصاری
editor@smtnews.ir

اقتصاد آزاد، عنوانی اسـت که طی سال‌های اخیر به‌ویژه با تشدید بحران‌های اقتصادی در کشور، بیش از پیش بحث آن باز شده و فعالان بخش خصوصی، بیشتر به اجرایی شدن قواعد آن تاکید کردند. اگر بخواهیم تعریفی ساده از اقتصاد آزاد ارائه دهیم، اقتصاد آزاد یعنی اقتصادی که دولت در تولید، فروش، توزیع و دیگر بخش‌های آن هیچ نقشی نداشته باشد. به‌بیان دیگر، عوامل بازار یعنی فروشندگان و خریداران بر آن نظارت داشته باشند. برخی کارشناسان معتقدند اقتصاد آزاد را می‌توان شفاف‌ترین نوع اقتصاد دانست و همین مسئله سبب افزایش راندمان فعالیت اقتصادی و کاهش قیمت‌های می‌شود، هرچند هنوز بر سـر این نوع اقتصاد تعارض‌های جدی وجود دارد، اما اگـر بخواهیم نمونه بازار آزاد را در تجارت بررسـی کنیم، می‌توانیم فعالیت‌های کشـورهای عضو سازمان تجارت جهانی (WTO) را موردبررسـی قرار دهیم. تجارت در زیر سـایه عضویت در سـازمان تجارت جهانی، یکی از تسهیل‌شـده‌ترین و کم‌هزینه‌ترین نوع مبادلات اسـت و از این‌رو بیشتر کشـورها به این سازمان توجه جدی دارند. سازمان تجارت جهانی، تجارت در بستر آزاد و مطمئن در بستر بین‌الملل را بر مبنای شاخصه‌های مهم و تاثیرگذاری تعریف می‌کند و بیشـتر کشورها از مزیت اجرای این مقررات و چارچوب‌ها سود می‌برند، اما ایران باوجود تلاش‌های انجام‌شده، هنوز نتوانسته به عضویت این سازمان درآید. کارشناسان معتقدند لازمه ورود به تجارت جهانی، اجرایی شـدن اقتصاد آزاد اسـت و بدون عملیاتی شـدن صحیـح این قواعد، ایران به عضویت سـازمان تجارت جهانـی در نخواهد آمد. صمت در این گزارش، به بررسـی الزامات پیوستن به سازمان تجارت جهانی و همچنین پیامدهای اجرای قواعد تجارت آزاد در ایران پرداخته و در این‌باره با کارشناسان و فعالان اقتصادی گفت‌وگو کرده است.



عکس: صمت

نمونه کوچک تجارت آزاد در سازمان‌های همکاری تجاری بین‌المللی قابل‌مشـاهده اسـت. به‌عنـوان مثال، کشـورهای عضـو اتحادیه اوراسـیا، تبادلات تجاری خود را بـا تعرفه‌های صفر انجام می‌دهند و این یک مزیت است

بیشترین تجارت با کمترین هزینه

سـازمان تجارت جهانی متولد اجـرای آخرین دور موافقتنامه تجاری است. در این دوره اجرای GATT کنفرانسـی در اروگوئه تشکیل شـد که در آن حول محور تاسـیس این سازمان اتفاق نظر به‌دست آمد تا سـرانجام در یکم ژانویه ۱۹۹۵ این سـازمان رسمی شود. به‌طورکلی وظیفه این سازمان، تنظیم و تسهیل تجارت است. سازمان تجارت جهانی به اجرا و مدیریت انواع گوناگونـی از موافقتنامه‌ها و ایجاد فضایی برای گفت‌وگـو میان دولت‌ها و حـل اختلافات می‌پردازد. این سـازمان به‌دنبال آن است که با مرور و نظارت بر سیاست‌های ملی تجاری، یکپارچگی و شفافیت را در اقتصاد بین‌الملل حفظ کند. سـازمان تجارت جهانی هم‌اکنـون ۱۶۴ عضو در خود دارد که این کشـورها ۹۸ درصد تجارت و تولیـد ناخالص داخلی جهانی را به خود اختصاص داده‌اند. این رقم قابل‌توجهی بوده و نباید به‌راحتی از کنار آن عبور کرد.

کارشناسـان معتقدنـد وارد شـدن در چرخـه همکاری‌هـای اقتصـادی بین‌الملل اگر به‌درسـتی و اصولی انجام شـود، فواید سرشـاری بـرای ایران در پی خواهد داشـت. برای درک ایـن فواید باید به این نکته توجه داشـت که حتی پهناورترین کشورها نیز نمی‌توانند امکانات خـود را در تولید تمامی کالاها و خدمات، توزیـع کنند. علاوه بر ایـن، هر صنعتی به سـطح پایه‌ای از سـرمایه احتیـاج دارد و در صورت تقسیم سرمایه میان آنها، بعضی از واحدهای تولیدی با مشـکل تامین منابع مالی مواجه خواهند شـد. از سـویی دیگر، بهینه‌سـازی درآمد و تولید، بسیاری از کشـورها را بر آن می‌دارد تا بـر تولید از صفر تا صد تمامی کالاها تاکید نداشـته باشد. این عوامل در کنار هم، باعث می‌شـود تا بخش زیـادی از نیاز صنایع و واحدهای تولیدی کشـورها، از طریـق واردات فراهم شود.

کاهش هزینـه واردات تحت عضویت در سـازمان تجـارت جهانی و در نهایت تولیـد کالاها با کمترین هزینه و بیشـترین مزیـت رقابتـی، مهم‌ترین پیامد تجارت در بستر آزاد است.

عضویـت در چرخـه تجـارت جهانـی نه‌تنها کالا و خدمـات بهتر فراهم نمی‌آورد، بلکـه تبادل فنی و مهندسی عنصر مهم دیگری است که به‌عنوان مزیت این نـوع تجارت می‌تـوان عنوان کرد. اگـر ایران بر تجارت آزاد جهانی توجه داشته باشد، می‌تواند بخش زیادی از مشـکلات فنی و تکنولوژیک خود را برطرف کـرده و این یک گام جدی در راسـتای بهبود چرخه تولید کشور است.

دوران عضو ناظر بودن ایران سر آمده



مسعود دانشمند، فعال تجاری در گفت‌وگو با صمت، ابتدا به تشریح روند عضویت در سازمان تجارت جهانی پرداخـت و گفت: بسـیاری از کارشناسـان معتقدند اجرایی شـدن روند اقتصاد آزاد در تجارت، وابسـته به عضویـت در کنوانسـیون‌ها و مجامع مهـم بین‌المللی ماننـد سـازمان تجارت جهانی اسـت. آنهـا معتقدند بـرای آنکه ایران به‌سـمت تجـارت آزاد حرکت کند، باید عضویـت در مجامع بین‌المللی را در دسـتور کار خـود قرار دهـد. پیش از توضیح اهمیـت عضویت در این سـازمان، باید گفت ایران طی سال‌های اخیر برای عضویت در این سـازمان تلاش کـرده و در این مدت توانسـت به‌عنوان عضو ناظر سـازمان توسـعه تجارت درآیـد. وی ادامه داد: مدت زمان ایران برای قرارگیری تحت‌عنوان عضو ناظر در سازمان توسعه تجارت به‌پایان رسیده و باید درخواست خود را مجدد برای اعضای این سازمان ارسال کند. اگر اعضای این سازمان درخواست ایران برای عضویت را بپذیرند، کمیته‌ای تشـکیل شده تا تمـام قوانین و مقررات بانکی و تجاری ایران با روند جاری در سازمان تجارت جهانی اجرایی شود. در ادامه نیز، کشـوری به‌عنوان کشـور هادی معرفی شود تا با کمک آن کشور، بتوانیم قوانین تجارت آزاد را عملیاتی کنیم. دانشـمند ادامـه داد: پس از اجـرای این روند در نهایت اعضای سـازمان تجـارت جهانی به پذیرفته شـدن ایران در این مجمع رأی نهایـی صادر خواهند کرد، بنابراین عضویت در سـازمان تجارت جهانی روند ساده‌ای نیست و باید بسیاری از مولفه‌های مهم تجارت که این سازمان به آن پایبند است، اجرایی شود.

▣ اهمیت گستردگی روابط در جهان

دانشمند در ادامه صحبت‌های خود مهم‌ترین مولفه عضویـت در سـازمان تجارت جهانـی را اجرای قواعد بازار آزاد در تجارت دانست و در این‌باره گفت: پیش‌تر درباره روند پذیرش عضویت ایران در سـازمان تجارت جهانی توضیح دادم. تـا زمانی که تمام مراحل مذکور رعایت نشـود، ایران به این سـازمان ملحق نمی‌شود و نمی‌تواند از مزایـای آن در فعالیت‌های اقتصادی بهره گیرد. مهم‌تریـن رکن پذیرش ایـران، تطبیق قوانین اقتصـادی و تجاری کشـور با سـایر کشـورهای عضو سازمان توسـعه تجارت اسـت. اجرایی شـدن قواعد بـازار آزاد، یکـی از مهم‌تریـن این قوانیـن مهم بوده که نکته قابل‌توجهی اسـت، اما مسـئله دیگر، مشکل اساسـی ایـران در مباحث پولی و بانکی اسـت. ایران هنـوز FATF را نپذیرفتـه و از سـویی دیگر به‌دلیل تحریم‌های بین‌المللی، نقل‌وانتقـالات بانکی و مالی با سـختی و موانع زیادی همراه اسـت. این فعال تجاری خاطرنشان کرد: در شـرایطی که برای انجام تجارت و مراودات مالـی، موانع و چالش‌های متعدد وجود دارد، نمی‌توان به اجرای تجارت آزاد و حتی پذیرفته شـدن ایران از سـوی سازمان توسـعه تجارت جهانی امیدوار بود. رفع این نوع مشـکلات، از دست بخش خصوصی خارج اسـت و دولت باید برای رفع این مسائل چاره‌ای بیندیشـد. بهبود روابط جهانی، اصل تجارت است و با کاهش فشارهای تحریمی در نهایت، بسترهای عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی فراهم خواهد شد. فارغ از توانایی و ظرفیت‌های تولید و تجارت ایران، تا زمانی که روابط گسـترده جهانی در بسترهای امن و مطمئن نداشته باشـیم، نمی‌توانیم قدمی در راستای توسعه و بهبود اقتصاد کشور برداریم.

▣ ظرفیت استفاده از تعرفه‌های حداقلی

دانشـمند به اهمیت عضویت کشـورها در سـازمان تجارت جهانی اشاره کرد. او معتقد است: قواعد جاری در روند تجارت کشورهای عضو این سازمان، مهم‌ترین نکته‌ای اسـت کـه ایران با رعایت کـردن آن می‌تواند از مزایـای بـازار آزاد و تجـارت بدون مانـع بهره‌مند شـود. این فعال تجاری تصریح کـرد: تجارت زیر چتر سـازمان تجـارت جهانی بـرای ایران دسـتاوردهای مهمی داشـته که از مهم‌تریـن آنها می‌توان به کاهش چشـمگیر تعرفه‌های وارداتی و صادراتی اشـاره کرد. کشورهای عضو سـازمان تجارت جهانی، تجارت خود را با تعرفه‌های ترجیحی بسـیار کم و در بیشتر مواقع تعرفه‌های صفر انجـام می‌دهد و این یک فرصت مهم برای کشـورها محسوب می‌شـود. در چنین شرایطی، کالاهـا بـا هزینه‌هـای بسـیار کـم به مقصـد صادر می‌شـود و همین مسـئله مزیت رقابتی جدی را برای تولیدکننـدگان فراهم می‌کند، همچنیـن واردات نیز با هزینه کمتری انجام می‌شـود و کشـورها در نهایت علاقه جدی به این نوع مبادلات پیدا خواهند کرد. وی ادامـه داد: نمونه کوچک تجارت آزاد در سـازمان‌های همکاری تجاری بین‌المللی قابل‌مشاهده است. به‌عنوان مثال، کشورهای عضو اتحادیه اوراسـیا، تبادلات تجاری خود را بـا تعرفه‌هـای صفـر انجام می‌دهـد و تا پیـش از امضای توافقنامـه تجـارت آزاد میان ایـران و این اتحادیه، ایران باید محصولات کشـاورزی خود را با تعرفه ۲۰ درصد صادر می‌کرد. حال با امضای ایـن توافقنامه، تعرفه تجارت برخـی اقلام برای ایران کاهش یافت.

▣ قواعد بازار آزاد اجرایی شود

دانشـمند در پایـان صحبت‌هـای خود بـه اهمیت تطبیـق قوانین تجارت ایران با روند سـایر کشـورها تاکیـد کرد و در این‌باره توضیـح داد: مهم‌ترین اصلی کـه تجارت ایـران را در بسـتر آزاد توسـعه می‌دهد، پذیـرش قواعد سـازمان تجـارت جهانی اسـت. مهم نامی نیسـت که بر این نوع تجارت گذاشـته می‌شود؛ برخـی آن را تجارت آزاد و دسـته‌ای دیگر از افراد آن را نظام سـرمایه‌داری می‌دانند. فارغ از هر نامی که بر تجارت در بستر آزاد گذاشته می‌شود، این نوع تجارت و دادوسـتد بااهمیت اسـت و می‌تواند مسیر توسعه را در شـرایطی تسهیل‌شـده، فراهم کند. وی ادامه داد: در حـال حاضر، دیگر کشـورها نمی‌پذیرند که تجارت را بـا هزینه‌های اضافی با یکدیگر انجام دهند و همواره به‌دنبال مبادلات با کمترین چالش هسـتند، از این‌رو ایران نمی‌تواند به شـیوه فعلی خـود ادامه دهد و باید تجارت در بستر اقتصاد آزاد را اجرایی کند.

فارغ از هر نامی که بر تجارت در بستر آزاد گذاشته می‌شود، این نوع تجارت و دادوستد بااهمیت است و می‌تواند توسعه را در شرایطی تسهیل‌شده، محقق کند

نبود امکان قانونی برای نقل و انتقالات مالی



احمد پورفلاح، فعال تجـاری در گفت‌وگو با صمت، مهم‌تریـن مانـع اجرایی شـدن اقتصـاد آزاد را وجود تحریم‌هـا و محـدود بودن روابط بانکـی عنوان کرد و در این‌باره گفت: یکی از دسـت‌اندازهای مهم فعلی که نه‌تنها صادرکنندگان بلکه فعالیت تولیدکنندگان را نیز تحت‌تاثیر قرار داده، وجود تحریم‌ها علیه ایران است.

ایران به‌دلیل نداشـتن ارتباط کافی و موثر با سـایر کشورهای دنیا، فرصت‌های تجاری خود را در این مدت از دسـت داده اسـت. در این مدت، کشـورهایی که از دهه‌های گذشته از خریداران و مصرف‌کنندگان اصلی تولیدات ایران محسـوب می‌شـدند نیز، روابط تجاری خود را با ما محدود و نیازهای خود را از سایر کشورها خریداری کردند.

وی ادامـه داد: به‌دلیل فشـارهای تحریمی و موانع انتقال منابع مالی، ایران بازار کشورهایی که با آنها طی سال‌ها و دهه‌ها تجارت بلندمدت داشت، از دست داد، از ایـن‌رو نبود امکان قانونی برای نقل‌وانتقالات پول در عرصه‌های بین‌المللـی و درآمدهای حاصل از صادرات نیـز یکی دیگر از تاثیرات جـدی وجود تحریم‌ها علیه ایران است. تنها راه رفع مشکلات این مسائل و حرکت در مسیر تجارت آزاد، بهبود روابط ایران با جهان است.

▣ ورود سرمایه خارجی در تجارت آزاد

پورفـلاح در ادامه صحبت‌های خود، تسـهیل روابط بین‌المللـی را لازمه اصلاح روند اقتصاد و تجارت ایران دانسـت و در این‌باره توضیح داد: ایران طی سـال‌های اخیر تـلاش زیادی برای عضویت در سـازمان تجارت جهانـی انجـام داد کـه تا به امـروز هیچ‌یـک موفق نبوده‌اند.

یکـی از دلایل اصلـی این عدم‌موفقیـت را می‌توان وجـود تحریم‌هـا و مشـکلات پولـی و بانکـی اعم از نپذیرفتن FATF و سـایر مسـائل این‌چنینی عنوان کرد. حرکت بر بسـتر تجارت آزاد، نیاز به زیرساخت‌ها و لوازم متعددی داشـته که باید بـه تمامی آنها توجه کـرد. وی در رابطـه با تاثیـر بهبود روابـط جهانی بر تجارت گفت: با افزایـش روابط بین‌المللی، در فعالیت تمامـی حلقه‌هـای زنجیـره اقتصادی بهبود نسـبی حاصل خواهد شـد. در گام نخست، واحدهای تولیدی با شـرایط مطلوب‌تری فعالیت خواهنـد کرد، چرا که تجهیزات و ماشـین‌آلات تخصصی و به‌روز جهانی وارد کشـور می‌شود و سـطح کیفی محصولات بالا خواهد رفت، همچنین از سـویی دیگر، سـرمایه‌های مناسبی وارد کشور می‌شود و منابع مالی سرمایه‌گذاران خارجی می‌تواند نیروی محرکه مهمی بـرای چرخـه تولیـد باشـد، بنابراین کالاهای تولیدشـده از نظر نرخ و کیفیت رقابت‌پذیرتر هسـتند و می‌توانند با سـایر محصولات مشابه در بازارهای جهانی رقابت کنند.

سخن پایانی

سـازمان تجارت جهانی، تجارت در بستر آزاد و مطمئن در بستر بین‌الملل را براساس ۴ مولفه تعریف کرده اسـت. در نظر این سازمان، تجارت صحیح باید دارای صفت‌های آزاد، قابل پیش‌بینی، منصفانه و هموار باشد. متاسـفانه مسـیر فعالیت‌های تجاری در ایران ناهموار و مملو از سنگلاخ و دست‌انداز است. برخی کارشناسان معتقدنـد وضع قوانین غیرمنصفانه و غیرکارشناسـی برای صادرات و واردات، محدودیت‌های شـدید قانونی به‌دلیل کمبود ذخایر ارزی در کشـور و در نهایت زمانبر بودن روندهای اداری برای افرادی که تمایل به انجام کارهای قانونی دارند، در کنار یکدیگر سبب شده تا افراد قاچاقچی، کسب‌وکار پررونقی در ایران داشته باشند، بنابراین نه‌تنها قواعد بازار آزاد در ایران اجرایی نشده، بلکه خلأها و نقایص جدی حتی در روند اقتصاد دستوری حال حاضر وجود دارد.

قیمت‌گذاری دستوری به‌هیچ‌وجه اقتصادی نیست

بنایی که از پایه کج است، ریزش می‌کند

قیمت‌گذاری دستوری یکی از مواردی است که در کشور ما همواره موردتوجه دولت‌ها بوده و بسیار از آن دفاع می‌کنند. دولت‌ها همیشه برای توجیه قیمت‌گذاری دستوری دلایلی مانند به‌صرفه بودن برای مصرف‌کننده یا ثبات اقتصادی می‌آورند، اما این کنترل نرخ در بیشتر مواقع اثر معکوس داشته است. برخی از منتقدان این سیاست معتقدند در بلندمدت، کنترل قیمت‌ها منجر به شکل‌گیری مشکلاتی همچون کمبود، کاهش کیفیت محصول و به‌وجود آمدن بازارهای غیرقانونی برای کالاهای تحت کنترل نرخ می‌شود که اغلب می‌تواند منجر به افت کیفیت کالاها و خدمات شود، این در حالی است که بارها با قیمت‌گذاری دستوری کالاها نه‌تنها بازار کنترل نشد، بلکه حسابی از کنترل خارج شد و قیمت‌ها افزایش یافت. در حقیقت راهکاری که در بیشتر موارد به گرانی و بی‌نظمی ختم شد قرار نیست تجربه و از دستور کار دولت‌ها خارج شود. صمت در این گزارش به بررسی تاثیر اقتصاد آزاد بر بازار پرداخته است.



عکس: آیدا فریدی

کیمیا ملکی
editor@smtnews.ir

ثبات در اجرای سیاستی ناموفق

به‌عقیده بسیاری از کارشناسان اقتصادی در میان سیستم‌های اقتصادی تعریف‌شده در دنیا یکی از بهترین و ایده‌آل‌ترین سیستم‌ها را می‌توان نظام اقتصاد بازار یا اقتصاد آزاد دانست؛ نظامی که در آن تمامی تصمیمات اقتصادی توسط فعالان بازارهای مختلف اتخاذ می‌شود و تعامل بین افراد و بنگاه‌های اقتصادی در جامعه نحوه تخصیص کالاها و منابع را تعیین می‌کند. کشف نرخ براساس عرضه و تقاضا، یعنی نرخ فروش یک محصول در بازار به مقداری است که تقاضاکننده حاضر به پرداخت آن است. تولیدکننده اگر برایش صرفه اقتصادی داشته باشد محصول را تولید می‌کند و اگر نداشته باشد تولید نمی‌کند؛ زمانی که تولید نکند نرخ محصول در بازار به‌علت کمبود عرضه افزایش می‌یابد و دوباره تولیدکننده وارد فضای تولید می‌شود و زمانی که نرخ بیش از اندازه بالا برود تولیدکنندگان بیشتری وارد آن حوزه کاری می‌شوند تا زمانی که حاشیه سود کاهش یابد و نرخ متعادل‌تر شود. این ساختار یک بازار کارا است؛ ساختاری است که باید در یک فضای اقتصاد آزاد یا کلاسیک پیاده شود. در ایران در همه دولت‌ها قیمت‌گذاری دستوری اولویت اول و گامی مهم به‌شمار می‌آید، این در حالی است که قیمت‌گذاری دستوری سیاستی منسوخ و ناکارآمد برای مقابله دولت‌ها با تورم است که به‌واسطه آثار سوء، سال‌هاست در هیچ اقتصاد پیشرفته‌ای به کار گرفته نمی‌شود.

اعمال سیاست‌های کنترل نرخ در شرایطی که هزینه‌ها با تورم رو به افزایش است، موجب کاهش حاشیه سود شرکت‌ها و کاهش قدرت رقابت با رقبای خارجی می‌شود. با این حال دولت‌ها بر ادامه این روند ناموفق تاکید دارند.

قیمت‌گذاری دستوری، توزیع رانت می‌کند

هوشیار فقیهی، دبیرکل اتاق اصناف ایران درباره تاثیر قیمت‌گذاری دستوری بر بازار به صمت گفت: در سیستم قیمت‌گذاری دستوری دو اتفاق رخ می‌دهد. این نوع قیمت‌گذاری سبب توزیع رانت می‌شود و از توسعه بازار و افزایش تولید جلوگیری می‌کند و مانع به تعادل رسیدن بازار می‌شود؛ بنابراین قیمت‌گذاری دستوری به سود مصرف‌کننده نخواهد بود. وی درباره مهار تورم به‌واسطه قیمت‌گذاری دستوری، اظهار کرد: تورم و افزایش نرخ همیشه وجود دارد، اما متاسفانه مسئولان بر این باورند که قیمت‌گذاری دستوری می‌تواند به کنترل آن کمک کند و باوجود تجربه‌های تلخ باز هم اصلاحی بر این روند صورت نمی‌گیرد. تعیین نرخ یک کالا به‌صورت دستوری عملا امکان برنامه‌ریزی برای سرمایه‌گذاری را از بین خواهد برد و سرمایه‌گذار دیگر قادر به برنامه‌ریزی برای وارد کردن سرمایه‌های خود برای تولید آن کالا نیست. این موضوع به‌تدریج باعث کاهش میزان تولید کالا، کاهش عرضه نسبت به تقاضا در بلندمدت و نیز شوک قیمتی می‌شود که در این میان خریدار یا مصرف‌کننده متحمل ضرر و زیان‌های ایجاد شده خواهند شد؛ بنابراین با توجه به چنین مشکلاتی استفاده از سیستم قیمت‌گذاری دستوری مناسب اقتصاد کشور نیست.



گرانی‌ها گرانفروشی نیست

فقیهی درباره گرانفروشی گفت: براساس آمار و اطلاعاتی که در حوزه نظام صنفی وجود دارد به‌طور میانگین در نظام صنفی توزیعی که ۹۰ درصد کالاها از طریق آن به‌دست مردم می‌رسد، تنها حدود ۵ درصد تخلف وجود دارد و در بیشتر موارد گرانفروشی انجام نشده و شاید تنها یک درصد از تخلفات صنفی گرانفروشی باشد؛ بنابراین ماهیت و ریشه گرانی‌ها، گرانفروشی نیست و اختلالات ارزی و وابستگی تولیدات به واردات مواد اولیه است؛ از همین رو دولت باید مشکلات را ریشه‌ای حل کند.

راهکار چیست؟

دبیرکل اتاق اصناف ایران در بیان راهکاری اظهار کرد: راهکار اصلی این است که پایه‌های تولید قوی شود. از سوی دیگر بهتر است دولت از تصدی‌گری در اقتصاد دست بردارد، زیرا نمی‌تواند به‌طور همزمان عهده‌دار مدیریت بازار، مقررات‌گذاری، نظارت و سرمایه‌گذاری باشد.

قیمت‌گذاری دستوری به ضرر تولید است

الهوردی رجایی سلماسی، کارشناس اقتصاد درباره تاثیرات اقتصاد آزاد بر بازار به صمت گفت: در اقتصاد آزاد قیمت‌ها با عرضه و تقاضا تعیین می‌شود. از سوی دیگر عرضه و تقاضا نیز باید نسبت به هزینه تولید در نظر گرفته شود. اگر هزینه تولید و عرضه و تقاضا با یکدیگر به‌تناسب برسند، تورم کنترل خواهد شد. این کارشناس اقتصاد که مدیریت بانک سامان را در کارنامه کاری خود دارد با اشاره به تاثیرات قیمت‌گذاری دستوری بر بازار اظهار کرد: قیمت‌گذاری به ضرر تولید است و به هیچ‌وجه اقتصادی نیست. گرچه اعمال سیاست‌های کنترل نرخ ممکن است در کوتاه‌مدت نرخ برخی کالاها و خدمات را به‌صرفه کند، اما کنترل نرخ اغلب می‌تواند منجر به اختلال در بازار، ضرر برای تولیدکنندگان و تغییر قابل توجه در کیفیت محصول شود.

برای مثال نرخ خودرو در کارخانه، اختلاف بسیار زیادی با نرخ بازار آزاد دارد که عامل به‌وجود آمدن چنین اختلافی، اعمال فشار برای کنترل نرخ است، اما نه تنها نرخ در بازار آزاد کنترل نمی‌شود، بلکه رانت و اختلاف بسیار زیاد بین نرخ کارخانه و بازار آزاد به‌وجود می‌آید که این امر منجر به کاهش کیفیت محصولات تولیدی و همچنین کاهش سودآوری شرکت‌های خودروسازی و متضرر شدن سهامداران این شرکت‌ها شده است. رجایی سلماسی ضمن انتقاد از سیستم قیمت‌گذاری دستوری اظهار کرد: این اقدام در واقع نمی‌تواند به‌نفع تولیدکنندگان باشد، زیرا نرخ بالاتر کالا منجر به از دست رفتن مشتریان و خریداران آن کالا می‌شود. اکثر اقتصاددانان معتقدند در راستای کمک به مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، قیمت‌گذاری دستوری فعالیتی غیرکارآمد است.



برای اجرای اقتصاد آزاد زود است

این کارشناس با اشاره به زیرساخت‌های لازم برای اجرای اقتصاد آزاد گفت: اکنون هیچ زیرساختی برای اجرای اقتصاد آزاد وجود ندارد و تمام قیمت‌ها در بازار بر اساس نرخ دلار تنظیم می‌شود. باید مشکل اصلی اقتصاد را پیدا کرد که قطعا گرانفروشی تولیدکننده نیست.

زور سود بانکی به تورم نمی‌رسد

رجایی سلماسی با اشاره به استقبال مردم از خرید سکه و ارز گفت: هیچ تصمیم اقتصادی بدون توجه به فاکتورهای این حوزه دستاوردی نخواهد داشت و نمی‌توان منتظر موفقیت آن بود. هنگامی که تورم بالای ۵۰ درصد است، اما نرخ سود بانکی به‌تناسب آن افزایش پیدا نمی‌کند، مردم برای سرمایه‌گذاری بهتر به سراغ خرید سکه و ارز می‌روند. کسانی که با مسائل اقتصادی و سرمایه‌گذاری آشنا هستند سرمایه خود را از بانک خارج می‌کنند و در بازارهای دیگری به‌دنبال حفظ یا افزایش ارزش دارایی‌های خود خواهند بود. در چنین شرایطی خروج سپرده‌ها از بانک عادی است و سرمایه‌گذاری در بانک غیرمعقول و غیرمعمول خواهد بود. برای نمونه بازار ارز یا طلا در حال حاضر به‌هیچ‌وجه ثبات ندارد. هرچند قیمت‌ها در بازارهای یادشده رو به افزایش رفته، اما واقعا این بازارها بی‌ثبات هستند، این در حالی است که سرمایه‌های خرد نمی‌توانند در بازارهای مسکن و خودرو نیز ورود و نفعی را برای صاحبان‌شان رقم بزنند؛ این وضعیت به‌ویژه در بخش مسکن بیشتر خود را نشان می‌دهد. افزایش بیش از ۱۰۰ درصدی نرخ مسکن دست سرمایه‌داران خرد را از این بازار کوتاه کرده و ورود به این بخش نیازمند سرمایه کلانی است؛ از همین رو در وضعیت کنونی توجه مردم به سمت بازار بورس جلب شده و سرمایه‌ها به آن سمت در حرکت هستند.



قیمت‌گذاری دستوری لازم است

علیرضا امینی، کارشناس بازار درباره تاثیرات اقتصاد آزاد بر بازار به صمت گفت: اقتصاد آزاد بهترین نوع اقتصاد است و براساس عرضه و تقاضا عمل می‌کند، اما برای اجرایی شدن آن نیاز به شرایط و الزاماتی وجود دارد. اقتصاد آزاد در شرایطی اجرایی می‌شود که فضای اقتصاد رقابتی فراهم باشد. هنگامی که در یک اقتصاد انحصار وجود دارد، اقتصاد آزاد خیلی جوابگو نیست. وی با اشاره به تاثیرات منفی اجرای اقتصاد آزاد بدون فراهم بودن زیرساخت اظهار کرد: اگر زیرساخت‌های لازم برای اجرای اقتصاد آزاد وجود نداشته باشد، نمی‌توان به پیامدهای مثبت این نوع از اقتصاد امیدوار بود. در صورت اجرای این سیاست با مهیا نبودن زیرساخت‌ها، قیمت‌ها به‌شدت افزایشی و در نهایت تنها منافع تولیدکننده و فروشنده تامین می‌شود. بر همین اساس در بازارهای انحصاری تعیین قیمت توسط دولت لازم است و نظارت دولت در این روند اهمیت دارد. امینی با اشاره به نیاز بازار به قیمت‌گذاری گفت: رها کردن بازار بدون نظارت دولت و مقررات‌گذاری هم به نفع اقتصاد کشور نیست. در این زمینه باید به‌طور حتم اقداماتی در راستای ایجاد ترکیبی از آزادی عمل، شفافیت و رقابت و نظارت در کشور انجام شود تا مسئولان در مجموع بتوانند ضمن حمایت و تشویق تولیدکننده، منافع مصرف‌کننده را هم تامین کنند.

دخالت‌های بی‌مورد دولت را کم کنیم

این کارشناس با اشاره به تاثیر دخالت‌های دولت گفت: در بازارهای رقابتی اگر به سمت اقتصاد آزاد پیش برویم و دخالت‌های بی‌مورد دولت را کم کنیم قطعا افزایش تولید و اشتغال خواهیم داشت.

در حال حاضر یکی از مشکلات اصلی فضای کسب‌وکار است، زیرا جایگاه ایران در شاخص سهولت کسب‌وکار بسیار نامناسب است و باوجود تلاش‌های چندساله تغییر خاصی رخ نداده است. این یکی از مواردی است که نشان می‌دهد، دخالت دولت در این حوزه‌ها غیرضروری است.

سخن پایانی

به‌عقیده کارشناسان قیمت‌گذاری دستوری در حوزه‌های مختلف باعث ایجاد رانت‌های زیادی شد که در نتیجه آن دلال‌ها ثروتمندتر شدند و از سود کارگر کاسته شد تا به دلال برسد، این در حالی است که باوجود مزایای بسیار اقتصاد آزاد و تجربه‌های تلخ پیاپی ناشی از قیمت‌گذاری دستوری، مسئولان مایل به کوتاه آمدن نیستند و اصرار دارند بازار را با قیمت‌گذاری دستوری کنترل کنند. اما اگر اوضاع‌واحوال بازار کنترل‌شده این است وای به حال بازار بهم‌ریخته!

یادداشت

نگذاریم اقتصاد بمیرد



محمدصادق مشایخ - رئیس کمیسیون توسعه بازرگانی بنیاد امید ایرانیان

بررسی‌ها حاکی از آن است که سیاست قیمت‌گذاری انگیزه شکل‌گیری رقابت و تکمیل گام‌های توسعه را در کسب‌وکار سلب کرده است.

معمولا انگیزه دولت از قیمت‌گذاری دستوری، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر در مقابل تورم است؛ از این رو برای کالاها سقف نرخ تعیین می‌شود.

متاسفانه مشکل اصلی در بدنه اقتصاد است، نه روش‌هایی که مطرح می‌شود.

اصلا قیمت‌گذاری دستوری یعنی چه؟ نرخ تمام‌شده کالا چقدر است؟ با دریافت پاسخ این سوالات گاهی به این حقیقت می‌رسیم که هیچ امیدی به اصلاح و بهبود وضعیت اقتصادی نیست.

بنایی که از پایه کج باشد، قطعا ریزش می‌کند؛ بنابراین در گام نخست باید سیستم مدیریت تولید و توزیع خود را هماهنگ کنیم.

مدیریت اقتصادی ما بسیار ضعیف است و یکی از دلایل اختلاف قیمت‌ها و بی‌ثباتی بازار به مدیریت ضعیف اقتصاد بازمی‌گردد.

زمانی که یارانه به مصرف‌کنندگان داده شد و در مقابل آن، نرخ مرغ افزایش و مصرف کاهش یافت، شاهد کشتار جوجه‌های یک‌روزه بودیم.

راهکار اقتصادی درست این بود که ابتدا یارانه به حساب تولیدکننده واریز و پس از تولید، کمک‌هزینه لازم برای خرید نیازهای اولیه به حساب مردم واریز شود.

این اقدام پیش از بررسی شرایط بازار و تحلیل عرضه و تقاضا انجام شد. افراد دارای تمکن مالی با خرید بیش از نیاز و احتکار کالا از تصمیمات ناگهانی و نادرست آسیبی نمی‌بینند و در مقابل، کمبود کالا، نتیجه مخرب این سیاست برای سفره قشر ضعیف است.

کالابرگ تنها هزینه سنگین روی دست دولت می‌گذارد و سود دیگری ندارد.

راهکارهای زیادی برای برون‌رفت از وضعیت فعلی وجود دارد، اما مسئولان نمی‌خواهند آنها را اجرا کنند. کسی نمی‌خواهد مشکل حل شود. حتی برای جلوگیری از قاچاق نیز اقدام خاصی صورت نمی‌گیرد و جنس قاچاق به‌وفور در کشور وجود دارد، این در حالی است که به ازای هر کالای قاچاق ۱۰ کارگر ما بیکار می‌شوند. تا زمانی که تولید نداشته باشیم، اوضاع اقتصادی هر روز بدتر از دیروز می‌شود، این در حالی است که ما اصلا منابع تولید نداریم و بسیاری از کارخانه‌های ما تعطیل هستند. در نتیجه این روند، اوضاع برای قاچاقچیان، عروسی و برای تولیدکننده عزا است. نباید بگذاریم اقتصاد بمیرد که سپس برای آن مجلس عزا بگیریم. تا زمانی که رانت و فساد موجود در ساختار اقتصادی کشوری از بین نرود وضعیت اقتصادی درست نخواهد شد؛ تا زمانی که اختلاس و رشوه برقرار است و در مقابله با آن اقدام قاطع و عملیاتی صورت نگیرد همین روند ادامه خواهد داشت؛ در نتیجه پولدارها پولدارتر و فقیران فقیرتر می‌شوند. باید در حوزه‌های اقتصادی از افراد متخصص استفاده شود؛ افرادی که بدانند مفهوم اصلی اقتصاد چیست و فرمولی علمی برای حل مشکلات اقتصادی داشته باشند. از سوی دیگر اصلاح وضعیت فعلی اقتصاد نیازمند اراده و عزمی قوی است. تا زمانی که ما نخواهیم از سرمایه‌های ملی کشور مانند کارشناسان و دانشمندان استفاده کنیم هیچ چیز درست نمی‌شود.

گفتنی است در حال حاضر، بررسی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه حاکی از آن است که تقریبا تمام اقتصادها از قیمت‌گذاری دستوری کالاهای بخش خصوصی عبور کرده‌اند و قیمت‌گذاری کالاهای دولتی نیز به‌شکل محدود و ضابطه‌مند صورت می‌گیرد.

> در بازارهای رقابتی اگر به سمت اقتصاد آزاد پیش برویم و دخالت‌های بی‌مورد دولت را کم کنیم افزایش تولید و اشتغال خواهیم داشت

۵۹۰ م الف

آگهی مزایده فروش مال منقول و غیر منقول نوبت اول

قوه قضائیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
دادگستری کل استان بوشهر بخش ریگ

طبق پرونده حقوقی (نیابتی) به کلاسه ۰۱۰۰۰۹۸ شعبه اجرای احکام دادگاه عمومی بخش ریگ، محکوم علیه آقای بهنام ذوفنون فرزند غلامحسین به پرداخت مبلغ ۱۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال بابت اصل خواسته و خسارت تاخیر تادیه از تاریخ ۱۳۹۸/۰۸/۱۲ و مبلغ ۱۰،۶۲۶،۰۰۰ ریال بابت هزینه دادرسی و حق‌الوکاله وکیل در حق آقای سیدعباس حسینی آزاد (زارعی) فرزند سیدجواد و همچنین هزینه اجرایی در حق صندوق دولت، بنا به درخواست محکوم‌له به منظور استیفای حقوق خویش به استناد مواد ۱۳۷ الی ۱۴۵ قانون اجرای احکام، تمام یک قطعه پلاک ثبتی مشاع (مرغداری) به شماره ۸۸۵/۳۹ به مساحت ۵۱۶۷۵ مترمربع به شماره سند ۶۲۴۱۹۸ با کاربری مرغداری به شناسه ملی جغرافیایی ۴۸۴۷۱۲۳۲۴۰۹۸۶۳۹۰۰۰۰۰۰۰ شامل دو باب سوله یکی به متراژ حدودا ۱۱۰۰ مترمربع و دیگری به مساحت ۱۰۰۰ مترمربع، انبار دانه به مساحت ۱۶۰ مترمربع، اتاق کارگران حدودا ۳۰ مترمربع، اتاق نگهبان به مساحت حدودا ۹ مترمربع، ساختمان مدیریت به مساحت حدود ۶۰ مترمربع، دارای انشعاب ترانس برق اختصاصی و انشعاب آب و گاز (بدهی مربوط به آب لوله‌کشی و برق و گاز اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف و همچنین بدهی مالیات و عوارض شهرداری تا تاریخ واگذاری و انتقال اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده باشد یا نه بعهده برنده مزایده است) که در اجاره نیز نمی‌باشد واقع در بخش ریگ- سه‌راهی گوابین به طرف روستای محمدی روستای قلعه سرحان به مالکیت ملکی رشیدی به ارزش ۴،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال توقیف گردیده و توسط این واحد به فروش می‌رسد که ملک مذکور طبق نظر کارشناس به مبلغ ۴۶،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده، مزایده روز چهارشنبه ۱۴۰۱/۱۱/۱۹ راس ساعت ۱۱:۰۰ صبح الی ۱۲ ظهر از مبلغ تعیین شده توسط کارشناس شروع و شخصی که بالاترین قیمت را پیشنهاد نماید به عنوان برنده مزایده شناخته خواهد شد و برنده مزایده می‌بایست ۱۰ درصد از وجه پیشنهادی را نقدا و فی‌المجلس به حساب دادگستری تودیع نماید و نسبت به مابقی آن حداکثر ظرف مدت یک ماه اقدام نمایند والا وجه تودیعی پس از کسر هزینه مزایده به نفع دولت ضبط خواهد شد علاقمندان می‌توانند در وقت مقرر در دفتر اجرای احکام مدنی دادگاه عمومی بخش ریگ جهت برگزاری مزایده حضور یابند ضمنا طالبین می‌توانند در صورت تمایل پنج روز قبل از موعد مزایده به این اجرا مراجعه تا ترتیب بازدید آنان از ملک مورد مزایده داده شود.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۲۴

سیدمحمد موسوی‌پویا، قاضی واحد اجرای احکام مدنی شعبه اجرای احکام مدنی دادگستری بخش ریگ

آثار گوناگون پرداخت یارانه بر شرایط رفاهی جامعه بررسی شد

کیک اقتصاد ایران کوچک شد

محمد انوشه‌ئی: یارانه نوعی پرداخت انتقالی است. پرداخت انتقالی، شامل یارانه یا مالیات می‌شود که هردو ابزاری برای توزیع مجدد درآمد و کاهش فاصله طبقاتی و تامین هزینه کالاهای عمومی است، بنابراین باید یارانه پرداخت شود، اما چگونگی پرداخت آن نیز اهمیت بسیاری دارد.

یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های اقتصاد آزاد، کاهش تصدیگری دولت در تولید و توزیع است و با فرض پذیرش این سیاست در گام نخست باید یارانه و سوبسید از اقتصاد ایران حذف شود.

در حالی که حذف یارانه علاوه بر آسیب بر معیشت، بر تولید نیز تاثیرگذار است. از سوی دیگر، کنترل نرخ تورم پیش‌شرط حذف هرگونه یارانه است. اقتصاددانان برای ساماندهی به این شرایط راهکارهای متفاوتی ارائه می‌دهند. برخی معتقدند اقتصاد باید آزاد و نظام بازار تعیین‌کننده قیمت‌ها باشد و برخی نیز نظام فعلی پرداخت یارانه‌ها را صحیح می‌دانند و فقط نحوه مدیریت آن را نقد می‌کنند.

صمت در این گزارش برای یافتن راهکاری عملی در شرایط فعلی اقتصاد ایران به گفت‌وگو با کارشناسان پرداخته است.



برای حمایت از اقشار کم‌درآمد در همه اقتصادهای جهان یارانه پرداخت می‌شود، بنابراین سیاست پرداخت یارانه از ریشه غلط نیست، اما اجرای بد این سیاست می‌تواند این کار را به سیاستی غلط تبدیل کند

ضرورت اصلاحات در پرداخت یارانه‌ها

در ادبیات اقتصادی، یارانه ماهیتی از جنس مالی است که برای افزایش قدرت خرید شخص یا خانوار در دسترسی به یک کالا در نظر گرفته می‌شود و ممکن است به‌صورت نقدی به‌سمت تقاضا یا در قالب کاهش نرخ کالا به وی پرداخته شود.

یارانه به‌صورت نظری با افزایش دسترسی به کالا هم موجب افزایش رضایت‌خاطر مصرف‌کننده و هم افزایش فروش عرضه‌کننده می‌شود و در نتیجه باید نتایج مثبتی به‌دنبال داشته باشد، اما از اساس یارانه در عمل چهره دیگری دارد.

پرداخت یارانه که در واقع نوعی دستکاری نرخ محسوب و به‌طورمعمول باعث بر هم‌خوردن نظم موجود پیرامون عرضه و تقاضای یک کالا می‌شود. اصلی‌ترین اهداف پرداخت یارانه‌ها حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و جلوگیری از افزایش قیمت‌ها است، بنابراین با لزوم رعایت الزامات این بخش، به‌نظر می‌رسد که حمایت از تولید و صادرات، تامین امنیت غذایی و... نیز باید موردتوجه قرار گیرد تا از این طریق، بتوان از بار مالی فزاینده و به‌تبع آن از افزایش هزینه دولت، کسری بودجه و تورم جلوگیری کرد.

بدون‌شک سیاست‌های چالشی در پرداخت یارانه‌ها در چند دهه اخیر همراه با تبعاتی بوده که آثار آن در اقتصاد کنونی متبلور است. در حال حاضر، سامان بخشیدن به روش‌های پرداخت یارانه‌ها یکی از دغدغه‌های مهم دولت است که با در نظرگرفتن تمام جوانب تاثیرگذار بر آن، اجرای صحیح طرح مزبور، امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

واضح است که اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها از سال‌های نخستین برنامه پنجم توسعه راهی برای برون‌رفت از توزیع ناعادلانه ثروت است، اما هم‌اکنون در اجرای این طرح، اشکالات و نواقصی مشاهده می‌شود که ضرورت توجه و اصلاح برخی فرآیندها در این زمینه از الزامات مهم به‌شمار می‌آید و به‌نظر می‌رسد برای بهبود اقتصاد کشور باید فاصله موجود میان اهداف و وضعیت کنونی اقتصاد را پیمود و موانع پیشرفت را از میان برداشت، به‌عبارتی، شکاف میان وضعیت مطلوب موردانتظار و وضعیت موجود، ضرورت تحول اقتصادی به‌ویژه اجرای طرح هدفمندسازی یارانه‌ها در کشور را در فهرست برنامه‌های اولویت‌دار و الزامی قرار داده است.

آلودگی بصری، معضل جدید کلانشهرها



فرشاد پرویزیان، نایب‌رئیس انجمن اقتصاددانان در رابطه با این موضوع به صمت گفت: در آزادترین اقتصادها نیز یارانه پرداخت می‌شود، حتی کشور امریکا که بیش از سایر کشورهای جهان مدعی آزادی اقتصادی است، در قالب کارت‌های الکترونیکی به افرادی که درآمدشان کمتر از ۳ هزار دلار در ماه است، یارانه خرید غذاهای نیمه‌آماده پرداخت می‌شود. در واقع برای حمایت از اقشار کم‌درآمد در همه اقتصادهای جهان یارانه پرداخت خواهد شد، بنابراین سیاست پرداخت یارانه از ریشه غلط نیست، اما چگونگی پرداخت آن می‌تواند این کار را به سیاستی غلط تبدیل کند.

وی در ادامه گفت: اساس یارانه باید به گروه‌هایی که سطح درآمدی پایین‌تری از حد استاندارد برای تامین حداقل نیازهای زندگی دارند، پرداخت شود. سیستم اقتصادی، مالیات‌ستانی را به‌عنوان منبعی برای تامین یارانه‌ها پیش‌بینی کرده. مالیات ابزار اصلی توزیع مجدد درآمد است. در هر اقتصاد، افرادی می‌توانند فعالیت‌های اقتصادی درآمدزا انجام دهند که به دولت مالیات پرداخت می‌کنند و دولت از طریق این مالیات، کالاها و خدمات عمومی را تامین می‌کند و در اختیار همه مردم قرار و شکاف درآمدی بین گروه‌های مختلف را کاهش می‌دهد، بخشی از این یارانه به‌صورت کالاها و خدمات عمومی کلی در جامعه و بخشی از آن در قالب بسته‌های حمایتی و یارانه به گروه‌های هدف تعلق می‌گیرد. پرویزیان بیان کرد: برای رفع این مشکلات و خروج از بحران، اقتصاد ایران باید خصوصی‌سازی و به مردم واگذار شود. دولت نیز فقط باید بر فعالیت‌های اقتصادی نظارت کند تا نظام بازار، تعیین‌کننده روند اقتصاد باشد. اگر در بخشی، قیمت‌ها به‌نحوی باشد که دولت خواستار کاهش آن است، نباید به‌صورت دستوری عمل و فقط باید اقدام به تنظیم بازار با افزایش عرضه آن کالا کند. در آلمان که اقتصاد اول اروپا است، بهترین خودروهای دنیا تولید می‌شود، در این کشور از ورود خودروهای چینی بی‌کیفیت جلوگیری نمی‌شود و هیچ تعرفه‌ای نیز برای واردات خودرو وجود ندارد و واردات این خودرو نیز تولید خودرو در این کشور را به‌خطر نینداخته است. وی عنوان کرد: شرایط اقتصاد ایران به‌نحوی است که بودجه دولت کسری داشته و برخی از منابع مالی ایران نیز در خارج از کشور بلوکه شده و امکان دسترسی به آن وجود ندارد. در چنین شرایطی دولت می‌تواند برخی از مخارج را حذف و خدمات خود را گران کند، یارانه پرداخت نکند، مالیات‌ها افزایش دهد یا درخواست چاپ پول بدون پشتوانه از بانک مرکزی داشته باشد که اثرات تورمی شدیدی خواهد داشت. این مشکلات ناشی از آن است که در ایران به برخی کالاها نیاز است که آن را در اختیار نداریم. لازم است، تلاش کنیم این کالاها در کشور تولید شود.

تجربه‌های موفق دنیا نشان می‌دهد حتی در بدترین شرایط اقتصادی نیز با حمایت و تقویت تولید می‌توان به اقتصاد برتر دنیا تبدیل شد. این کار نیازمند حمایت همه مردم است. بودجه اکنون محدودیت‌هایی دارد که برای رفع آن باید به‌دنبال رفع مشکل اصلی و رفع تحریم‌ها برای افزایش درآمد دولت باشیم.

نایب‌رئیس انجمن اقتصاددانان در پایان به صمت گفت: بنابراین ابتدا ایران باید حقوق اصلی خود را باز پس گیرد و با دنیا ارتباط برقرار کند، تحریم‌ها باید رفع یا دور زده شود.

با برقراری دیپلماسی اقتصادی و ارتباط با کشورهای همسایه نیز می‌توان به بهبود درآمدهای دولت کمک کرد. کشور به درآمد نیاز دارد، همچنین ریسک اعتباری ایران باید کاهش یابد. نرخ تشکیل سرمایه ثابت در ۱۰ سال اخیر در ایران منفی بوده. تولید ناخالص داخلی نیز به یک‌سوم کاهش یافته و کیک اقتصاد ایران کوچک شده است.

توزیع کوپن مشکل‌گشای اقتصاد نیست



محمدرضا سبزعلیپور، کارشناس اقتصادی به صمت گفت: نظام کوپنی در سطح ملی که ما هم آن را در ابتدای انقلاب طی دوران جنگ تجربه کردیم، مشکلات فراوانی به‌همراه دارد. مهم‌ترین موضوع این است که فسادزا است. به‌هرحال، در این سیستم باید دستگاه نظارتی خیلی قوی وجود داشته باشد که بسیار هزینه‌بر است. اگر همان مبلغ به‌صورت نقدی حتی به افراد دهک‌های پردرآمد هم پرداخت شود، به‌صرفه‌تر است تا بخواهید چنین سیستم نظارتی راه بیندازید. سیستم کوپنی یک نظام نظارتی خیلی قوی می‌خواهد که اگر نداشته باشید اصلا به هدف اصابت نمی‌کند. وی گفت: برای بررسی تصمیمات نسنجیده و غلط برخی مسئولان مبنی بر کوپنی کردن اقتصاد ایران باید ابتدا پرسید؛ آیا ایران کشوری فقیر و بی‌پول است؟ ایران دارای موقعیت‌های جذاب و بی‌نظیری و آرزوی بیشتر جهانیان است؛ امروز شرایط اقتصاد ایران ۱۸۰ درجه با ظرفیت‌ها و جایگاه این کشور در جهان متفاوت است. بخشی از معضلات و نابسامانی‌های اقتصادی ناشی از تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی است، اما بخش اعظم آن از بی‌تدبیری و سوءمدیریت دولت‌ها نشأت می‌گیرد. دولت‌های گذشته و حال، همگی وعده ساماندهی اوضاع اقتصاد را به کرات داده‌اند، اما در عمل نه‌تنها هیچ اتفاق مثبتی رخ نداده، بلکه روزبه‌روز وضعیت بدتر نیز شده است. سبزعلیپور توضح داد: کشوری که ثروتمند است، باید مردمش نیز در رفاه باشند، اما اکنون قرار است توزیع کوپن آغاز شود. تجربه کوپن در ایران آن‌هم بعد از پیروزی انقلاب، به آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران بازمی‌گردد. کوپن زمانی کاربرد دارد که تولید و واردات کالا محدود شده باشد و تقاضا بیش از عرضه باشد، اما در حال حاضر نه‌تنها کالاهای اساسی به‌وفور تولید می‌شود، بلکه واردات کالاهای اساسی و حتی کالاهای لوکس در حد زیادی انجام می‌شود؛ به‌طوری که عرضه بیش از تقاضا است. صحبت درباره تخصیص یارانه‌ها است. یارانه‌ها به‌طور معمول یا نقدی یا غیرنقدی است. ما شاید کار کارشناسی دقیق و درستی را درباره یارانه‌ها در کشور انجام ندادیم و همیشه به دلایلی از دوران جنگ یاد می‌کنیم که ارائه کوپن روش موفقی بوده است. درست است که آن زمان در شرایط سختی قرار داشتیم که کوپن‌ها توزیع ارزان عمومی مردم را به نسبتی که بتواند شرایط را برای مردم به‌لحاظ حداقل معیشت تامین کند، موفق بود؛ اما توجه کنید که شرایط متفاوت است. آن زمان نیازها و شرایط مردم و رویکردهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مردم کامل با این دوره یا حداقل ۲ دهه اخیر متفاوت بود. این کارشناس تصریح کرد: اینکه فکر کنیم اگر یارانه‌ها را در قالب کوپن به مردم ارائه کنیم، به‌طورحتم این طرح موفق‌تر خواهد بود و اصل یارانه‌ها به‌دلیل شرایط خاص اقتصادی محل تردید است، بپذیریم که یارانه در کشور ما، طی ۱۰، ۱۵ سالی که اجرا شده، ناموفق بوده است. شرایط اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی حاکم بر کشور که این روزها شاید خیلی نمود جدی‌تری در کشور دارد، نشان می‌دهد که مردم شرایط سختی دارند و این روش‌ها موفق نبوده است.

با این شرایط، تنها مشکل، گرانی لحظه‌به‌لحظه کالا و خدمات است که این مسئله به سوءمدیریت و نبود نظارت کافی مسئولان بازمی‌گردد. توزیع کوپن، مشکل‌گشای اقتصاد و زندگی مردم نیست. تاکید می‌کنم کوپن اصلا برازنده ایران و ایرانی نیست؛ پس از دولت و مجلس درخواست می‌کنم ایران را به ۴۰ سال پیش برنگردانند.

سبزعلیپور در پایان خاطرنشان کرد: درد اقتصاد و مشکل امروز مردم، نداشتن امکان خرید کالا با کوپن نیست، بلکه زیرخط فقر بودن، تنگی معیشت، تورم و گرانی لحظه‌به‌لحظه و نابسامانی بازار است. در ایران همه نوع کالای داخلی و خارجی به‌وفور یافت می‌شود. اگر پول بدهی، هر نوع کالایی را که بخواهی بدون نیاز به کوپن درب منزل تحویل داده می‌شود؛ پس کالا موجود است و مشکل بی‌پولی و گرانی است. این مشکلات را می‌توان با تدبیر، سیاست و برنامه به‌راحتی حل‌وفصل کرد.

سخن پایانی

اوایل سال ۱۴۰۱، دولت سیزدهم سرانجام سیاست حذف ارز ترجیحی را اجرا و برای خانواده‌ها بسته به دهک آنها یارانه ۳۰۰ و ۴۰۰ هزار تومانی به‌ازای هر نفر در نظر گرفت، گرچه در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ به‌صراحت بیان شده بود، حذف ارز ترجیحی به‌شرط بازگرداندن قیمت‌ها به شهریور سال ۱۴۰۰ و ارائه کالابرگ الکترونیکی برای کالاهای اساسی انجام شود، اما دولت در حال حاضر هیچ‌کدام از این ۲ شرط را اجرا نکرده است. البته به‌تازگی اعلام کرده به‌زودی شرط دوم یعنی ارائه کالابرگ الکترونیکی را برای تمام کشور کلید می‌زند و بعد از بررسی نتایج اجرای آزمایشی این طرح در برخی از استان‌ها آن را به‌صورت کامل اجرا خواهد کرد؛ هرچند همچنان درباره شرط بازگشت نرخ کالاها به شهریور ۱۴۰۰ چیزی عنوان نشده و از شواهد بازار نیز چنین برنمی‌آید که اراده‌ای برای اجرایی کردن آن وجود داشته باشد. در ظاهر آقایان شرط دوم را قبل از شرط اول اجرایی می‌کنند و وعده تحقق شرط اول را می‌دهند؛ این در حالی است که باوجود وضعیت اقتصادی فعلی بازار حسابی بر موج گرانی سوار است و حالا حالاها خیال پیاده شدن ندارد. علاوه بر این، مسائل توزیع کالابرگ یا همان کوپن تجربه‌ای بود که ما تنها در دوره جنگ داشتیم و سال‌ها است از آن تجربه عبور کرده‌ایم، در نتیجه مشخص نیست، دولت چگونه قرار است این طرح را پیگیری کند و نمی‌توان با قاطعیت از موفقیت دولت در این کار صحبت کرد. از سوی دیگر، موضوع اصلی مردم انتخاب بین یارانه نقدی یا کالابرگ نیست، درد اصلی، درد نداری است که این روزها به‌شدت شهروندان را به تنگ آورده است.

معاون خرید شرکت فولاد هرمزگان مطرح کرد:

تامین پایدار مواد اولیه و تجهیزات با بومی‌سازی حداکثری



معاون خرید شرکت فولاد هرمزگان گفت: با استفاده از توان داخلی و بهره‌گیری از شرکت‌های دانش‌بنیان توانستیم مواد اولیه و تجهیزات خود را در راستای تامین پایدار و سودآوری حداکثری بومی‌سازی کنیم.

مسیب فروغی در گفت‌وگو با خبرنگار روابط‌عمومی بیان کرد: شرکت فولاد هرمزگان با ظرفیت تولید یک میلیون و ۵۰۰ هزار تن تختال در سال، مشغول به فعالیت است. این شرکت یک بنگاه اقتصادی بوده و باید سود مناسب را برای سهامداران به ارمغان آورد. بنابراین این شرکت باید از تولید پایدار اقتصادی و کیفی برخوردار باشد. تختال فولاد هرمزگان یک محصول استراتژیک و بومی است و با صادرات خوبی که انجام می‌شود، ارزآوری و اشتغال خوبی برای کشور به همراه خواهد داشت. وی افزود: برای اینکه فولاد هرمزگان بتواند تولید کیفی و اقتصادی داشته باشد، باید بتواند مواد اولیه، تجهیزات و قطعات مورد نیاز خود را به صورت پایدار تامین کند. از این رو در حوزه خرید، باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنیم که مواد اولیه فولاد هرمزگان به صورت پایدار، اقتصادی و به موقع تامین شود. معاون خرید شرکت فولاد هرمزگان خاطرنشان کرد: در خصوص تامین مواد اولیه، مواد مصرفی و قطعات یدکی و خدمات، برنامه‌هایی را در دستور کار داریم که در راستای ایجاد تامین پایدار و اقتصادی فعالیت کنیم. برای دستیابی به این هدف در بخش قطعات یدکی و تجهیزات که بار فنی آن بیش از بار مالی است، به شدت به تامین از داخل و توانایی، تخصص و دانش تامین‌کنندگان داخلی و سازندگانی که در دسترس باشند و هزینه تمام شده آن‌ها برای فولاد هرمزگان پایین باشد، تکیه کرده‌ایم.

فروغی ادامه داد: در حوزه تامین قطعات یدکی، نخست تامین‌کنندگان و سازندگان داخلی را شناسایی و ارزیابی می‌کنیم. همچنین واحد بومی‌سازی نیز برای اقلام جدید و پیچیده‌ای که باید از خارج خریداری شوند و امکان تامین آن‌ها از داخل وجود ندارد، با مذاکراتی که با سازندگان داخلی صورت می‌دهد، نسبت به بومی‌سازی آن‌ها اقدام می‌کند. پس از اینکه قطعه یا تجهیز مورد نظر با موفقیت بومی‌سازی شد، تامین آن به صورت مستمر از سازنده مورد نظر انجام می‌شود.

وی با اشاره به مزایای بومی‌سازی و خرید داخلی، عنوان کرد: هنگامی که برای یک قطعه، سازنده داخلی وجود داشته باشد، دیگر برای تامین آن ارز از کشور خارج نمی‌شود. علاوه بر این، هر زمان که به دانش و تخصص سازندگان نیاز داشته باشیم، در دسترس خواهند بود. ضمن اینکه نیازمند به انبارداری زیاد نیستیم و می‌توانیم قطعه یا تجهیز مورد نظر را در حد نیاز خریداری و استفاده کنیم. نسوزها، روغن‌ها، روان‌کارها، فروآلیاژهایی که در داخل قابل خرید هستند، باعث تامین پایدار و صرفه‌جویی ارزی می‌شوند.

معاون خرید فولاد هرمزگان اظهار کرد: فولاد هرمزگان خدمات فنی و مهندسی را نیز از شرکت‌های دانش‌بنیان دریافت می‌کند و قراردادهایی را در این زمینه منعقد کرده است. همچنین تا آنجا که امکان دارد، از خدمات داخلی در راستای بومی‌سازی و استفاده حداکثری از توان داخلی کشور بهره می‌بریم.

وی تاکید کرد: شرکت فولاد هرمزگان یک بنگاه اقتصادی است که باید در راستای سودآوری آن برای سهامداران، کارکنان و ذی‌نفعان تلاش کنیم. همچنین در این راستا شرکت باید تکیه و تمرکز خود را روی توان داخلی و تخصص شرکت‌های داخلی قرار دهد. از این رو هم پایداری تامین و هم صرفه‌جویی ارزی و ریالی خواهیم داشت و خواهیم توانست تولید پایدار و اقتصادی داشته باشیم. معاون خرید فولاد هرمزگان خاطرنشان کرد: در صورتی که در برخی زمینه‌ها توان و تخصص داخلی جوابگوی نیاز فولاد هرمزگان نباشد، واحد بومی‌سازی به موازات تامین از خارج، با سازندگان داخلی و شرکت‌های دانش‌بنیان در زمینه‌های مورد نیاز وارد مذاکره خواهد شد و در ادامه با فرصتی که در اختیار دارد، هنگامی داخلی‌سازی قطعه به ثمر رسید، تمرکز خود را از تامین خارجی به داخلی معطوف خواهد کرد.

فروغی در پایان گفت: با فعالیت‌هایی که در حوزه بومی‌سازی و ساخت داخل و استفاده از توان شرکت‌های دانش‌بنیان داخلی صورت گرفت، خوشبختانه تاکنون بیش از ۷۰ درصد از قطعات و تجهیزات مورد نیاز فولاد هرمزگان از داخل تامین شده است. باید توجه داشت که بومی‌سازی و استفاده از توان داخلی عاملی در جهت ایجاد اشتغال در کشور و جلوگیری از خروج ارز از کشور خواهد بود و حتی می‌تواند برای کشور ارزآوری به همراه داشته باشد.

کم‌عیارهایی که جذاب می‌شوند



عکس: صمت

کتایون ملکی: تامین نیاز واحدهای فولادی در بخش مواد اولیه و عقب‌ماندگی در اکتشافات، باعث شد تا ذخایر هماتیتی بیش از پیش موردتوجه معدنی‌ها قرار بگیرد و برنامه‌ها برای فعال‌سازی این معادن در دستور کار قرار بگیرد، البته فاصله قیمتی این ذخایر با سنگ‌آهن پرعیار باعث می‌شود تا سرمایه‌گذاران تمایل چندانی برای ورود به این حوزه نداشته باشند، اما باتوجه به بحران تامین مواد اولیه لازم است تا دولت مشوق‌های لازم برای بهره‌برداری از این ذخایر را ایجاد کند.
برخی استان‌های کشور با در اختیار داشتن این ذخایر می‌توانند نقش مهمی در افزایش تولید فولاد و همچنین توسعه صادرات این محصول ایفا کنند.

تامین مواد اولیه برای صنعت فولاد در سال‌های اخیر به یکی از چالش‌های جدی تبدیل شده است که می‌تواند برنامه‌های تولیدی در سال‌های پیش‌رو را تحت‌تاثیر قرار دهد. این موضوع علاوه بر آنکه برای فعالیت واحدهای فولادی یک تهدید محسوب می‌شود، می‌تواند در اشتغالزایی شکل‌گرفته در صنعت فولاد هم اثرگذار باشد.

به‌گزارش صمت، بدون شک راهکار اصلی برای حل این چالش، توسعه اکتشافات و حرکت به‌سمت بهره‌برداری از ذخایر موجود در عمق است که متاسفانه در سال‌های گذشته فعالیت جدی در این زمینه انجام نگرفته، البته وزارت صمت با تاکید بر جبران عقب‌ماندگی در این بخش به‌دنبال توسعه اکتشافات است.

اما در این بین، بهره‌برداری از ذخایر کم‌عیار نیز می‌تواند راهکاری برای تامین مواد اولیه باشد. ذخایر سنگ‌آهن هماتیتی می‌تواند با پرعیارسازی به کمک صنعت فولاد بیاید.

در واقع با توسعه تکنولوژی‌ها در بخش فرآوری می‌توان نیاز بخش فولاد را از این مسیر هم تامین کرد، اما در سال‌های گذشته به‌دلیل دسترسی به ذخایر پرعیار آن هم در سطح، مسئولان و فعالان بخش معدن کمتر به فکر بهره‌برداری از این ذخایر بوده، حالا با جدی شدن موضوع تامین مواد اولیه، بهره‌برداری از ذخایر هماتیتی نیز جدی‌تر شده و برخی استان‌ها از جمله استان هرمزگان نیز در این زمینه فعالیت خوبی داشته‌اند.

پرعیارسازی، یک مسئله اقتصادی

در این‌باره سعید عسگرزاده، دبیر انجمن سنگ‌آهن ایران به‌تازگی اظهار کرده است: موضوع پرعیارسازی و استفاده از سنگ‌آهن‌های هماتیتی یک مسئله اقتصادی است و اگر روزی شرایط به‌گونه‌ای شود که بتوانیم به‌سراغ آنها برویم، شاید تا ۲برابر افزایش ظرفیت در حوزه سنگ‌آهن داشته باشیم.

وی ادامه داد: اگر به نقطه‌ای برسیم که با راهکارهایی مثل ارتقای بهره‌وری، امکان رقابت با سنگ‌آهن وارداتی باشد، در این صورت تا مدت‌ها سنگ‌آهن موجود در کشور می‌تواند پاسخگوی نیاز صنعت فولاد باشد، اما تحلیل شرایط حاضر این صنعت نشان می‌دهد که از لحاظ قیمتی هنوز فاصله زیادی با دیگر کشورها داریم.

اقتصادی شدن ذخایر هماتیتی

در واقع اصلی‌ترین مسئله برای بهره‌برداری از ذخایر هماتیتی، اقتصادی شدن این ذخایر است. با افزایش نرخ در این بخش می‌توان شاهد ورود سرمایه‌گذاری و فعال شدن معادن هماتیتی باشیم که نقشی پررنگی در تامین مواد اولیه برای فولادی‌ها ایفا می‌کنند، البته بهره‌برداری از این ذخایر باید، پیش از آنکه به مرحله بحران برسیمُ آغاز شود و تکنولوژی‌های موردنیاز برای پرعیارسازی در اختیار معدنکاران قرار بگیرد.

دبیر انجمن سنگ‌آهن ایران گفت: اکنون در استان مرکزی مدیریت موضوع احیای واحدهای کوچک‌مقیاس از سوی ایمیدرو به انجمن سنگ‌آهن سپرده شده و تاکنون ۳ واحد سنگ‌آهن هماتیتی در این استان به‌بهره‌برداری رسیده است. عسگرزاده افزود: با در نظر داشتن معادن هماتیتی در استان هرمزگان و ظرفیت‌های استان مرکزی، پیش‌بینی می‌شود بیش از یک میلیارد تن ذخیره سنگ‌آهن هماتیتی در این ۲ منطقه وجود داشته باشد.

مشکل اینجا است که تا وقتی که سنگ‌آهن ارزان و بدون دردسر در اختیار و دسترس واحدها قرار می‌گیرد، کسی به‌سراغ معادن هماتیتی نمی‌رود.

همکاری بیشتر واحدهای فولادی

شاید در این بخش، نیازمند همکاری بیشتر واحدهای فولادی باشیم. ورود فولادی‌ها به بخش معدن، کمابیش از سال‌های گذشته آغاز شده و امروز شرکت‌های بزرگ فولادی با ایجاد معاونت معدنی، پروژه‌های مختلفی در بخش معدن در دستور کار دارند. نقطه آغازین این موضوع هم جایی است که شرکت‌های معدنی برای تکمیل زنجیره ارزش به‌سراغ ایجاد واحدهای فولادی بروند. این موضوع می‌توانست تامین سنگ‌آهن برای واحدهای فولادی را نسبت به گذشته سخت کند، زیرا تامین نیاز این واحدها در اولویت بود و پس از آن، بخشی از محصول تولیدی را به بازار عرضه می‌کردند.

سرمایه‌گذاری فولادی‌ها در معادن

حال که در چند سال اخیر، ورود فولادی‌ها به بخش معدن اجرایی شده، می‌توانند با سرمایه‌گذاری در این معادن، علاوه بر افزایش بهره‌برداری از ذخایر معدنی، برای تامین نیاز خود نیز برنامه‌ریزی کنند.

عسگرزاده تصریح کرد: هماتیت یکی از فراوان‌ترین انواع سنگ‌آهن است که از معادن مختلف استخراج شده و به‌همین‌خاطر ویژگی و خواص متفاوتی دارد. در گذشته، بسیاری از معادن سنگ‌آهن هماتیت کشور به‌علت نبود فناوری به‌درستی مورداستفاده قرار نگرفته و به ظرفیت بالا نرسیده است.

به‌گفته دبیر انجمن سنگ‌آهن ایران، در قیاس با سنگ‌آهن وارداتی اگر ما به نقطه‌ای برسیم که وضعیت بهره‌وری و رقابت‌پذیری در صنعت زنجیره آهن و فولاد بتواند با سنگ‌آهن وارداتی و دنیا رقابت داشته باشد، در آن نقطه شک نکنید که وضعیت سنگ‌آهن ایران به‌حدی است که می‌تواند جوابگوی بخش فولاد باشد و تناسب عرضه و تقاضا برقرار شود.

اما حالا فعالیت‌های انجام‌شده در استانی همچون هرمزگان، می‌تواند این استان را در بحث تولید فولاد پیشگام کند.

این در حالی است که این استان باتوجه به نزدیکی به آب‌های آزاد می‌تواند، حجم صادرات فولاد خود را افزایش داده و نقش مهمی در توسعه صادرات غیرنفتی داشته باشد. در این بین، واحدهای فولادی شاخص در این استان از جمله فولاد هرمزگان نیز با نگاه صادراتی به‌دنبال افزایش تولیدات خود هستند.

پیشگام در تولید فولاد کشور

استاندار هرمزگان در این‌باره اظهار کرد: هرمزگان با منابع سنگ‌آهن هماتیت، پیشگام تولید فولاد کشور خواهد شد.

مهدی دوستی، بااشاره به فرصت‌های بی‌نظیر ۲ منطقه فین و رضوان تصریح کرد: دهه فجر برای این مناطق بالغ بر هزار میلیارد تومان، پروژه آماده بهره‌برداری داریم.

وی با تاکید بر چشم‌انداز تولید ۵۵ میلیون تن فولاد تا سال ۱۴۰۴ در کشور، افزود: کشور به‌سمت تولید حداکثری فولاد رفته، در حالی که منابع معدنی موردنیاز مگنتی به‌اندازه کافی وجود ندارد، اما هرمزگان باوجود معادن هماتیت و ذخیره ۸۰۰ میلیون تنی این سنگ‌آهن، می‌تواند گام‌های خوبی در این زمینه بردارد.

استاندار هرمزگان گفت: در حال حاضر باتوجه به ظرفیت خوب منطقه فین، رشد بازوی صنعت در کنار معدن، اتفاق بسیار مبارکی است. برای این منطقه یک بسته جامع در قالب یک پهنه ۳۵۰۰ کیلومتری تعریف شده که با واگذاری آن و عملیات استخراج، زنجیره تبدیلی آن نیز در استان ایجاد خواهد شد. وی بر لزوم نگهداشت مواد خام معدنی هرمزگان درون استان و تشکیل زنجیره‌های تبدیلی تاکید داشت و ادامه داد: برنامه داریم فین را به‌سمت صنعتی شدن سوق دهیم و زیرساخت‌های موردنیاز برای تحقق این امر نیز ایجاد خواهد شد.

سخن پایانی

امروز که بستر برای بهره‌برداری از این ذخایر وجود دارد، باید دولت با همراهی بخش خصوصی، استخراج سنگ‌آهن هماتیتی را اقتصادی کرده تا بتواند بخشی از چالش تامین مواد اولیه را حل کند. این موضوع علاوه بر آنکه نیاز تولیدکنندگان فولاد را تامین می‌کند، می‌تواند اشتغالزایی جدید را در بخش معادن در استان‌های مختلف از جمله استان هرمزگان ایجاد کند.

از سویی دیگر، توسعه صنعت فولاد در این استان، باتوجه به فرصت مناسب در بخش صادرات، می‌تواند سهم صنعت فولاد در ارزآوری برای کشور را افزایش دهد. در واقع این موضوع به توسعه همه‌جانبه در استان هرمزگان منجر شده و به‌نفع بخش معدن خواهد بود.

عقد پنج تفاهم‌نامه همکاری فولاد هرمزگان در جشنواره ملی فولاد

شرکت فولاد هرمزگان در راستای فرامین مقام معظم رهبری مبنی بر تولید دانش‌بنیان و استفاده از توانمندی‌های شرکت‌های این حوزه به عقد پنج قرارداد در چهارمین جشنواره و نمایشگاه ملی فولاد اقدام کرد.

به گزارش روابط عمومی شرکت فولاد هرمزگان، چهارمین جشنواره و نمایشگاه ملی فولاد ایران با رویکرد بومی‌سازی و استفاده از توانمندی‌های داخلی با حضور گسترده شرکت‌های بزرگ حوزه معدن و صنایع معدنی در صنعت فولاد ایران در هتل المپیک تهران از ۲۰ دی ماه آغاز به کار کرد.

در این نمایشگاه شرکت فولاد هرمزگان به همراه دیگر شرکت‌های گروه فولاد مبارکه به صورت فعالی حضور یافت. هدف از برگزاری این جشنواره و نمایشگاه همانند سه دوره قبلی، استفاده از ظرفیت‌های داخلی برای بومی‌سازی حداکثری نیازهای تولیدکنندگان فولاد، حرکت به سمت فعالیت‌های دانش‌بنیان و به اشتراک گذاشتن تجربیات صنعت فولاد است.

در این جشنواره، شرکت فولاد هرمزگان به عقد چند تفاهم‌نامه همکاری با شرکت‌های دانش‌بنیان با حضور عطاالله معروفخانی مدیرعامل شرکت فولاد هرمزگان بهرام سبحانی، رئیس انجمن تولید کنندگان فولاد ایران، جمعی از اعضای انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران و شرکت‌های دانش‌بنیان حاضر در جشنواره اقدام کرد. این تفاهم‌نامه‌ها در راستای بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های علمی و فنی شرکت‌های دانش‌بنیان و بومی‌سازی فرایندها، تجهیزات و قطعات مورد نیاز فولاد هرمزگان میان این شرکت و شرکت‌های دانش‌بنیان به امضا رسیدند.

در این رابطه، عطاالله معروفخانی، مدیرعامل شرکت فولاد هرمزگان در خصوص رویکرد این شرکت نسبت به استفاده از ظرفیت‌های شرکت‌های دانش‌بنیان برای بومی‌سازی تجهیزات و قطعات، به خبرنگار روابط عمومی گفت: فولاد هرمزگان به عنوان پیشرفته‌ترین کارخانه فولادی کشور یکی از قطب‌های این صنعت محسوب می‌شود و در سال‌های اخیر توانسته است نقش پررنگی در این صنعت ایفا کند.

با توجه به تکنولوژی مورد استفاده در فولاد هرمزگان، رویکرد شرکت همواره استفاده از ظرفیت‌های شرکت‌های دانش‌بنیان در کشور بوده و با توجه به نامگذاری شعار امسال از سوی مقام معظم رهبری مبنی بر «تولید، دانش‌بنیان، اشتغال‌آفرین»، از این رو همواره از فعالیت‌های دانش‌بنیان به ویژه در جهت بومی‌سازی، حمایت از ساخت داخل و کاهش حداکثری وابستگی به واردات حمایت می‌کنیم.

مدیرعامل شرکت فولاد هرمزگان خاطرنشان کرد: بومی‌سازی قطعات و فرایندهای صنعتی در توانمندسازی ملی و رونق تولید داخلی یکی از عوامل تاثیرگذار در بحث کاهش وابستگی به تامین این‌گونه اقلام از خارج کشور است. بومی‌سازی بر چهار محور استراتژی «کاهش ارزبری، افزایش بهره‌وری و سودآوری بنگاه‌ها، کاهش هزینه‌های تمام شده و ارتقای توان ساخت داخل» استوار است.

وی افزود: جشنواره ملی فولاد ایران فرصتی مغتنم برای تولیدکنندگان فولاد و شرکت‌های دانش‌بنیان به ویژه تامین‌کنندگان قطعات و تجهیزات خاص مورد استفاده در صنعت فولاد کشور است و فولاد هرمزگان نیز همانند سال‌های گذشته از این فرصت برای شناخت تامین‌کنندگان و عقد تفاهم‌نامه استفاده خواهد کرد.

معروفخانی با بیان اینکه در دو سال اخیر حدود ۷۶ میلیون دلار صرفه‌جویی ارزی ناشی از بومی‌سازی در فولاد هرمزگان رخ داد، عنوان کرد: این بومی‌سازی‌ها در زمینه ساخت داخل قطعات، تجهیزات، مواد اولیه و نسوز در سال ۱۴۰۰ به میزان ۳۸,۹ میلیون دلار و در ۹ ماه امسال نیز به میزان ۳۶,۶ میلیون دلار صرفه‌جویی ارزی رخ داد. همچنین در مقایسه ۹ ماه امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته که ۲۹,۲ میلیون دلار صرفه‌جویی ارزی حاصل شده بود، میزان بومی‌سازی و ساخت از نظر ارزی ۲۵ درصد رشد داشته است.

مدیرعامل شرکت فولاد هرمزگان با اشاره به عقد پنج تفاهم‌نامه در چهارمین جشنواره و نمایشگاه ملی فولاد ایران در جهت فعالیت‌های دانش‌بنیان و استفاده از ظرفیت‌های داخلی، تصریح کرد: فولاد هرمزگان





تفاهم‌نامه طراحی کوره تک‌کاناله پخت آهک جهت افزایش راندمان تولید کارخانه آهک‌سازی، اجرای مدل اقتصاد چرخشی در شرکت فولاد هرمزگان، طراحی نظام مدیریت تکنولوژی و نوآوری شرکت فولاد هرمزگان، ساخت تجهیزات سکسیونرهای فشار قوی و فشار متوسط و ساخت پمپ عمودی دریا - واحد آب‌شیرین‌کن را در چهارمین جشنواره با شرکت‌های دانش‌بنیان امضا کرد.

وی در پایان تاکید کرد: رویکرد فعالیت و اقتصاد مبتنی بر دانش و استفاده از ظرفیت‌های داخلی شرکت‌های دانش‌بنیان همواره در دستور کار فولاد هرمزگان قرار دارد و از این رو، از هر تلاشی در این جهت فروگذار نخواهیم کرد. فولاد هرمزگان به عنوان پیشرفته‌ترین کارخانه فولادی کشور به دنبال بومی‌سازی حداکثری خواهد بود تا بتواند به فرمایشات مقام معظم رهبری مبنی بر دستیابی به فناوری‌های نوین جامه عمل بپوشاند.

گفتنی است جشنواره و نمایشگاه ملی فولاد ایران از ۲۰ دی تا ۲۲ دی ماه با حضور گسترده شرکت‌های فعال در زنجیره صنعت فولاد کشور، شرکت‌های دانش‌بنیان تامین‌کننده و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی دانش‌بنیان در هتل المپیک تهران برگزار شد.

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر

نوبت اول شماره ۱۴۳۹۷۲۷

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد.

املاک متقاضیان واقع در قریه میان‌باش رزگاه پلاک ۲۲ اصلی بخش ۴ قشلاقی

۲۳۵ فرعی آقا/ خانم **امیر قاسمی فرزند احمد** نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی (کاربری - مسکونی) به **مساحت ۲۳۱.۹۲ مترمربع** خریداری بدون واسطه/ باواسطه از **یحیی ترک**

لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۲ آئین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی/ کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی، رای هیات الصاق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق درمحل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه ننماید اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین‌نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلاً اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی با رای هیات پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدود، مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت همزمان به اطلاع عموم می‌رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدود، واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می‌نماید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۱۰/۲۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۱۱/۰۸

صفر رضوانی، رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نوشهر

آگهی تمدید مهلت ارائه پیشنهادات مناقصه عمومی

شرکت توسعه عمران و مدیریت منطقه گل گهر

ارائه خدمات بیمه عمر و حوادث پرسنل شرکت توسعه، عمران و مدیریت منطقه گل گهر

شرکت توسعه، عمران و مدیریت منطقه گل گهر در نظر دارد ارائه خدمات بیمه عمر و حوادث گروهی پرسنل خود را از طریق برگزاری مناقصه عمومی به شرکت‌های بیمه واجد شرایط واگذار نماید. لذا از متقاضیان دعوت به عمل می‌آید جهت اخذ اسناد مناقصه به سایت این شرکت به آدرس www.ggz.ir مراجعه نمایند.

۱- آخرین زمان ارائه پاکت‌ها و پیشنهادات: ساعت ۱۳:۳۰ مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۲۶
۲- شرکت در قبول یا رد پیشنهادات مختار است.
۳- سپرده شرکت در مناقصه: ۷۱۷.۴۴۴.۰۰۰ ریال
۴- هزینه درج آگهی برعهده برنده مناقصه می‌باشد.
۵- کلیه مشخصات لازم در اسناد مناقصه ذکر گردیده است.
۶- محل تحویل اسناد، پیشنهادات: سیرجان- کیلومتر ۵۰ جاده محور سیرجان- شیراز، شرکت معدنی و صنعتی گل گهر ساختمانهای هلدینگ مستقر بر تپه، بلوک ۵ (شرکت توسعه، عمران و مدیریت منطقه گل گهر)
۷- تلفن جهت هر نوع هماهنگی: ۰۹۱۳۱۴۲۰۶۴۲ آقای بلوری (به غیر از ایام تعطیل)

مدیریت امور حقوقی و قراردادها

یادداشت

اقتصاد به نفع تولید



مرضیه احقاقی
روزنامه‌نگار

اقتصاد آزاد و در نقطه مقابل آن اقتصاد دستوری یکی از پرتکرارترین واژه‌ها در ادبیات فعالان صنعتی و اقتصادی کشور است. این واژه‌ها در سال‌های گذشته به‌قدری تکرار شده‌اند که به ادبیات روزمره مردم راه پیدا کرده‌اند؛ تا جایی که از اقتصاد دستوری باعنوان مادر مشکلات اقتصادی کشور و علت ناکامی در حوزه‌های مختلف تولید، زمین خوردن بورس و... یاد می‌شود.

همزمان آنچنان تبلیغ گسترده‌ای برای اقتصاد آزاد می‌شود که ناخودآگاه آن را تنها راهکار نجات اقتصاد ایران می‌دانیم، این در حالی است که اقتصاد ما از ناکارآمدی‌های متعددی رنج می‌برد. حذف ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی یکی از بارزترین مصادیقی بود که با کمک آن و با تکیه بر امکان توزیع گسترده رانت از طریق آن، اقتصاد دستوری مذمت و اقتصاد بازار یا اقتصاد آزاد، ترویج می‌شد؛ تا جایی که حتی برخی از مردم در دهک‌های پایین نیز از حذف این ارز در اقتصاد دستوری و برچیده شدن بساط رانت استقبال کردند، اما طرح یادشده نه‌تنها نتیجه‌بخش نبود بلکه آثار سوء آن به‌سرعت بر زندگی و معیشت مردم نمایان شد و حتی همان اقتصاددانانی که از حذف ارز ترجیحی دفاع می‌کردند، ضمن انتقاد به عملکرد دولت سیزدهم، اجرای این طرح درست را در زمان نادرست، اشتباه خواندند.

حرکت به سمت اقتصاد آزاد به الزامات متعددی نیاز دارد که خروج دولت از تنظیم‌گری بازار و قیمت‌ها، تنها یک شاخص کوچک آن است. شاخصی که اگر در کنار سایر شاخص‌ها اجرایی شود، شاید نتیجه‌بخش باشد. در غیر این صورت تنها به ضرر مردم و قشر متوسط و ضعیف منتهی خواهد شد.

تعامل سازنده با دنیا و تجارت در سطح بین‌المللی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های حرکت به سمت اقتصاد آزاد است.

اقتصاد آزاد در شرایطی ممکن می‌شود که امکان واردات و صادرات انواع کالاها به کشور فراهم باشد و تولیدکنندگان در شرایطی رقابتی اقدام به عرضه محصولات‌شان در بازار و فروش آنها به مصرف‌کننده کنند. این در حالی است که کشور ما در سال‌های گذشته با شدیدترین تحریم‌ها روبه‌رو بوده و هر سال نیز بر شدت این تحریم‌ها افزوده شده است؛ تا جایی که بسیاری از شرکت‌ها و تولیدکنندگان خارجی عملا از ایران خارج شده‌اند. در چنین فضایی اقتصاد آزاد معنی ندارد.

البته اقتصاد دستوری اتفاقا به نفع تولیدکنندگان داخلی تمام شده است، چراکه محصولات خود را با قیمت‌های به‌مراتب بالاتر در مقایسه با نمونه‌های مشابه خارجی در بازار داخلی به فروش می‌رسانند؛ بنابراین از سود این انحصار اجباری منتفع می‌شوند.

هرچه هم دولت برای تنظیم بازار محصولات و کالاهای پایه و نهایی تلاش کند، باز هم بی‌ثمر خواهد بود. بدون تردید حرکت به سمت کاهش نظارت دولت بر بازار در چنین شرایطی ممکن نیست.

البته نباید از ذکر این نکته غافل بود که انتقادات جدی به دولت در حوزه تنظیم‌گیری عملکرد صنایع وارد است. صدور دستورالعمل‌های متعدد و غیرکارشناسی نه‌تنها برای صنایع و مردم نتیجه‌بخش نیستند، بلکه فشار مضاعفی را به تولید تحمیل می‌کنند؛ بنابراین تجدیدنظر در این شرایط ضروری به‌نظر می‌رسد.

بسیاری از صنایع داخلی با تکیه بر ظرفیت‌های انرژی، معدنی و سایر امتیازات منطقه‌ای در کشور احداث شده‌اند و تمامی آنها بسته به میزان مصرف از یارانه انرژی بهره‌مند می‌شوند؛ بنابراین یک روی دیگر اقتصاد آزاد باید حذف رانت حاصل از این یارانه‌ها باشد؛ یارانه‌هایی که خلاف اهداف نخستین به مصرف‌کننده نهایی نمی‌رسد و تنها به جیب تولیدکننده یا واسطه می‌رسد، اما در اقتصادی آزاد از صنایع انتظار می‌رود این انرژی را با قیمت‌های معادل جهانی دریافت کنند یا هزینه نیروی انسانی را با احتساب نرخ‌های معادل در کشورهای منطقه بپردازند.

از مجموع موارد یادشده می‌توان این‌طور برداشت کرد که تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی خلاف آنکه همیشه صدای اعتراض‌شان بلند است، از این اقتصاد دستوری بیش از هر قشر دیگری منتفع شده و می‌شوند.



عکس: صمت

اقتصاد آزاد در شرایط تحریم، ممکن نیست

انحصار، برگ برنده تولید در اقتصاد دستوری

تولیدکنندگان و فعالان صنعتی و اقتصادی همواره از اقتصاد دستوری گلایه دارند و خواستار اصلاح اقتصاد کشور به سمت و سوی اقتصاد آزاد هستند. این صنعتگران معتقدند وجود اقتصاد آزاد در کشور باعث افزایش راندمان می‌شود و به شکوفایی اقتصاد کمک می‌کند. در این اقتصاد قیمت‌ها توسط عرضه و تقاضا و عوامل بازاری تعیین می‌شود. این فعالان صنعتی ضمن انتقاد به دخالت‌های مستقیم و مستمر سیاست‌گذاران در امر تولید، این دخالت‌ها را خلاف وظایف دولت می‌دانند، چراکه در اقتصادی آزاد دولت تنها وظیفه حمایت‌گرانه و سیاست‌گذاری کلان را بر عهده دارد. در حالت کلی باید اعتراف کرد دخالت‌های مستمر دولت در فرآیند تولید و تجارت و نبود ثبات رویه چالش‌های جدی را به صنعت و اقتصاد تحمیل می‌کند. با این وجود تولیدکنندگان نیز به‌خوبی می‌دانند که فعالیت بسیاری از آنها تنها در سایه حمایت‌های دولتی در قالب ارائه انرژی ارزان، مواد اولیه ارزان و همچنین تولید و فروش در فضای غیر رقابتی داخلی ممکن است؛ بنابراین چنانچه خروج از اقتصاد دولتی و دستوری در اولویت قرار گیرد، انتظار می‌رود همزمان این دست سیاست‌های حمایت‌گرانه نیز حذف شود تا تولیدکنندگان در فضای عادلانه به رقابت بپردازند. به‌بیانی دیگر در اقتصادی آزاد مردم نباید جور مشکلات و ناکارآمدی صنایع را به دوش بکشند؛ بنابراین می‌توان این‌طور ادعا کرد که فرآیند آزادسازی اقتصاد آنقدرها هم ساده نیست و نمی‌توان به‌راحتی از کنار آن گذشت؛ به‌ویژه آنکه کشور ما در طول سال‌های گذشته با تحریم‌های گسترده اقتصادی روبه‌رو بوده و همین موضوع عملا مانع رقابت‌پذیری عملکردی صنایع بوده و هست.

مرضیه احقاقی
editor@smtnews.ir

اقتصاد دستوری به نفع یا ضرر تولیدکننده؟



ابوذر انصاری، کارشناس اقتصاد در گفت‌وگو با صمت در پاسخ به سوالی مبنی بر چالش‌های ناشی از دخالت دولت در فرآیند تنظیم بازار و اقتصاد دستوری اظهار کرد: کافی است نگاهی به قیمت کالاهای پایه فلزی عرضه‌شده در بورس کالا بیندازید.

باتوجه به رقابت گسترده‌ای که در خرید این محصولات شکل می‌گیرد، بهای نهایی معامله فلزات در بورس کالا هم‌سطح قیمت این فلزات حتی با احتساب قیمت دلار در بازار آزاد است. درنتیجه ادعای ارزانفروشی محصولات پایه در بورس کالا تحت تاثیر سیاست‌های تنظیم بازاری، از اساس زیر سؤال است.

وی افزود: کشور ما در طول سال‌های گذشته با تحریم روبه‌رو بوده و محدودیت‌های جدی به عملکرد صنعتگران تحمیل شده است. با این وجود این تحریم‌ها مزیت‌هایی هم برای صنایع داشته، چراکه این تولیدکنندگان از امکان فروش انحصاری فلزات در بازار داخلی برخوردارند که همین فروش انحصاری به فروش این صنایع، رونق می‌بخشد.

انصاری گفت: تحریم و نبود تعاملات آزاد جهانی ضربات جدی را به عملکرد صنعتگران وارد می‌کند که دولت در چنین شرایطی ناچار به دخالت در فرآیندهای تنظیم بازار است؛ هرچند انتظار می‌رود این دخالت‌ها به تنظیم عرضه و تقاضا محدود شود. تامین نیاز بازار و کنترل تقاضا، باتوجه به شرایط اقتصادی ما ضروری است.

انصاری در پاسخ به سوالی درباره یارانه‌ای که ازسوی دولت و در قالب‌های مختلف در اختیار صنایع قرار می‌گیرد و عملا بخشی از سود آنها را تامین می‌کند و تاثیر حذف آن بر عملکرد تولیدکنندگان گفت: مشکل اصلی اقتصاد ما تورم است. تورم افسارگسیخته مانع واقعی‌سازی قیمت‌ها یا کاهش اعطای یارانه به صنایع است و در عین حال ضرباتی را به تولید و تولیدکننده تحمیل می‌کند، چراکه امکان برنامه‌ریزی برای آینده را از آن سلب خواهد کرد. بر همین اساس اصلاح اقتصاد کشور گام نخست برای رفع چالش‌های اقتصادی و حرکت به سمت اقتصاد آزاد است. تا زمانی که ایران با شرایط تحریمی روبه‌رو است، عملا اقتصاد آزاد معنایی ندارد و محقق نمی‌شود.

نظر بخش خصوصی شنیده می‌شود، اما اجرایی نه



آنوش رحام، فعال صنعت فولاد در گفت‌وگو با صمت اظهار کرد: دخالت‌های دولت در اقتصاد که از آن با عنوان اقتصاد دستوری یاد می‌شود، مشکلات قابل‌توجهی را به صنعتگران، به‌ویژه فعالان بخش خصوصی واقعی تحمیل می‌کند. مدیران و سیاست‌گذاران دولت اشراف کافی بر موضوعات صنعتی ندارند و از واقعیت‌ها و پیچیدگی‌های تولید باخبر نیستند؛ در نتیجه نسخه‌هایی را برای صنایع می‌پیچند که مشکلات عدیده‌ای را به صنایع کشور تحمیل می‌کند.

به‌عنوان‌مثال معاونان وزیر صنعت، معدن و تجارت که در حوزه معدن و صنایع معدنی فعالیت و تصمیم‌گیری می‌کنند، از شناخت کافی نسبت به شرایط تولید در این حوزه برخوردار نیستند و همین موضوع نیز لطمات جدی را به روند توسعه در بخش معدن و صنایع معدنی تحمیل می‌کند. بسیاری از تصمیمات اخذشده ازسوی این سیاست‌گذاران آزمون‌وخطا است و نتیجه‌بخش نیست.

درنهایت نیز تصمیمات بدون مشارکت بخش خصوصی و بدون توجه به منافع این سرمایه‌گذاران که تاثیر بسزایی در رشد تولید ناخالص داخلی، اشتغالزایی، ارزآوری و گردش اقتصادی کشور دارند، اخذ می‌شود.

اخیرا کمیته‌ای تحت عنوان مدیریت کالاهای پایه در وزارت صنعت، معدن و تجارت تشکیل شد که اتاق بازرگانی دو نماینده را از بخش خصوصی برای حضور در این کمیته معرفی کرد. بااین‌وجود همچنان در نظرسنجی و تصمیم‌گیری، نظرات این نمایندگان شنیده می‌شود، اما محلی از اعراب ندارد؛ تاجایی که چندی پیش اعلام کردند ۲ نماینده بخش خصوصی برای رأی‌گیری تنها یک رأی دارند.

همین موضوع حکایت از آن دارد که هنوز نگاه ارباب-رعیتی در فضای صنعت و اقتصاد ما وجود دارد. مدیران دولتی نیز بدون تخصص و صلاحیت کافی خود را دایه‌دار رفع تمامی مشکلات می‌دانند.

وی افزود: چنانچه دخالت‌های دولت در برخی حوزه‌های اقتصادی، به‌ویژه فرآیند تنظیم بازار محدود شود، بسیاری از مشکلات در بخش معدن و صنایع معدنی مرتفع خواهد شد. بورس کالا بستری برای تقابل میان عرضه و تقاضا و کشف قیمت است، بااین‌وجود سیاست‌گذاران دولتی به بهانه تنظیم بازار دخالت گسترده‌ای در فرآیند شفاف عرضه و تقاضا داشته‌اند؛ تا جایی که این فرآیند شفاف و ساده به کلافی سردرگم بدل می‌شود.

از بورس کالا با عنوان شرکت خصوصی یاد می‌شود، اما اعضای هیات مدیره آن را مدیران شرکت‌های بزرگ صنعتی و فولادی کشور تشکیل می‌دهند. حال این شرکت به‌اصطلاح خصوصی برای کل نظام عرضه محصولات و طبق منافع گروهی ویژه تصمیم‌گیری می‌کند، این در حالی است که میان منافع تولیدکنندگان در بخش‌های مختلف زنجیره تعارض وجود دارد و منافع گروهی بر سود کلان اقتصادی کشور، ارجحیت می‌یابد. وی افزود: مشارکت بخش خصوصی در سیاست‌گذاری تنها به نظرخواهی از فعالان این حوزه در فرآیند سیاست‌گذاری محدود می‌شود و عملا نظرات این صنعتگران در فرآیند تصمیم‌گیری هیچ محلی از اعراب ندارد. در چنین شرایطی شاهد کاهش تولید و صادرات در صنایع مختلف خواهیم بود. زنجیره تولید و تامین ما هر روز بیش از قبل با چالش روبه‌رو می‌شود و بخشی از این مشکلات از آنجا نشأت می‌گیرد که سیاست‌گذاران به منافع صنایع غیروابسته به دولت، توجهی ندارند.

رحام گفت: باوجود اینکه دولتمردان در روند تصمیم‌سازی خود منافع تولیدکنندگان وابسته به دولت را مدنظر دارند، در مواردی این سیاست‌گذاری‌ها به‌قدری اشتباه هستند که حتی تولیدکنندگان وابسته به دولت نیز از شرایط به ستوه می‌آیند.

دولت حمایتگر باشد، نه مداخله‌گر

این فعال صنعت فولاد گفت: تمام چالش‌های یادشده در شرایطی به صنایع تحمیل می‌شود که از صنایع انتظار می‌رود تنها به وظایف حمایتی خود عمل کنند. اما این وظیفه مهم نه‌تنها در کشور ما موردتوجه قرار ندارد، بلکه تغییر مداوم سیاست‌های دولتمردان و آزمون‌وخطاهای پی‌درپی، درنهایت به بروز مشکلات عدیده در روند فعالیت صنایع بدل خواهد شد. کافی است نگاهی به بخشنامه‌ها و مصوبات اقتصادی تنها در حوزه معدن و صنایع معدنی بیندازید. با حجم عظیمی از دستورالعمل‌ها روبه‌رو می‌شوید که هیچ نقش تسهیلگرانه‌ای نداشته‌اند. این بخشنامه‌ها عموماً با هدف کنترل بازار صادر می‌شوند. سیاست‌های تنظیم بازاری نه‌تنها تاکنون نتیجه‌بخش نبوده‌اند، بلکه ضربات جدی را به نظم بازار وارد کرده‌اند. متاسفانه سیاست‌گذاران این بخش حتی به حوزه صادرات صنایع نیز ورود و برای ما تصمیم‌گیری می‌کنند. این دخالت‌ها عملا روند فروش محصولات صنایع در بازار بین‌المللی را تحت تاثیر منفی قرار می‌دهد.

صنایع دولتی، ناتوان از رقابت جهانی

وی در پاسخ به سوالی درباره یارانه دولتی که در اختیار صنایع قرار می‌گیرد و عملا امکان شکل‌گیری اقتصاد آزاد در کشور را سلب می‌کند، گفت: بیشترین یارانه دولتی در اختیار صنایع خصولتی یا وابسته به دولت قرار می‌گیرد. در حالت کلی انتظار می‌رود این یارانه به مصرف‌کننده نهایی منتقل شود، اما این هدف نه‌تنها در نهایت محقق نمی‌شود، بلکه بخش عمده‌ای از این یارانه در قالب سود عملیاتی صنایع وابسته به دولت شناسایی می‌شود.

سال‌های سال است که دولت‌ها بر تولید مواد خام باهدف بهره‌مندی از یارانه متمرکز شده‌اند و هیچ برنامه مدون و دقیقی برای تکمیل زنجیره تولید و ارزش‌افزایی حداکثری ندارند.

وی گفت: با اینکه ایران در سال‌های اخیر توانسته در رتبه دهم فولادسازی دنیا قرار گیرد، نرخ بهره‌وری تولید در این صنعت به‌مراتب پایین است. سود حاصل از یارانه‌های دولتی سود موهوم و سمی است و مانع بهبود شرایط تولید صنایع داخلی ما شده است. چنانچه این دست یارانه‌های دولتی حذف شوند، بسیاری از صنایع ما دیگر توان رقابت با محصولات مشابه خارجی را نخواهند داشت.

سخن پایانی

تولیدکنندگان در حوزه‌های مختلف از جمله بخش معدن و صنایع وابسته به آن در طول سال‌های گذشته همواره از اقتصاد دستوری و دستورات دولت گلایه داشته‌اند. این صنعتگران معتقدند دستورات تنظیم بازاری دولت مانع سودآوری صنایع می‌شود و عملا فعالیت آنها را تحت تاثیر منفی قرار می‌دهد. با این وجود کافی است نگاهی به قیمت خریدوفروش فلزات در بورس کالا بیندازید. در اغلب موارد با احتساب قیمت نهایی فروش فلزات، نرخ این محصولات با قیمت‌های صادراتی برابری می‌کند. علاوه بر این در شرایط تحریمی، بازاری انحصاری برای تولیدکنندگان داخلی فراهم شده است؛ در نتیجه شکل‌گیری اقتصاد آزاد در شرایط تحریم و محدودیت در تعاملات بین‌المللی میان ایران و سایر کشورها، عملا ممکن نیست.

> تحریم به نقطه قوتی برای صنایع بدل شده، چراکه این تولیدکنندگان از امکان فروش انحصاری فلزات در بازار داخلی برخوردارند

محورهای ایمیدرو در اجرای سند استقرار فناوری نسل ۴ اعلام شد

ایمیدرو در راستای اجرای سند راهبردی استقرار فناوری نسل ۴ در حوزه معدن و صنایع معدنی، ۵ محور سیاست‌گذاری و ۱۸ راهبرد آن را اعلام کرد. به گزارش روابط عمومی ایمیدرو، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران در جهت توسعه حوزه فناوری و نوآوری و تقویت شرکت‌های دانش‌بنیان معدن و صنایع معدنی در حال نهایی کردن این سند است. در این سند ۵ محور سیاست‌گذاری «توسعه سرمایه انسانی»، «حکمرانی هوشمند»، «سرمایه‌گذاری مشوق‌های مالی»، «نوآوری، فناوری و زیرساخت» و «امنیت فراگیر» دیده شده است.

از مهم‌ترین راهبردهای این سیاست‌گذاری‌ها می‌توان به تقویت ارتباط صنعت و دانشگاه، مقررات‌زدایی و تغییر و بروزرسانی قوانینی که مانع توسعه فناوری‌های انقلاب چهارم صنعتی، حمایت مالی و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری در بکارگیری فناوری‌های انقلاب چهارم، حمایت از نوآوری‌ها در حل مسائل اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی و ارتقای امنیت و استانداردسازی امنیت فناوری اطلاعات در حوزه فناوری‌های زیرساختی و تولیدی اشاره کرد.

این گزارش می‌افزاید، تهیه سند راهبردی استقرار فناوری‌های نسل ۴ از خرداد امسال توسط ایمیدرو آغاز شد. در این سند از اسناد شرکت‌های معتبر دنیا الگوبرداری شده است. ایمیدرو به‌عنوان نهاد واسط بین بخش خصوصی و حوزه معدن و صنایع معدنی، تهیه این سند و ارائه برنامه‌های عملیاتی آن را در دستور کار قرارداد.

افزایش ۱۱ درصدی تولید زغال‌سنگ هند

تولید زغال‌سنگ هند طی دسامبر سال ۲۰۲۲ میلادی شاهد رشد ۱۰.۸ درصدی نسبت به مدت مشابه سال قبل بود. به گزارش ایمیدرو میزان تولید زغال‌سنگ هند طی دسامبر سال ۲۰۲۲ میلادی با رشد ۱۰.۸ درصدی نسبت به دسامبر سال گذشته میلادی به ۸۲ میلیون و ۸۷۰ هزار تن افزایش یافت. همچنین میزان تولید زغال‌سنگ این کشور طی مدت یادشده، شاهد رشد ۹.۲ درصدی نسبت به نوامبر سال ۲۰۲۲ میلادی بود.

این در حالی است که میزان ارسال زغال‌سنگ این کشور از ۷۴ میلیون و ۹۵۰ هزار تن در دسامبر ۲۰۲۱ میلادی به ۷۸ میلیون و ۹۱۰ هزار تن در دسامبر سال ۲۰۲۲ میلادی افزایش یافت که حاکی از رشد ۵.۲ درصدی است.

هند یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان زغال‌سنگ جهان است و صنعت زغال‌سنگ از منابع اصلی درآمد ایالات مختلف و همچنین دولت مرکزی این کشور به شمار می‌رود. همچنین حدود ۷۰ درصد از برق این کشور از طریق زغال‌سنگ تولید می‌شود.

سرمایه‌گذاری در شرایط فعلی اقتصاد؛ رویایی دست‌نیافتنی

خبری از پول نیست

کارشناسان زیادی بر این باور هستند که اقتصاد ایران باید از نفتی بودن رهانیده شود و به‌سمت اقتصاد دانش‌بنیان برود.
در واقع برای رسیدن به توسعه اقتصادی راهی جز این نداریم که از اقتصاد مبتنی بر مواد خام به‌سوی اقتصاد مبتنی بر دانش و فناوری و محصولات و خدمات های‌تک (فناوری‌های پیشرفته) برویم.
برای رسیدن به این روند، باید بسترهایی را در راستای ایجاد سرمایه‌گذاری فراهم کنیم تا چرخه استانداردی به‌وجود بیاید تا نتیجه آن در بستر زمانی ۵ یا ۱۰ ساله خودش را نشان دهد و مردم تاثیر آن را در اقتصاد کلی کشور مشاهده کنند.
ناگفته نماند که سرمایه‌گذاری روی شرکت‌های بزرگ و کوچک اقتصادی، در جریان اقتصاد آزاد شکل می‌گیرد، اما تاکنون اتفاق خاصی در هیچ جلسه‌ای نمی‌افتد و در طول این چند سال، شاهد حرکت جدی نبوده‌ایم. سرمایه‌گذاری یکی از روندهای واضح در بطن اقتصاد آزاد است.
صمت در این گزارش به اهمیت رشد دانش‌بنیان‌ها با رویکرد سرمایه‌گذاری و بررسی موانع آن در ایران پرداخته است.

مهتاب دمیرچی
editor@smtnews.ir



بخش عمده اقتصاد در کشور ما به‌دست دولت است و بقیه در قالب خردمقیاس فعالیت می‌کنند. بخش خصولتی هم بسان ضرب‌المثل مرغ و شترمرغ عمل می‌کند و راهی برای همکاری و دستگیری از دانش‌بنیان‌ها باز نمی‌گذارد

سرمایه‌گذاری، پلی در مسیر توسعه

تجارب کشورهای موفق در توسعه اکوسیستم دانش‌بنیانی نظیر ایالات‌متحده‌امریکا و آلمان نشان داد که اصلی‌ترین عامل رشد دانش‌بنیان‌ها در مراکز فناوری، ارتباط با اقتصاد آزاد از طریق سرمایه‌گذاری با حداقل دخالت‌های دولتی است. در ایران هم، نمونه چنین روندی هرچند کم وجود داشته است. اگر بخواهیم از دستاوردهای دانش‌بنیانی کشور که ویترینی هم برای این امر در نظر گرفته می‌شود، نام ببریم تولیدات محصولات نانویی در بخش‌های مختلف صنعتی است. طبق آماری که از سوی ستاد نانو منتشر شد، فروش سال ۱۴۰۰ محصولات نانو معادل ۱۹ هزار میلیارد تومان بوده که نزدیک به ۲ هزار میلیارد دلار آن ناشی از صادرات خارجی بوده و ۱۷ هزار میلیارد در داخل فروش داشته است.

از این میزان، ۹ درصد آن، که رقمی نزدیک به ۱۵۰۰ میلیارد تومان بود، به‌عنوان مالیات بر ارزش‌افزوده وارد خزانه دولت شد.

این در حالی است که بودجه ستاد نانو در همان سال، حدود ۱۰۰ میلیارد تومان بوده و دولت تنها از راه مالیات، تولیدات دانش‌بنیان در عرصه نانو، سود ۱۵برابری کرده است.

به‌اعتقاد بسیاری از فعالان در اکوسیستم دانش‌بنیان، ادبیات سرمایه‌گذاری و پول هم در چند سال اخیر نتوانسته مسئولان را به عملکرد در راستای توسعه اقتصاد دانش‌بنیان اقناع کند و راه اقتصاد را برای توسعه باز بگذارد.

این در حالی است که در همه جای دنیا دولت‌ها با آغوش باز از چنین روندهایی استقبال می‌کنند.

اقتصاد آزاد، بستر توسعه دانش‌بنیان‌ها



سعید سرکار، رئیس ستاد نانو در گفت‌وگو با صمت درباره اهمیت سرمایه‌گذاری و در جریان اقتصاد آزاد گفت: به‌طورکلی سرمایه‌گذاری یک بحث کلی و جریان‌سازی‌های حاکمیتی تعیین‌کننده اصلی‌ترین روندهای سرمایه‌گذاری در کشورها است. به‌اعتقاد من، سازکار شکوفایی در اقتصاد و گام گذاشتن در مسیر اقتصاد آزاد در گام نخست تحت‌تاثیر مستقیم نگرش حاکمان زمان بوده، به‌گونه‌ای که در هر کشوری این یک اصل است. مردم نقش بازیگران این سناریو را دارند و اگر نقشی به آنها بدهند، بازی می‌کنند اگرنه بی‌شک نمی‌توانند هنرشان را به شکوفایی برسانند. این را هم باید به یاد داشته باشیم که در جریان اقتصاد آزاد است که می‌توان به اقتصاد دانش‌بنیان دست یافت و در اصل، اقتصاد آزاد، بستر اصلی اکوسیستم دانش‌بنیانی است.

▣ سرمایه‌گذاری با کدام بخش خصوصی؟!

سرکار گفت: بی‌شک نیروی انسانی خبره و نخبه در کشورمان می‌تواند چرخ تولید را به‌دست بگیرد. به‌اعتقاد من، با ایجاد منابع برای این نیروی انسانی، آینده کشور مبتنی بر اقتصاد دانش‌بنیان خواهد بود که به باور و فرهنگ نهادینه‌شده بستگی دارد، اما هنوز این باور و اعتقاد در نگرش مسئولان فعلی به‌وجود نیامده است. در واقع آنها باور ندارند که کشور ظرفیت کنار گذاشتن اقتصاد نفتی و بهره‌برداری از دانش و فناوری جوانان کشور را دارد. تا این باور ایجاد نشود و تغییر نگرش را مشاهده نکنیم، نمی‌توانیم شاهد تغییر بنیادی در اقتصاد باشیم؛ همان چیزی که از آن به‌عنوان جراحی اقتصادی یاد می‌کنند.

سرکار گفت: متاسفانه بخش خصوصی جایگاهی در اقتصاد کشور ندارد. خوب است، بدانیم که ما درباره کشوری صحبت می‌کنیم که صنعت نفت آن پیشران اقتصاد است و جای خالی رویکردی که براساس آن توانمندی‌های تولید و قابلیت‌های فناورانه به رسمیت شناخته شود، به‌شدت احساس می‌شود.

وی افزود: در تمام دنیا، خریدها و سرمایه‌گذاری‌های دولتی پیشران توسعه فناوری است، اما چه زمانی در کشور شاهد آغوش باز دولتی‌ها از دانش‌بنیان‌ها بودیم؟ عمده اقتصاد در کشور ما به‌دست دولت است و بقیه در قالب خردمقیاس فعالیت می‌کنند. بخش خصولتی هم بسان ضرب‌المثل مرغ و شترمرغ عمل می‌کند و راهی برای همکاری و دستگیری از دانش‌بنیان‌ها باز نمی‌گذارد؛ در حقیقت وقتی پای عمل به وظایف بخش خصوصی می‌رسد، خود را دولتی می‌دانند و وقتی خواهان حمایت‌های دولتی آنها می‌شویم، تاکید بر خصوصی بودن‌شان دارند. در واقع نه از دولت تبعیت می‌کنند و نه دل‌شان به حال بخش خصوصی می‌سوزد.

چرا که منابع مالی دولتی است. در اصل زمین اقتصاد کشور خالی از بازیکنان بخش خصوصی است. در کل، در اقتصاد کلان کشور، مولفه‌ای به عنوان بخش خصوصی نداریم.

▣ آیا ضعف از قانون است؟

به‌گفته سرکار، وقتی صنایع دولتی از اقتصاد دولتی نفع می‌برد، چطور می‌توان انتظار داشت که به جریان اقتصادپویا و دانش‌بنیان بها دهد؟ حتی فرآیند خصوصی‌سازی در کشور از مسیر رانت و دولت می‌گذرد که شرایط را بدتر کرده است.

وی ادامه داد: همواره در بخش خصوصی که سرمایه‌گذار افراد و نه دولت بوده است، شاهد اتفاقات خوبی بوده‌ایم. بخش‌های خصوصی از فناوری نانو استفاده کردند و متوجه کاربرد آن در مصارف اقتصادی خود شدند. در حوزه ساختمان، دارو و سلامت و صادرات خوبی هم داشته و دنیا از آن استقبال کرده است.

در سال ۸۶ ، رقمی معادل ۷۲ میلیون دلار صادرات داشتیم. ما در ستاد نانو هدف‌گذاری کرده بودیم که تا سال ۱۴۰۴ صادرات محصولات نانویی به یک میلیارد دلار برسد که تحت‌تاثیر عواملی از جمله نصف شدن بودجه ستاد نانو و بحران همه‌گیری کرونا شیب رو به پایینی را تجربه کردیم.

متاسفانه اتفاقات تحت‌الشعاع همه‌گیری کرونا و افزایش نرخ دلار رخ داد که باعث شد، افت شدیدی کنیم و امسال صادرات، نزدیک به ۶۲ میلیون دلار برسد.

متاسفانه صنعت نفت پیشران اقتصاد در کشور است و جای‌خالی رویکردی که براساس آن توانمندی‌های تولید و قابلیت‌های فناورانه به‌رسمیت شناخته شود، به‌شدت احساس می‌شود

قانون جهش دانش‌بنیان، یک گام مهم



یکی از سیاست‌های کلان اقتصادی افزایش سرمایه‌گذاری در راستای گردش پول به‌منظور افزایش تولید داخلی است. سیاوش صمیمی، مدیر طراحی و توسعه ابزارهای سرمایه‌گذاری صندوق نوآوری و شکوفایی در گفت‌وگو با صمت بااشاره به رفع موانع سرمایه‌گذاری بانک‌ها در اکوسیستم دانش‌بنیان گفت: تاکنون روال اصلی در خدماتی که بانک‌ها به شرکت‌های دانش‌بنیان می‌دادند، این‌گونه بود که آنها نمی‌توانستند سرمایه‌گذاری و مشارکت داشته باشند، نه در این حوزه، نه در سایر حوزه‌های غیربانکی؛ بنابراین، تنها تسهیلات با نرخ‌های ترجیحی و صدور ضمانتنامه و به‌طورکلی ابزارهای مبتنی بر بدهی، موضوع تعامل سه‌طرفه بانک‌ها، صندوق نوآوری و شکوفایی و شرکت‌های دانش‌بنیان بود. روش تعامل نیز به این صورت بود که صندوق نوآوری و شکوفایی بخشی از منابع پولی خود را در حساب جاری برای مدتی معین و در عوض بانک مربوطه تسهیلات با نرخ‌های کمتر در اختیار شرکت‌های دانش‌بنیان قرار می‌داد یا الزام به مسدودی حساب را برای آن شرکت مرتفع می‌ساخت و نظایر آن. وی افزود: منع بانک‌ها از سرمایه‌گذاری در حوزه‌های غیربانکی در قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب سال ۱۳۹۴ اتفاق افتاده بود و آنها اجازه سرمایه‌گذاری در هیچ حوزه غیربانکی اعم از اینکه ساختمان و راهسازی باشد یا صنایع تولیدی را نداشتند که البته کماکان هم این اجازه را ندارند و به‌لحاظ اقتصادی به‌طورکامل هم منطقی است، لیکن طبق ماده ۱۸ قانون جهش تولید دانش‌بنیان (مصوب اردیبهشت امسال)، این اجازه به بانک‌ها داده شد که در طرح‌های دانش‌بنیان سرمایه‌گذاری کنند، با این شرط که به‌طورحتم با همراهی و مشارکت صندوق نوآوری و شکوفایی این اتفاق بیفتد. این روند که تا چندی پیش از سوی بانک مرکزی به‌عنوان تخلف بانک‌ها در نظر گرفته می‌شد، با تصویب قانون و البته پس از ابلاغ سازکارهای اجرایی آن به‌عنوان فعالیت قانونی بانک‌ها تلقی خواهد شد. به‌گفته مدیر طراحی و توسعه ابزارهای سرمایه‌گذاری صندوق نوآوری و شکوفایی، سرمایه‌گذاری بسان ارائه وام نیست که دارای نرخ باشد و شخص دریافت‌کننده پول، بدهکار و بانک تنها طلبکار باشد؛ سرمایه‌گذاری به‌معنی مشارکت و شریک شدن است، یعنی آنکه بانک و صندوق نوآوری و شکوفایی منابع مالی در اختیار شرکت‌های دانش‌بنیان یا نوآور و فناور فعال در حوزه اقتصاد دانش‌بنیان قرار می‌دهند و در عوض، سهام آن شرکت را در اختیار می‌گیرند و عضوی از سهامداران می‌شوند، با همان حق و حقوق اعلامی در قانون تجارت.

سیاوش صمیمی ادامه می‌دهد: در سرمایه‌گذاری، سرمایه‌گذاران که در اینجا بانک‌ها و صندوق نوآوری و شکوفایی هستند، با کارآفرینان و سایران شراکت دارند و همگی در سود و زیان متناسب با سهام در اختیار شریک هستند؛ البته ذکر این نکته هم ضروری است که این سرمایه‌گذاری به‌صورت مستقیم اتفاق نمی‌افتد و از طریق نهادهای واسط مثل صندوق‌های سرمایه‌گذاری جسورانه و شرکت‌های سرمایه‌گذاری مشترک، عملیاتی خواهد شد. به‌گفته صمیمی، سازکار اجرای قانون جهش دانش‌بنیان این‌گونه است که طرح‌ها و شرکت‌های فعال در حوزه‌های اولویت‌دار، در صدر لیست سرمایه‌گذاری قرار بگیرند.

▣ شرکت‌های نوپا هم حمایت می‌شوند

صمیمی درباره سرمایه‌گذاری روی شرکت‌های نوپا و تازه‌تاسیس در اکوسیستم دانش‌بنیان گفت: بخش دیگری از سیاست‌های صندوق نوآوری و شکوفایی به حمایت از شرکت‌های کوچک‌تر و نخبگان اختصاص دارند. تاسیس ۲ صندوق نیکوکاری را مدنظر قرار دادیم که منافع به‌دست‌آمده از این ۲ صندوق، یکی به بنیاد ملی نخبگان و دیگری به صندوق نوآوری و شکوفایی می‌رسد و می‌تواند در قالب کمک‌های بلاعوض مورداستفاده قرار گیرد. از موضوعات دیگری که می‌تواند منجر به سرمایه‌گذاری در اکوسیستم دانش‌بنیان شود؛ کمک به توسعه تامین مالی جمعی است که مناسب برای شرکت‌هایی است که به‌دنبال سرمایه درگردش با دوره بازپرداخت یک‌ساله هستند. در این روند، صندوق، ضمانت شرکت متقاضی را برعهده می‌گیرد و بانک‌ها بخشی از منابع موردنیاز خود را از طریق سکوهای تامین مالی جمعی تامین می‌کنند.

▣ شرکت‌های هدف، اولویت‌بندی می‌شوند

وی بااشاره به روند اختصاص این نوع منابع به شرکت‌های دانش‌بنیان گفت: برای اجرایی‌سازی این سرمایه‌گذاری‌ها و تفاهمنامه‌های منعقدشده در سال‌های گذشته، منابع موردتفاهم از طریق نهادها و ابزارهای تعریف‌شده به شرکت‌های دانش‌بنیان یا شرکت‌های فعال در حوزه دانش‌بنیان تخصیص می‌یابد.

شیوه ارزیابی و تصمیم‌گیری برای تخصیص هم، مطابق اصول حاکمیت شرکتی نهادهای سرمایه‌گذاری یا قوانین بالادستی است، اما به‌هرحال با تزریق منابع تجمیع‌شده پیرو این تفاهمنامه‌ها که رقم آن بالغ بر ۴۰ هزار میلیارد تومان است و به‌مرور جمع‌آوری و تشکیل می‌شود، به زیست‌بوم نوآوری و دانش‌بنیان کشور، بازیگران عرضه‌کننده منابع بیشتر شده و شانس شرکت‌ها در تامین و کسب منابع مالی افزایش می‌یابد. در این شرایط، به‌طور طبیعی شرکت‌های توانمند و با چشم‌انداز رشد بهتر، زودتر از این خدمات بهره‌مند خواهند شد.

سخن پایانی

وقتی سخن از اقتصاد آزاد به‌میان می‌آید، نخستین واژه‌ای که در ذهن تداعی می‌شود، انجام فعل‌وانفعالات اقتصادی و انتخاب‌های فراوان فعالان این عرصه است.

به‌عبارت‌دیگر، هرچقدر نقش دولت در اقتصاد و تصمیم‌های اقتصادی کمرنگ‌تر باشد، بیشتر می‌توان از اقتصاد آزاد سخن گفت؛ فرآیندی که می‌توان نمونه آن را در جهان غرب دید و شاید به رشد اقتصادی آنها در سال‌های بعد از جنگ جهانی پی برد. بی‌شک اقتصاد آزاد زمینه رشد کارآفرینان و صاحبان شرکت‌های دانش‌بنیان است. افراد با سرمایه‌گذاری و انتخاب‌های آزادانه می‌توانند راه‌حل‌های تعیین‌شده‌ای برای کسب سود و بازگشت سرمایه بیابند؛ روندی که در کشور ما روز به روز رنگ می‌بازد و خبری از یک سرمایه‌گذاری غیردولتی به‌سختی به گوش می‌رسد.

یادداشت

وام‌های بی‌برنامه پاشنه‌آشیل توسعه



سبحان فروغی‌دهنوی
فعال دانش‌بنیان

توسعه بخش خصوصی و کوچک شدن بدنه دولت، اشتغالزایی گسترده، تقویت پیوند بین آموزش عالی و بازار کار، افزایش درآمدهای دولت، از بین رفتن وابستگی به خارج از کشور و... همگی از مزایای اقتصاد دانش‌بنیان است و از طرفی اقتصاد مبتنی بر دانش به‌دلیل متکی بودن به توانمندی‌های فکری افراد از سازگاری و انعطاف‌پذیری بالایی برخوردار بوده و این نوع اقتصاد، کمتر دچار تهدیدات داخلی و خارجی و در صورت تحقق، بسیاری از مشکلات کشور مرتفع می‌شود. همین دلایل کافی است تا متولیان امر اقتصاد دانش‌بنیان را به‌عنوان یک ضرورت و هدف پیگیری و در این راستا برنامه‌ریزی کنند. تولید دانش‌بنیان تولیدی است که از تحقیق و توسعه توأم با نوآوری و فناوری ناشی از طراحی تا بومی‌سازی محصول، حاصل فعالیت و دانش نیروی انسانی متخصص داخلی باشد. این نوع تولید است که می‌تواند رقابت‌پذیر باشد، ارزش‌افزوده و امکان توسعه و بروزرسانی براساس نیاز بازار را داشته باشد و در نهایت، موجب توسعه اقتصادی شود.

یکی از مولفه‌های مهم توسعه دانش‌بنیان در جریان اقتصاد کشور تسهیلات بانکی است. ابتدا باید به این نکته واقف باشیم که به‌طورکلی تسهیلاتی که به دانش‌بنیان‌ها اعطا می‌شود، با تسهیلاتی که به دیگر شرکت‌ها داده می‌شود، تفاوت چندانی ندارد، چرا که بیشتر دانش‌بنیان‌ها هم برای دریافت تسهیلات و وام، نیازمند ضمانتنامه‌های متعدد هستند. این امر نشان می‌دهد که دانش‌بنیان‌هایی هم که موفق به اخذ وام‌های کلان از سوی بانک‌ها شده‌اند، توانسته‌اند از مسیر رانت وام بگیرند. درصد زیادی از دانش‌بنیان‌هایی که از دل دانشگاه‌ها یا مراکز علمی بیرون آمده‌اند، موفق به دریافت چنین وام‌هایی نمی‌شوند. بیشتر این افراد با گردآوری افراد توانمند با حداقل‌ها آغاز کرده و چندین بار به نقطه صفر و حتی زیر صفر هم رسیده‌اند. به‌طورمعمول شرکت‌های بزرگ یا کاغذی موفق به دریافت وام و تسهیلات بانکی می‌شوند.

تفاوت چندانی میان وام‌هایی که به دانش‌بنیان‌ها و دیگر شرکت‌ها ارائه می‌شود، نیست. به‌طورکلی اعطای وام‌های بانکی در ایران از تنوع بالایی برخوردار نیست و روال ثابت خودش را دارد. در بسیاری کشورهای پیشرو ۲ راهکار برای تامین مالی و حمایت از دانش‌بنیان‌ها وجود دارد؛ سرمایه‌گذاری اشتراکی و اعطای وام. در سرمایه‌گذاری اشتراکی همان‌گونه که می‌توان از نام آن فهمید، سرمایه‌گذاران در قالب مشارکت با صاحبان شرکت همکاری می‌کنند. در بخش اعطای وام، به‌طورمعمول شرکت‌هایی وام می‌گیرند که می‌دانند با دریافت وام، مشکل اصلی شرکت تا حد زیادی رفع می‌شود. در تمام دنیا این ۲ روش جواب داده، اما در ایران این است که به‌نوعی تبدیل به پاشنه‌آشیل رشد و توسعه کشور شده است. مشکل ما در ایران این است که روش اعطای تسهیلات روند استانداردی ندارد و به‌همین دلیل به شرکت‌های کوچک دانش‌بنیان تعلق نمی‌گیرد. به‌طورمعمول برای اعطای وام به شرکت‌های دانش‌بنیان باید بیلان مالی سالانه شرکت موردارزیابی قرار گیرد و برمبنای آن وام تعلق یابد، نه آنکه وثیقه همتراز بخواهند. امروزه روش‌هایی رواج داده شده که صاحبان شرکت‌های دانش‌بنیان می‌توانند با استفاده از شرایط موجود پیش‌بینی‌های دقیق‌تری نسبت به درآمدهای‌شان در آینده داشته باشند و براساس آن، درخواست دریافت وام بدهند و موسسه‌ای که متولی این خدمات است، باید براساس سیستم گردش مالی آن شرکت و تاریخچه‌ای که داشته، وام اعطا کند؛ چنین روندی در سیستم بانکی ایران وجود ندارد. حال باتوجه به تعریفی که از دانش‌بنیان می‌شناسیم، ارائه یک وثیقه بزرگ ملکی برای دریافت وام خنده‌دار است. به‌طورقطع ارائه تسهیلات برای شرکت‌های دانش‌بنیان امری درست است، هرچند در ایران تنوع زیادی ندارد و به‌اعتقاد من، دانش‌بنیان‌ها باید از تسهیلات مالی استفاده کنند. از آنجایی که یکی از راه‌های تامین هزینه موردنیاز کسب‌وکارها اعطای وام است، نمی‌توان تمامی نظام بدهکاری را زیر سوال برد. در اصل، یک بخش مهم تامین مالی دانش‌بنیان‌ها از طریق وام‌ها حاصل می‌شود. حال اینکه این روش در ایران به‌درستی کار نمی‌کند و باید روال کار صندوق نوآوری و شکوفایی را بررسی کرد.

یادداشت

تسهیل اقتصاد آزاد با خروج از لیست سیاه FATF



عباسعلی حقانی‌نسب

حضـور در بازارهای جهانی چـه با صادرات نفتی و چه غیرنفتی نیازمند داشـتن روابط پایدار و شـفاف بین‌بانکی است. در حال حاضر رقم صادرات غیرنفتی بیـش از ۴۵میلیـارد دلار اسـت که به‌نظر می‌رسـد چنانچه صادرات قاچاق نیز به آن اضافه شود، صادرات غیرنفتی بیش از ۵۰ میلیارد دلار برای کشور ارزآوری داشته است.

باتوجه به مشـکلات کنونی مربوط به صادرات نفت در اثر اعمال تحریم‌های ظالمانه، ارز حاصل از صادرات غیرنفتی به طور محسوس و چشمگیر در اقتصاد خود را نشـان می‌دهد اما همچنان برای کشوری به وسعت ایران ناچیز است.

ایـران برای آنکه بتواند روابط تجـاری آزاد با کلیه کشـورهای جهان داشـته باشـد، در ابتدا باید بتواند به‌راحتی مـراودات مالی با کشـورهای طرف معامله داشته باشد، اما از آنجایی که در لیست سیاه FATF قرار گرفته عملا دسـتش از مشـارکت در اقتصاد آزاد جهانی کوتاه اسـت. حضور ایران در این لیسـت سیاه همچنان مانع مهمی در برقراری روابط تجاری و مالی با سـایر کشـورها از جمله کشـورهای دوستی مانند روسـیه و چین اسـت و حتی پیوستن ایران به پیمان شـانگهای هم در صورت ادامه حضور ایران در لیست سـیاه نتایج مطلوبی نخواهد داشـت. با اعمال بیشتر تحریم‌هـا و عضو نبودن ایران در FATF، ارز حاصل از صـادرات نفتی و غیرنفتی نیـز جوابگوی نیازهای مبادلات تجاری کشـور نیسـت؛ بنابراین باید دولت اقدامات لازم برای خروج ایران از لیست سیاه FATF را انجـام دهد تا بتواند آزادانـه با دنیا مراودات مالی و تجاری گسترده داشته باشد.

گـروه ویـژه اقدام مالـی که بر تخلفـات مربوط به پولشـویی و تامین مالی تروریسـم کشـورها نظارت می‌کند، با تکیه بر ادعاهای بی‌اساس علیه کشورمان، نام ایران را در این لیسـت نگه داشـته و همین عامل باعث شـده مشـارکت ایران در اقتصـاد آزاد جهانی باوجود پتانسـیل‌های بالا بسـیار محدود شود. یکی از نقـاط اصلی آسـیب‌پذیری کشـور بعـد از اعمال تحریم‌هـای امریکا، سیسـتم تعاملات بانکی خارجی کشور بوده که مبادلات تجاری ایران را به چند کشور محدود کرده است.

تحریم‌هـای کارگـروه ویژه اقدام مالـی علیه ایران شامل محدودیت در روابط مالی با شرکت‌های ایرانی، بررسـی بیشـتر تراکنش‌های مالی مرتبـط با ایران، ارسـال گـزارش درباره انجام هرگونـه مبادله مالی با ایران به این کارگروه و ممانعت از احداث شعبه جدید بانک‌هـای ایران در خارج و بالعکس می‌شـود. تمامی موارد ذکرشـده باعث شد سـهم ایران در اقتصاد آزاد جهانـی کاهش یابد و برای مقابله با این اقدام کشـور از پیمان‌های ارزی استفاده کرد. هرچند انعقاد پیمان ارزی باعث تسهیل روابط تجاری می‌شود اما نمی‌تواند جوابگوی همه نیازهای اقتصاد آزاد باشد.

عـدم عضویت ایـران در FATF روابط بین‌بانکی بین‌المللی را با مشکل مواجه کرده و ادامه این وضعیت حتی با رفـع تحریم‌ها نیز نوعی خودتحریمی خواهد بـود که مانع بهره‌بـرداری ایران از امتیاز لغو تحریم‌ها خواهد شـد، زیرا مراودات بانکی و مالی با کشورهایی که در لیسـت سـیاه قرار دارند، تبعات سـختی برای مرتکبـان آن دارد؛ بنابراین یک تحریم خودخواسـته است.

در حـال حاضـر تنها راهـکار مشـارکت ایران در اقتصـاد آزاد جهانـی مشـارکت در پیمان‌های ارزی است. انتظار می‌رفت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران همراستا با دیگر کشورها برای کاهش وابستگی سیسـتم تعاملات بانکی خارجی کشور به دلار و یورو قدم بردارد و توسعه پیمان‌های پولی دوجانبه را در در دستور کار قرار دهد. در نتیجه اکنون ایران با استفاده از تجارب جهانی به پیمان دوجانبه پولی برای تسهیل امر مبادلات تجاری روی آورده است.

ایـران همواره تلاش کرده با انعقاد پیمان‌های ارزی با کشـورهای طرف تعامل از میزان وابستگی کشور به دلار و یـورو بکاهد، امـا تا زمانی که ایران در FATF عضو نباشـد، تجارت آزاد با تمامی کشـورهای جهان ممکن نخواهد شـد؛ بنابراین دولتمردان باید از طریق ورود به کریدور مراودات بین‌بانکی جهانی، راه را برای افزایش سهم ایران از اقتصاد آزاد هموار سازند.



صمت بهترین نظام اقتصادی حاکم بر جهان را بررسی کرد

اقتصاد تعـادلی، راه نجات بـازار

در علـم اقتصـاد، اقتصـاد آزاد در مقابـل اقتصـاد دسـتوری قـرار دارد. در اقتصـاد آزاد، همواره عرضه و تقاضا شـاخص‌های اصلی تعیین قیمت‌ها هسـتند. در بازارهـای بین‌المللی نیز وضع بر همین منوال اسـت. در بعد کلان اقتصاد جهانی، تجارت آزاد به مفهوم گشودن درهای کشـور بر کالاهای تجاری سـایر کشورها است. در این سیاسـت، بازار رقابتـی تعیین‌کننده کالاها نرخ کالاها اسـت. در سیاسـت بازار باز اقتصـادی، جامعه و همین‌طور سـلیقه مردم در نقش‌آفرینی عرضه و تقاضا تعیین‌کننده است. براساس این سیاست تولیدی‌ها باید کالاهایـی را طراحی و تولید کنند که در جهان امروزی، همسـو با سلیقه، خواسـت و نیاز مردم باشد، همچنین اهمیت بازارها نباید دست‌کم گرفته شود. در مقابل، اگر انحصار وارد اقتصاد شـود، تولید ممکن است از ساخت کالاهای کیفی فاصله بگیرد. در روی دیگر سکه، اعمال سیاست‌های دسـتوری همواره بد نیست، زیرا همیشه کارهایـی وجود دارد که ازعهده بازار آزاد خارج اسـت. مانند: حفـظ حاکمیت قانون و تامیـن خدمات عمومی ماننـد راه‌ها، تسـهیلات و امنیت که باید توسـط دولت انجام پذیرد.

به‌اعتقاد کارشناسـان در جوامع امروزی، اقتصادهای مدرن، نه کاملا آزادند و نه کاملا دستوری؛ به‌عبارتی در تمام امور، دولت کم‌وبیش حضور دارد.

صمت در این گزارش، تاثیر سیاسـت‌های دستوری و آزاد را بر اقتصاد بررسی کرده است.

مریم غدیرپور
editor@smtnews.ir

نقش نظام اقتصاد آزاد در توسعه



مرتضی الله‌داد، اقتصاددان و اسـتاد دانشگاه درباره نقش اقتصاد آزاد در توسـعه کشـورها بـه صمت گفت: در علم اقتصـاد، بهترین و موثرترین روش اداره اقتصاد بازار، اعمال نظام اقتصاد آزاد است. در اقتصاد آزاد، تصمیمات اقتصادی توسـط فعالان بازارهای مختلف اتخاذ می‌شـود و از تعامل بین افـراد و بنگاه‌های اقتصادی در جامعه؛ نحوه تخصیص کالاها و منابع در اقتصاد معین می‌شود. وی افزود: در اقتصاد آزاد مـردم درباره نحوه سـرمایه‌گذاری و مصرف کالاهای مختلف تصمیم‌گیری می‌کنند و در واقع مردم، کلید تمامی فعالیت‌های اقتصادی و موفقیت‌های اقتصادی هستند.

اقتصاد آزاد عامل رشد بخش خصوصی است، بنابراین با شکوفایی بخش خصوصی، فضای رقابتی تعیین‌کننده جهت اقتصاد بازار خواهد شد

کیفیت تولید

این استاد دانشگاه با تاکید بر اینکه در اقتصاد آزاد، تامین نیازهای اجتماعی کمتر از کسـب سـود اقتصادی اهمیت دارد، خاطرنشـان کرد: در اقتصاد آزاد، مردم برای کسـب سـود بیشـتر تلاش می‌کنند؛ بنابراین فضـای رقابتی در بازار ایجاد و این موضوع باعث کیفی‌سـازی کالا و خدمات می‌شـود. وی بااشـاره بـه اینکه نظام اقتصـادی در ایران دولتی است، گفت: در ایران دولت مسئولیت کنترل فضای اقتصادی را دارد. قوانین توسط دولت وضع می‌شوند و تنها توسـط این ارگان امکان حذف و اصلاح قوانین وجود دارد. الله‌داد بـا بیـان اینکه در اقتصاد غیـرآزاد یا دولتی فعالان بازار نقش کمی در تعیین نرخ دارند، اظهار کرد: در اقتصاد وابسـته به دولت، تغییرات عرضه و تقاضا نمی‌توانند درباره تصمیمات سـرمایه‌گذاری یا سیاسـت‌های تولیدی آینده پیش‌بینی خاصی داشته باشند. در واقع نهاد دولتی حاکم بر اقتصاد اسـت و تعیین می‌کند که کجا سـرمایه‌گذاری و سرمایه‌ها در راستای تامین منافع چه کسانی صرف شود.

نمونه اقتصاد انحصاری

وی نقـص اقتصاد دولتی را فسـاد و رانـت بالا در بازارها دانسـت و گفـت: در اقتصاد غیـرآزاد، تصمیم‌گیری‌های سیاسـی در جهت‌گیری روند تولید بسیار اثرگذار است. در این نظام اقتصادی، سرمایه‌ها با دستور دولت تعیین‌جهت می‌کننـد، بنابرایـن در فضـای کلی این‌گونـه اقتصادها، افـراد درآمدهای کمـی دارند،اما اختلاف درآمـد افراد با توانایی‌های مختلف چندان زیاد نیسـت، همچنین انگیزه فعالیت اقتصادی افراد بسـیار پایین است. به‌طورمثال، در کشـور کره‌شمالی همه بخش‌های اقتصاد در انحصار دولت اسـت؛ در نتیجه افراد جامعه انگیزه برای فعالیت تولیدی ندارند و سطح درآمدها پایین و یکسان است. الله‌داد افزود: در اقتصادهـای غیرآزاد به‌طورمعمول نرخ رشـد اقتصادی پایین است، البته در این بخش استثناهایی هم وجود دارد. به‌طورمثال، کشـورهای حاشیه خلیج‌فارس دارای اقتصاد دولتی هستند،اما به‌دلیل درآمد بالای دولت از محل فروش نفت، نرخ رشد اقتصادی به‌طورمیانگین بالا است.

اقتصاد آزاد و توسعه اقتصادی

این اقتصاددان در بیان مزایای اقتصاد آزاد گفت: جریان سـرمایه‌ها و دارایی‌هـا در نظام اقتصـادی آزاد و مبتنی بر سـرمایه‌داری به‌سـمتی است که بیشـترین نرخ بازگشت سـرمایه را دارد و در نتیجـه بـا گذشـت زمـان مجموع سـرمایه‌های در گردش در اقتصاد رشد می‌کند و به‌دنبال آن اقتصاد توسـعه پیدا می‌کند و به‌حداکثر بزرگی ممکن خود می‌رسد، همچنین اقتصاد آزاد فرصت رشد اقتصادی را بیشتر می‌کند و به‌دنبال آن زمینه را برای توسعه اقتصاد و بزرگ‌تر شدن ارزش تولید ناخالص داخلی فراهم می‌آورد. وی تصریح کرد: در اقتصاد آزاد، فردی که توانایی و پشتکار داشـته باشد، به‌سـرعت می‌تواند زندگی بهتری برای خود فراهم کند، زیـرا در چنین فضای اقتصادی، تبدیل کردن کار زیاد، پشتکار و تلاش به سرمایه فیزیکی و ثروت مادی سـاده‌تر و سرعت ثروتمند شـدن افراد دارای ایده‌های نو بسیار بیشتر از دیگر نظام‌های اقتصادی است.

اقتصاد زیدگان

ایـن استاددانشـگاه بابیان اینکه کشـورهای صنعتی و مبتنی بر اقتصاد آزاد نیز به‌نوبه خود دچار مشـکلاتی نیز هسـتند، گفت: اقتصاد آزاد معایب اندکی دارد، اما برطرف کردن همین معایب اندک هم، برای بهینه‌سـازی شـرایط اقتصادی اهمیت زیادی دارد. نخستین نقطه‌ضعف اقتصاد آزاد این است که گاهی افراد نابلدی از بهره هوشی در سطح متوسطی نیز قرار دارند و نمی‌توانند از فرصت‌های اشتغال موجود در اقتصاد استفاده کنند.

الله‌داد بـا تاکیـد بـر اینکـه اولویت‌هـای سـرمایه‌گذاری به‌سـمت حوزه‌هایی اسـت که سـودآوری بیشـتری دارنـد، خاطرنشـان کرد: در اقتصاد بازار سرمایه‌ها در بخش‌هایی صرف نمی‌شود که بیشترین منافع را برای جامعه یا بیشترین تقاضا در جامعه برای آنها وجود داشـته باشد، بلکه سرمایه فقط به‌سـمت سودآوری میل می‌کنـد. وی افزایش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی را یکـی دیگر از معایب اقتصاد آزاد دانسـت و اظهار کرد: در این فضا، ثروتمندان با سـرعت زیادی رشد می‌کنند و فقرا توان لازم برای رشد با سرعت بالا را ندارند و همین مسئله سبب می‌شود فاصله آنها هر روز بیشتر شود.

بهترین نظام اقتصادی

ایـن اقتصاددان بهترین نظـام اقتصادی حاکم بر بازار را «اقتصادتعادلی» دانست و گفت: با اینکه ویژگی‌های اقتصاد آزاد بسـیار ایده‌آل است و اقتصاد را به‌سمت رشد و توسعه هدایت می‌کند،اما ایجاد این فضای اقتصادی بسیار دشوار اسـت. بنابراین، بهتر است نظام اقتصادی مختلط یا همان تعادلی در کشور اجرا شود. نظامی که دولت‌ها در تخصیص منابع اقتصادی و توزیع ثروت نقش داشـته باشند،اما افراد و بنگاه‌هـای اقتصادی بـه فعالیت در فضـای اقتصادی و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مشغول باشند.

کالای باکیفیت، ثمره اقتصاد آزاد است



هادی حق‌شـناس، اقتصاددان و استاد دانشگاه در رابطه مزایای اقتصاد آزاد برای ایران به صمت گفت: از ویژگی‌های مثبـت بـازار آزاد، می‌توان بـه آزادی در انتخاب محصول، قیمت‌گذاری، مالکیت شخصی و رقابت و محدودیت دولت اشـاره کرد. در اقتصاد آزاد، بیـن بخش‌های مختلف تولید و حتـی تولیدکننـدگان کالاهـای یکسـان، رقابت وجود دارد و این باعث می‌شـود که هرکدام به فکر تولید کالایی باکیفیت‌تر و مفیدتر باشند.

وی بااشـاره به تفاوت اقتصاد آزاد و دسـتوری گفت: در بـازار آزاد، بهـای کالا و خدمات براسـاس عرضـه و تقاضا تعیین می‌شود، اما در اقتصاد دستوری نه‌تنها دولت تعیین قیمت‌هـا، کنترل و نظارت بر فرآیند تولید را برعهده دارد، بلکـه حتی در مواردی به محدود کردن یا به‌طورکلی، منع رقابت در بخش خصوصی نیز اقدام می‌کند.

اقتصاد دستورزده

این استاد دانشگاه، اقتصاد ایران را دستورزده ارزیابی کرد و گفت: در اقتصاد کاملا دسـتوری ایران، رقابت به‌طورکلی وجـود ندارد، چرا که اقتصـاد و تجارت در انحصار و کنترل دولت مرکزی اسـت. به‌طورمثال، در بـازار خودرو به‌دلیل انحصـاری بودن همه بخش‌ها، خـودرو کاملا بی‌کیفیت و گران به بازار عرضه می‌شود. این استاد دانشگاه در ادامه به اهمیت مالکیت خصوصی در اقتصاد آزاد اشاره کرد و افزود: اقتصاد آزاد، عامل رشـد بخش خصوصی است. بنابراین، با شکوفایی بخش خصوصی، فضای رقابتی تعیین‌کننده برای اقتصاد بازار خواهد شد. علاوه بر این، بخش خصوصی عامل تعیین‌کننده سیاسـت‌های کلی بازار اسـت، همچنین اگر مالکیـت خصوصی در جایی باعث بـر هم زدن اصول اولیه تعادل در بازار شود، اقتصاد از آن عبور و آن را نقض می‌کند.

وی بهترین حالت را برای پایداری اقتصاد، اقتصاد تعادلی دانست و اظهار کرد: دولت‌ها باید با فرآیند مناسبی بازار را به‌تعادل برسانند و منابع را به بهترین حالت تخصیص دهند. عواملـی در بازار وجـود دارد که می‌تواند به‌اصطلاح، بازار را بشـکند و آن را از حالت تعادلی خارج سـازد؛ عواملی نظیر انحصـار، اثرات جانبی تولیـد، مالکیت خصوصی و عواملی از این دسـت می‌تواند با اقتصـاد آزاد مقابله کند و آن را به اقتصادی انحصاری مبدل سازد.

دستور راه مقابله با تورم نیست

وی در ادامه یادآور شـد: معمـولا دولت‌ها برای مقابله با افزایش نرخ کالا و تورم، اقدام به سرکوب قیمت‌ها و تعیین دستوری نرخ می‌کنند تا کالاها با نرخ پایین‌تر به‌دست مردم برسند. این اقدام نه‌تنها تاکنون به تثبیت نرخ کالاها کمکی نکرده، بلکه خود به عاملی برای جهش تقاضا و التهاب بیشتر بـازار، رانـت، دلال‌بازی و خروج بازار از فرآیند طبیعی خود تبدیل شده است.

دلار و خودرو؛ قربانی دستور

ایـن اسـتاد دانشـگاه، ضمـن انتقاد از اعمال سیاسـت قیمت‌گذاری دستوری در ایران تصریح کرد: در واقع همین قیمت‌گذاری دستوری کافی است تا شاهد ۲ نرخ کالا در بازار باشـیم؛ یکی نرخ دولتی و دیگری نرخ بازار؛ از همین نقطه است که درهای دلالی و رانت به سود عده‌ای فرصت‌طلب باز می‌شود که تاکنون مصادیق زیادی از این سوداگری نیز در بازارهای مختلف مشاهده شده است؛ به‌عنوان‌مثال، یکی از نمونه‌های شکست‌خورده این شیوه طی دوره‌های مختلف، قیمت‌گذاری دسـتوری در بازار خودرو و دلار بوده؛ اگرچه تولیدکننده مجبور به سرکوب قیمتی شده اما نرخ‌ها در بازار به‌دلخواه دلال تعیین و به‌دست مصرف‌کننده رسیده است.

معایب اقتصاد دستوری

وی در تشریح معایب اقتصاد دستوری و تاثیر آن بر بازار گفت: قیمت‌گذاری دسـتوری علاوه بر تحمیل هزینه‌های سـنگین به تولیدکنندگان و عدم‌سوددهی مناسب، قدرت رقابت‌پذیـری تولیـد را نیز از بین بـرده و در نتیجه منجر بـه تعطیلـی یا ادامه تولید با ظرفیـت پایین واحدها و فرار سرمایه‌گذاری از بخش تولید شده است.

حق‌شـناس در ادامه خاطرنشان کرد: وقتی کالایی تولید می‌شـود و فرد قصد سـرمایه‌گذاری در آن بخش را دارد و دولـت با دخالت‌های خود، نـرخ آن کالا را تعیین می‌کند، در عمل حاشـیه سـود را برای سـرمایه‌گذار از بین می‌برد. سـرمایه‌گذار نیاز دارد، بداند نرخ کالا براساس ضوابط بازار تعیین می‌شـود و قیمت‌گذاری به‌صورت دسـتوری تعیین نمی‌شود.

رفع انحصار با اقتصاد آزاد

وی بـا تاکیـد بـر اینکـه در اقتصـاد دسـتوری ایران سـود بـه جیـب واسـطه‌ها مـی‌رود، گفـت: آزادسـازی قیمت‌ها و در کل، اقتصـاد آزاد باعث از بین رفتن رانت و انحصار می‌شـود. در اقتصاد دسـتوری و قیمت‌گذاری دولتی سـود عاید سوداگر می‌شود و مالیاتی هم نمی‌دهد و مصرف‌کننده هم مجبور به خرید از بازار آزاد است.

این اقتصاددان در ادامه متذکر شـد: وقتی قیمت‌گذاری در بازار، دسـتوری تعیین می‌شـود، تولیدکننده این نشانه را دریافـت می‌کنـد که تولید با ریسـک بیشـتر و سـود انتظاری کمتر همراه اسـت؛ بنابراین در بسـیاری از موارد، قیمت‌گذاری کالا و خدمات موجب کاهش رقابت، تضعیف تولید، تحکیم انحصار و البته کاهش رفاه جامعه می‌شود.

سخن پایانی

قیمت‌گذاری کالاها و خدمات براسـاس عرضه و تقاضا، معقول‌ترین و منطقی‌ترین روش موردانتظار اسـت که حداقل مشکلات و تبعات را برای زنجیره‌های تولید، اقتصاد و جامعه به‌همراه دارد. هر زمان در هر اقتصاد و کشوری که قیمت‌گذاری اجباری در دستور کار سیاست‌گذاران اقتصادی قرار گرفته، در کوتاه‌مدت به نبود شفافیت، ایجاد فساد و رانت منجر شده و در بلندمـدت کاهـش بهره‌وری در بنگاه‌های تولیدی، افول رقابت‌پذیری و در نهایت کاهش صادرات را به‌همراه داشـته اسـت، از این‌رو کارشناسـان اقتصادی پیشنهاد می‌کنند که اقتصاد کشور از حالت غیرآزاد به‌سمت اقتصاد آزاد میل کند، اما بهترین حالت اقتصاد بازار در کشورها، اقتصاد تعادلی یا همان مختلط است. در اقتصاد تعادلی، علاوه بر نظام عرضه و تقاضا، سیاست‌های دولت نیز در کاهش نوسانات بازار مداخله می‌کند.

نوبت اول
۵۸۷ م الف

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون ماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شـماره ۱۴۰۱/۱۰/۱۳ - ۱۴۰۱۶۰۳۲۴۰۰۱۰۰۵۰۹۹ مـورخ ۱۴۰۱/۱۰/۱۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندر گناوه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای غالب علی‌زاده فرزند سبزعلی به شـماره شناسـنامه ٤ کدملی ۳۵۳۹۷۸۲۶۷۲ صادره از گناوه را نسـبت به ششدانگ عرصه و اعیان یک باب خانه به مسـاحت ۲۱۰/۸۰ مترمربع در قسـمتی از پلاک ۹۱۷ اصلی واقع در امامزاده گناوه خریداری مع‌الواسطه از آقای نظام امیری و شرکاء محرز گردیده است. لذا بـه منظـور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شـود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض داد خواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به مراجع ذیصلاح قضایی نمی‌باشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۱۰/۲۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۱۱/۰۹

محمد چهابدار، رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان گناوه

تاکید فعالان اقتصادی با اشاره به مزایای اقتصاد آزاد:

تغییر مسیر یک‌شبه ممکن نیست

بسیاری از فعالان اقتصادی معتقدند اقتصاد آزاد انتخاب و به بیان دقیق‌تر اولویت نظام اقتصادی است اما با توجه به شرایط اقتصادی کشور که مردم در تامین کالاهای اساسی و معیشت خود با مشکل مواجه هستند، پیاده‌سازی این نوع اقتصاد در کشور بسیار سخت خواهد بود. بااین‌همه در میان سیستم‌های اقتصادی تعریف‌شده در دنیا یکی از بهترین و ایده‌آل‌ترین سیستم‌ها را می‌توان نظام اقتصاد بازار یا اقتصاد آزاد دانست.

نظامی که در آن تمامی تصمیمات اقتصادی توسط فعالان بازارهای مختلف اتخاذ می‌شود و از تعامل بین افراد و بنگاه‌های اقتصادی در جامعه نحوه تخصیص کالاها و منابع در اقتصاد تعیین می‌شود.



عکس: صمت

مسئولان اقتصادی ما معتقدند در شرایط تحریم نمی‌توان به آموزه‌های کلاسیک علم اقتصاد بسنده کرد اما این سخن مثل این است که بگوییم زمانی که زلزله و سیل می‌آید، قوانین علم فیزیک عمل نمی‌کند

ویژگی‌های اقتصاد بازار

اقتصاد بازار دارای چند ویژگی بسیار مهم است. از جمله اینکه افراد کالاها و خدماتی را خریداری می‌کنند که متقاضی آن هستند و پول کافی برای خرید آن دارند.

بنابراین در این نظام است که پول به عنوان یک عنصر ضروری برای زندگی مطرح می‌شود. اهمیت پول در اقتصاد باعث می‌شود تا مردم اقدام به خرید و فروش انواع کالاها کنند و حداکثرسازی سود به عنوان اصلی‌ترین هدف فعالیت اقتصادی معرفی شود.

در این نظام اقتصادی تامین نیازهای اجتماعی کمتر از کسب سود اقتصادی اهمیت دارد و از آنجا که هر کس برای کسب حداکثر درآمد تلاش می‌کند، این‌طور تعبیر می‌شود که ثروتمندان و فقرا در شرایطی زندگی می‌کنند که نتیجه تلاش‌های آنهاست و هر فردی به شرایطی در زندگی می‌رسد که لیاقت آن را دارد.

از دیگر نظام‌های اقتصادی می‌توان به نظام اقتصاد متمرکز یا دولتی اشاره کرد که در آن دولت به عنوان کنترل‌کننده فضای اقتصادی کار می‌کند. قوانین توسط دولت وضع می‌شود و تنها توسط این ارگان امکان حذف آن وجود دارد.

در این فضای اقتصادی، بازار نقش کمی دارد و از تغییرات عرضه و تقاضا نمی‌توان به پیش‌بینی در مورد تصمیمات سرمایه‌گذاری آینده یا سیاست‌های تولیدی آتی رسید. درواقع این دولت یا ارگان دولتی حاکم بر اقتصاد است که می‌گوید کجا سرمایه‌گذاری شود و سرمایه‌ها در جهت تامین منافع چه کسانی صرف شود.

در این نظام اقتصادی اغلب فساد مالی بسیار زیاد است ولی جریان سرمایه‌ها به سمتی است که مقامات دولتی تعیین می‌کنند و بعضاً هم تصمیمات سیاسی در این جهت‌گیری اثرگذار است. در این فضای اقتصادی افراد درآمدهای کمی دارند ولی اختلاف درآمد افراد با توانایی‌های مختلف چندان زیاد نیست. در این نظام انگیزه فعالیت اقتصادی کمتر است زیرا بوروکراسی به اندازه‌ای زیاد است که تعداد کمی از مردم فرصت ثروتمند شدن را به‌دست می‌آورند. انگیزه نوآوری و تولید کمتر و اختلاف طبقاتی هم کمتر است. به دلیل اینکه بوروکراسی در این نظام زیاد است و دولت در مورد هر فعالیت اقتصادی تصمیم‌گیری می‌کند تعامل اقتصادی و تجاری در این نظام با دنیا کم است و نرخ رشد اقتصادی و صنعتی هم کمتر از دیگر کشورهاست.

راه صحیح، تجارت آزاد است



موسی غنی‌نژاد؛ اقتصاددان: راه برون‌رفت از فشار اقتصادی ناشی از تحریم‌ها، بازگشت به آموزه‌های علم اقتصاد است. مسئولان اقتصادی ما معتقدند که در شرایط تحریم نمی‌توان به آموزه‌های کلاسیک علم اقتصاد بسنده کرد اما این سخن مثل این است که بگوییم زمانی که زلزله و سیل می‌آید، قوانین علم فیزیک عمل نمی‌کند. نظر کارشناسی نظری متکی به علم است و علم در همه شرایط صدق می‌کند و ازقضا در شرایط غیرعادی باید بیشتر به آن اتکا کرد.

شرایط دشوار کنونی اقتصاد ما محصول دو عامل است؛ نخست سیاست‌های اقتصادی نادرستی که در گذشته اتخاذشده و دیگری تشدید تحریم‌ها. البته ۴۰ سال است که ما با تحریم روبه‌روییم و وضعیت کنونی را باید بیشتر متأثر از سیاست‌های نادرست دانست؛ سیاست‌های غلطی که از اقتصاد دولتی و یارانه‌ای نشات می‌گیرد و ناگزیر به تلاطم و تورم در ارز منجر می‌شود. کسری بودجه‌های مزمنی که دولت همواره با آن مواجه بوده، ناشی از اقتصاد دولتی و سیاست‌های یارانه‌ای به تولید، مصرف و سایر بخش‌هاست. یارانه‌ها حجم کسری بودجه را زیاد می‌کند و وقتی دولت این کسری را از منابع بانکی تأمین کند، تورم را به دنبال دارد. در کنار این‌ها تسهیلات تکلیفی به بخش‌هایی که فاقد کارایی‌اند و مؤسسات اعتباری که اخیراً بزرگ‌شده و تورم ایجاد کرده و خودشان هم غیب شده‌اند را هم در نظر بگیرید.

هرگاه تورم افزایش پیدا می‌کند و فشار بیشتری به مردم وارد می‌شود، دولت شروع به سرکوب قیمت‌ها و نرخ ارز می‌کند زیرا تصور می‌کند که با واردات و کاهش دادن نرخ ارز تورم کاهش می‌یابد. اما نتیجه این تلاش‌های دولت برعکس است؛ سرکوب بازارها و تثبیت نرخ ارز کاهش تولید را به دنبال دارد چون تولید دیگر به‌صرفه نیست و این موضوع موجب رکود تورمی می‌شود و همه این‌ها ناشی از نادیده گرفتن مبانی علم اقتصاد و غفلت از نظرات کارشناسان است.

این سیاست داخلی است که ما را به اینجا رسانده و روند تورمی را به دنبال دارد.

تورم به معنای تضعیف قدرت خرید پول است. با کاهش قدرت خرید پول ملی، ارزهای خارجی گران‌تر می‌شود و درنتیجه نمی‌توان با سرکوب دولتی ارزش ریال را حفظ کرد؛ ارزش ریال باسیاست‌های توسعه نقدینگی به باد رفته و دیگر نمی‌توان زمان را به عقب برگرداند.

در شرایط دشوار اقتصادی دو راه‌حل وجود دارد: یکی راه‌حل دولتی و دیگری راه‌حل کارشناسی. راه‌حل دولتی یعنی کنترل قیمت‌ها و سرکوب بازارهاست که کاهش تولید و رکود تورمی را به دنبال دارد. اما راه‌حل کارشناسی، اتکا به قوانین علم اقتصاد است؛ اینکه هرچه تجارت، چه تجارت داخلی و چه تجارت خارجی، را تشویق کنید باعث رونق تولید می‌شود.

تحریم‌های بیرونی تجارت خارجی ما را دچار مشکل کرده و سیاست‌های داخلی هم تجارت داخلی را مختل کرده است.

در این شرایط درست‌ترین سیاست، سیاست تجارت آزاد است تا فعالان اقتصادی هم در فضای داخل و هم خارج از کشور آزادانه فعالیت کنند. در راستای همین آزادی، کالاهای آنها نباید قیمت‌گذاری شود.

علم اقتصاد می‌گوید وقتی در شرایط دشوار قرار می‌گیرید، درزمینه تجارت آزاد وارد عمل شوید. با جلوگیری از صادرات پیاز فکر می‌کنند نرخ این محصول کاهش پیدا می‌کند اما این اشتباه است و راه صحیح آن است که تجارت آزاد شود و بعد ببینید تاجران چه می‌کنند؛ تاجران می‌توانند پیاز را از مرزهای غربی به بهای ۱۵ هزار تومان صادر کنند و این محصول را از مرزهای شرقی به نرخ ۱۵۰۰ تومان وارد کشور کنند و درنهایت نرخ متعادل می‌شود.

اقتصاد آزاد یک‌شبه اجرا شدنی نیست



فریال مستوفی- فعال اقتصادی: زمانی که کشوری در جنگ نظامی است تمام تلاش خود را می‌کند تا از وسایل و تجهیزات نظامی‌اش به نحو مطلوب استفاده کند. اما وقتی همان کشور در صلح است، زیرساخت‌های نظامی‌اش را تقویت می‌کند.

در وضعیت امروز کشور ما که به جنگ اقتصادی شبیه شده است، فرصت اجرای برنامه‌های بلندمدت نیست. وضعیت حاد امروزی می‌طلبد تا از هرگونه برنامه‌ریزی طولانی‌مدت دوری کرد و اقدامی انجام داد که در کوتاه‌مدت و میان‌مدت متناسب با شرایط روز کشور نتیجه‌بخش باشد. بدون شک پرداختن به اقتصاد آزاد در شرایطی که به دنبال پیشرفت کشور و رشد اقتصادی مناسب هستیم یک ضرورت محسوب می‌شود.

تجربه در دنیا نشان داده کشورهایی که اقتصاد آزاد دارند به‌مراتب پیشرفته‌تر از کشورهایی هستند که اقتصاد آنها بسته است. اقتصاد دستوری در هیچ شرایطی مثبت عمل نمی‌کند؛ اما چگونه می‌توان در این شرایط اقتصاد آزاد را در کشور پیاده کرد؟

پاسخ روشن است. ابتدا باید زیربناهای اقتصاد کلان را در کشور درست کرد.

اگر در کلام گفته شود اقتصاد کشور آزاد است یا می‌تواند آزاد باشد اما در عمل شاهد دخالت دولت در همه حوزه‌ها باشیم، نمی‌توان این نوع اقتصاد را در کشور پیاده کرد.

بلکه باید زیربناهای اقتصاد را دگرگون کرد که روندی طولانی‌مدت است. نمی‌توان یک‌شبه تصمیم بگیریم اقتصاد دولتی را در کشور به اقتصاد آزاد تغییر دهیم.

بهره‌گیری از تجربه کشورهای پیشرفته، از دیگر نکاتی است که متاسفانه در کشور ما کمتر به آن توجه می‌شود.

ممکن است نتوان اقتصاد آزاد را تمام و کمال در ایران پیاده کرد، اما کشوری مانند چین که اقتصاد دولتی دارد، به حدی مطلوب برنامه‌ریزی می‌کند و استراتژی‌های خود را تعیین کرده که اقتصاد دولتی آن به اقتصاد آزاد تبدیل‌شده است.

متاسفانه احساس من این است که هیچ‌گاه در کشور برنامه‌ریزی صحیحی نداشتیم و دولت هم هیچ زمان اقتصاددانان را قبول نداشته است.

واگذاری امور اجرایی به بخش خصوصی



محمدرضا انصاری- فعال اقتصادی: در شرایط فعلی اگر دولت بخواهد با توان محدود خود تصدی‌گری‌اش را افزایش دهد و مسئولیت‌هایی را قبول کند که درواقع در حیطه اختیارات او نیست، ازیک‌طرف گرفتار ناتوانی نظام دولتی و فقدان مسئولیت در عوامل دولتی خواهد شد و از طرف دیگر باید شاهد شکل‌گیری فساد در بدنه دولت باشیم.

با توجه به شرایط فعلی تحریم‌ها، می‌طلبد تا دولت با به‌اصطلاح سبک کردن خود و واگذاری امور اجرایی به خارج از بدنه خودش، یعنی مردم و بخش خصوصی، قدرت مدیریتی و نظارتی خود را بالاتر ببرد.

دولت نباید از ظرفیت ارزشمند نیروهای مردمی غافل بماند؛ به‌خصوص در شرایط تنگنا که باید ارتباط بین دولت و مردم را قوی‌تر از هر زمان دیگری پیش برد.

اقتصاد آزاد را فراتر از معنای آن باید در بستر شرایط تعریف کرد.

بااین‌حال نباید فراموش کرد در بسیاری از مواقع خود همین اقتصاد آزاد منجر به لجام‌گسیختگی خواهد شد.

همان‌طور که در سال ۲۰۰۸، شاهد ایجاد بحران در آزادترین اقتصاد جهان بودیم؛ بنابراین اقتصاد آزاد را نباید به معنای لجام‌گسیختگی دانست که بخش خصوصی هر آنچه مدنظر داشت، انجام دهد.

سخن پایانی

بسیاری از کارشناسان معتقدند در میان سیستم‌های اقتصادی تعریف‌شده در دنیا یکی از بهترین و ایده‌آل‌ترین سیستم‌ها را می‌توان نظام اقتصاد بازار یا اقتصاد آزاد دانست. نظامی که در آن تمامی تصمیمات اقتصادی توسط فعالان بازارهای مختلف اتخاذ می‌شود و از تعامل بین افراد و بنگاه‌های اقتصادی در جامعه نحوه تخصیص کالاها و منابع در اقتصاد تعیین می‌شود. در این نظام افراد در مورد نحوه سرمایه‌گذاری و مصرف کالاهای مختلف تصمیم‌گیری می‌کنند و درواقع این مردم هستند که کلید تمامی فعالیت‌های اقتصادی و موفقیت‌های اقتصادی هستند. بااین‌همه برخی معتقدند نمی‌توان این تغییر مسیر را یک‌شبه پیمود و برخی دیگر باور دارند این تغییر مسیر روزی و از جایی باید آغاز شود.

دریچه

مزایا و معایب یک نظام اقتصادی

برای روشن‌تر شدن اختلاف این دو نظام اقتصادی می‌توان به ارائه گزیده‌ای از مزایا و معایب نظام اقتصادی آزاد یا بازار محور پرداخت. از مهم‌ترین مزایای نظام اقتصاد آزاد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- جریان سرمایه‌ها و دارایی‌ها در این نظام اقتصادی به سمتی است که بیشترین نرخ بازگشت سرمایه را دارد و درنتیجه باگذشت زمان مجموع سرمایه‌های در گردش در اقتصاد رشد می‌کند و به دنبال آن اقتصاد توسعه پیدا می‌کند و به حداکثر بزرگی ممکن خود می‌رسد. این نظام فرصت رشد اقتصادی را بیشتر می‌کند و به دنبال آن زمینه را برای توسعه اقتصاد و بزرگ‌تر شدن ارزش تولید ناخالص داخلی فراهم می‌آورد.

۲- در این نظام عرضه و تقاضا کاملا به هم مرتبط هستند. فردی که ایده خوبی دارد یا محصول خوبی تولید می‌کند به‌سرعت می‌تواند این ایده جدید یا محصول مدرن را به بازار مصرف عرضه کند و به دنبال آن، کالا در معرض دید و استفاده افرادی قرار می‌گیرد که مصرف‌کننده بالقوه آن هستند. از طرف دیگر زمانی که یک کالای خاص توسط افرادی تقاضا می‌شود -تعداد افراد به‌اندازه کافی زیاد است که بتوان آن کالا را تولید انبوه کرد- دیگر تردیدی برای وارد شدن سرمایه‌ها به این حوزه و کسب سود از محل ایجاد خط تولید و سرمایه‌گذاری در آن وجود ندارد.

۳- در اقتصاد بازاری، فردی که توانایی و پشتکار داشته باشد به‌سرعت می‌تواند زندگی بهتری برای خود ایجاد کند زیرا در چنین فضای اقتصادی تبدیل کردن کار زیاد، پشتکار و تلاش به سرمایه فیزیکی و ثروت مادی ساده‌تر است و سرعت ثروتمند شدن افراد دارای ایده‌های نو بسیار بیشتر از دیگر نظام‌های اقتصادی است.

۴- رقابت بین بنگاه‌های اقتصادی مختلف در جهت حداکثر کردن راندمان فعالیت اقتصادی بسیار زیاد است و واحدهای تولیدی و صنعتی برای کم کردن هزینه‌ها و افزایش راندمان فعالیت اقتصادی از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند.

۵- در چنین فضای اقتصادی انگیزه برای ایجاد روش‌های تولید خلاقانه بیشتر است زیرا تمامی بنگاه‌ها به فکر این هستند که کالاهای جدیدی را با روش‌های کم‌هزینه تولید کنند.

۶- در این فضای اقتصادی سرمایه‌گذاری خارجی بیشتر است زیرا فرصت رشد اقتصادی و سودآوری هم بیشتر است و تعامل اقتصادی و تجاری این کشور با دنیای خارج بیشتر است زیرا کالاهای بیشتر و نوآورانه‌تری برای عرضه دارد.

۷- اندازه، قدرت و هزینه بوروکراسی دولتی در این نظام اقتصادی کمتر است زیرا فعالیت‌های مختلفی که در اقتصادهای بسته و دولتی وظیفه دولت است به بخش خصوصی واگذارشده و قدرت بوروکراسی دولتی تحلیل رفته است.

۸- انواع مختلفی از کالاها و خدمات در بازار عرضه می‌شود و هر فردی می‌تواند مطابق باسلیقه خود خرید و مصرف کند.

۹- انگیزه کسب پول بیشتر و ارتقای استاندارد زندگی در این کشورها باعث می‌شود افراد بیشتری باسرعت اقدام به کسب مهارت‌های فنی و اجتماعی کنند که با کمک آن مهارت‌ها با سرعت بیشتری جذب بازار کار شوند.

▣ معایب نظام اقتصادی مبتنی بر بازار آزاد

از جمله معایب این نظام اقتصادی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- اولویت‌های سرمایه‌گذاری به سمت سرمایه‌گذاری در حوزه‌هایی است که سودآوری بیشتری دارد نه اینکه سرمایه‌ها در بخش‌هایی صرف شود که بیشترین منافع را برای جامعه داشته باشد یا بیشترین تقاضا در جامعه برای آنها وجود داشته باشد.

۲- در این شرایط اقتصادی فضای کار سخت‌تر می‌شود و افرادی می‌توانند در جامعه کار کنند که مهارت‌های بیشتر، تحصیلات بالاتر و توانایی‌های بیشتری دارند. این افراد درآمدهای زیادی به‌دقت می‌آورند و در مقابل افراد دیگر دستمزدهای اندکی کسب می‌کنند. درنتیجه فاصله‌های موجود در فضای اقتصادی زیادتر می‌شود.

۳- افزایش نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی یکی دیگر از معایب است. در این فضا ثروتمندان با سرعت زیادی رشد می‌کنند و فقرا توان لازم برای رشد با سرعت بالا را ندارند و همین مسئله سبب می‌شود فاصله آنها هرروز بیشتر شود.

بااینکه ویژگی‌های اقتصاد آزاد بسیار ایده‌آل است و اقتصاد را به سمت رشد و توسعه هدایت می‌کند ولی ایجاد این فضای اقتصادی ایده‌آل بسیار دشوار است. به همین دلیل بسیاری از اقتصاددانان پیشنهاد می‌کنند نظام اقتصادی مختلط در کشور اجرا شود. نظامی که دولت‌ها در تخصیص منابع اقتصادی و توزیع ثروت نقش داشته باشند ولی افراد و بنگاه‌های اقتصادی به فعالیت در فضای اقتصادی و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مشغول باشند.

نوبت دوم
شناسه آگهی ۱۴۳۴۳۸۶

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی قائم‌شهر

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰، املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی قائم‌شهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به‌شرح ذیل آگهی می‌گردد:

۱- املاک متقاضیان واقع در قریه چمنان پلاک ۲۶ اصلی بخش ۱۶ ۸۰۷۰ فرعی به‌نام آقای **رجبعلی فقیهی** نسبت به‌ششدانگ یک قطعه‌زمین که در آن احداث بنا شده‌است به‌مساحت ۳۸۵.۴۶ مترمربع خریداری مع‌الواسطه از آقای **غلامحسین فقیهی مالک رسمی**.

لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی/ کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی، برای هیات الصاق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه ننماید اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین‌نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی با رای هیات پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدود، مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت همزمان به اطلاع عموم می‌رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدود، واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می‌نماید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۱۰/۲۴

یونس قصابی، سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان قائم‌شهر

شنبه
۲۴ دی ۱۴۰۱- ۲۱ جمادی‌الثانی ۱۴۴۴ - ۱۴ ژانویه ۲۰۲۳- شماره ۲۲۴۴-پیاپی۳۵۶۲

صمت
صنعت معدن تجارت

منشور اخلاق حرفه‌ای روزنامه‌نگاری در روزنامه صمت: www.smtnews.ir/about.html

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی و مطبوعاتی «صمت»
مدیرمسئول: ناصر بزرگمهر
سردبیر:عاطفه خسروی

سازمان آگهی‌ها: ۸۸۷۲۲۷۳۲ - ۰۹۹۹۹۱۹۵۷۶۱
ایمیل آگهی‌ها: ads.smtnews@gmil.com
تلفن: ۸۲۱۹۰ - نمابر:(داخلی-۱۰۴) پیامک: ۳۰۰۰۸۲۱۹۰
امور مشترکین: ۸۸۷۲۲۷۳۵ - روابط عمومی: ۸۸۱۰۵۳۰۹
توزیع و سازمان شهرستان‌ها: ۸۸۷۲۲۷۳۵
تهران، خیابان قائم‌مقام فراهانی - کوچه آزادگان شماره ۲۶ - کد پستی ۱۵۸۶۷۳۳۸۱۱
روابط عمومی: pr@smtnews.ir
امور استان‌ها: ostanha@smtnews.ir
چاپخانه: هنر سرزمین سبز

www.smtnews.ir info@smtnews.ir
telegram.me/smtnews instagram.com/smtnewspaper
tozi.smtnews@gmail.com

روزنامه صمت با رتبه ۱
در میان روزنامه‌های تخصصی مقام ۱
در میان روزنامه‌های اقتصادی مقام ۲

عضو انجمن مدیران روزنامه‌های غیردولتی
عضو انجمن مدیران رسانه
عضو تعاونی مطبوعات

کارتون روز



بدون شرح

طرح: حسین علیزاده

سایه کمرنگ دولت در اقتصاد بازار



بازار آزاد یک سیستم اقتصادی مبتنی بر عرضه و تقاضا با کنترل اندک یا بدون کنترل دولت است.

این یک توصیف خلاصه از همه مبادلات داوطلبانه است که در یک محیط اقتصادی معین انجام می‌شود. بازارهای آزاد بانظم خودبه‌خود و غیرمتمرکز ترتیباتی مشخص می‌شوند که از طریق آن افراد تصمیمات اقتصادی می‌گیرند. بر اساس قوانین سیاسی و حقوقی آن، اقتصاد free-market یک کشور ممکن است بین بسیار بزرگ یا کاملا غیرقانونی باشد.

درک عمیق‌تر بازار آزاد

اصطلاح «بازار آزاد» گاهی اوقات مترادف سرمایه داری آزاد نیز استفاده می‌شود. وقتی بیشتر مردم درباره «بازار آزاد» بحث می‌کنند، منظورشان اقتصادی با رقابت، بدون مانع وفقط معاملات خصوصی بین خریداران و فروشندگان است. بااین حال، یک تعریف فراگیر تر باید شامل هر فعالیت اقتصادی داوطلبانه تازمانی که توسط مقامات مرکزی اجباری کنترل نشود، باشد. بااستفاده از این توصیف، سرمایه داری آزاد و سوسیالیسم داوطلبانه هر کدام نمونه‌هایی از free-market هستند، حتی اگر بازار آزاد شامل مالکیت مشترک بر وسایل تولید باشد. ویژگی مهم، عدم تحمیل یا محدودیت‌های اجباری در مورد فعالیت اقتصادی است. اجبار در یک بازار آزاد فقط ممکن است با توافق دوجانبه قبلی در یک قرارداد داوطلبانه، (مانند راه‌حل‌های قراردادی که توسط قانون جرم اجرا می‌شود)، رخ دهد. به عبارت بسیار ساده‌تر free-market نوعی از سیستم اقتصادی است که توسط نیروهای بازار عرضه و تقاضا کنترل می‌شود، برخلاف سیستمی که توسط کنترل‌های دولتی تنظیم می‌شود. در طیفی این تعریف، مخالف اقتصاد دستوری است، اقتصاد دستوری جایی که یک سازمان دولتی مرکزی، عوامل تولید و استفاده از منابع را بر نامه‌ریزی می‌کند و قیمت‌ها را تعیین می‌کند. در یک بازار آزاد، شرکت‌ها و منابع متعلق به افراد یا نهادهای خصوصی هستند که آزادند با یکدیگر معامله کنند. اقتصاددانان free-market را بازاری تعریف می‌کنند که در آن محصولات توسط خریدار و فروشنده‌ای مشتاق مبادله می‌شود. خرید خوار و بار با نرخ معینی که کشاورز مزرعه تعیین می‌کند نمونه خوبی از مبادلات اقتصادی است. پرداخت حقوق ماهانه به کارگر یکی دیگر از مواردی است که مبادله اقتصادی اتفاق می‌افتد. در یک اقتصاد بازار آزاد یا خالص، فروشندگان کالاهای مختلف باهیچ‌مانعی روبه‌رو نیستند و می‌توانند هر محصولی را که می‌خواهد به هر قیمتی بفروشند. با این حال، در دنیای واقعی، چنین سیستم اقتصادی به‌ندرت وجود دارد. تعرفه‌های اعمال شده بر واردات و صادرات و محدودیت‌های قانونی همگی موانعی برای free-market هستند. به‌طور کلی، اقتصادهای سرمایه داری که توسط بیشتر دموکراسی‌ها، از جمله ایالات متحده تاسیس شده‌اند، سیستم‌های مختلطی هستند که از اجزای بازار آزاد و اقتصاد دستوری تشکیل شده‌اند.

ویژگی‌های بازار آزاد

اقتصاد بازار آزاد با موارد زیر مشخص می‌شود:

۱. مالکیت خصوصی منابع

اقتصادهای آزاد به این دلیل وجود دارند که بخش قابل توجهی از منابع متعلق به افراد یا شرکت‌های بخش خصوصی است و نه یک سازمان دولتی مرکزی. به این ترتیب مالکان بر وسایل تولید، تخصیص و مبادله محصولات کنترل کامل دارند. آنها همچنین عرضه نیروی کار را کنترل می‌کنند.

۲. بازارهای مالی پررونق

یکی از عوامل کلیدی که به موفقیت اقتصاد free-market کمک می‌کند، حضور مؤسسات مالی در بازارهای مالی است. بانک‌ها و کارگزاری‌ها به گونه‌ای وجود دارند که به افراد و شرکت‌ها ابزاری برای مبادله کالاها و خدمات و ارائه خدمات سرمایه‌گذاری می‌دهند. سپس مؤسسات مالی با دریافت سود یا کارمزد تراکنش‌ها سود می‌کنند.

۳. آزادی مشارکت

یکی دیگر از ویژگی‌های اقتصاد بازار آزاد این است که هر فردی می‌تواند در آن شرکت کند. تصمیم برای تولید یا مصرف یک محصول خاص کاملا داوطلبانه است. این بدان معناست که شرکت‌ها یا افراد می‌توانند هر چقدر که می‌خواهند محصولی را تولید یا خریداری کنند.

مزایای بازار آزاد

فقدان نفوذ دولت به شرکت‌ها و افراد طیف وسیعی از آزادی را می‌دهد.

۱. آزادی نوآوری

در اقتصاد بازار آزاد، صاحبان مشاغل از آزادی ارائه ایده‌های جدید بر اساس نیازهای مصرف‌کنندگان برخوردار هستند.

آنها می‌توانند محصولات جدید ایجاد کنند و خدمات جدیدی را در هر زمانی که بخواهند ارائه دهند. به این ترتیب، کارآفرینان به‌ندرت به سازمان‌های دولتی برای اطلاع‌رسانی نیازهای مصرف‌کنندگان متکی هستند.

کارآفرینان تحقیقات خود را انجام می‌دهند و روندهای محبوب را شناسایی می‌کنند. نوآوری در بین شرکت‌های خصوصی مختلف می‌تواند منجر به رقابت شود زیرا هر شرکتی سعی می‌کند ویژگی‌های محصولات خود را بهبود بخشد.

۲. مشتریان انتخاب‌ها را هدایت می‌کنند

با یک سیستم اقتصادی بازار آزاد، این مصرف‌کنندگان هستند که تصمیم می‌گیرند کدام محصولات موفق شوند و کدام یک شکست بخورند. هنگامی که دو گزینه از محصولات ارائه می‌شود، مصرف‌کننده ویژگی‌های هر کدام را ارزیابی می‌کند و هر کدام را که می‌خواهد انتخاب می‌کند، در حالت ایده آل گزینه‌ای را انتخاب می‌کند که ارزش بیشتری نسبت به پول پرداختی ارائه می‌دهد.

مصرف‌کننده تا حد زیادی بر نرخ تعیین شده برای یک محصول نیز تاثیر می‌گذارد. به این ترتیب، تولیدکنندگان باید بین قیمتی که برایشان سود می‌آورد، تعادل ایجاد کنند (قیمت تعادل)، اما هنوز برای مشتریان معمولی مقرون‌به‌صرفه است.

معایب بازار آزاد

اقتصاد آزاد با وجود مزایایی که دارد، معایبی نیز دارد:

۱. خطرات ناشی از انگیزه‌های سود

یکی از معایب اقتصاد free-market این است که برخی از تولیدکنندگان منحصرا با انگیزه‌های سودآوری خود هدایت می‌شوند. حتی اگر هدف اولیه هر کسب‌وکاری ایجاد سود باشد، چنین هدفی نباید بر نیازهای کارگران و مصرف‌کنندگان اولویت داشته باشد.

به زبان ساده، یک شرکت هرگز نباید ایمنی کارگران خود را به خطر بیاندازد یا استانداردهای محیطی و رفتار اخلاقی را نادیده بگیرد تا بتواند سودهای فوق‌العاده‌ای به‌دست آورد.

یک مثال در اوایل دهه ۲۰۰۰ اتفاق افتاد، زمانی که رفتارهای غیراخلاقی در بین شرکت‌هایی مانند WorldCom و Enron رایج شد. در سال ۲۰۱۰، نشت نفت Deepwater Horizon، که یکی از بزرگ‌ترین بلایای زیست محیطی در ایالات متحده است، رخ داد، زیرا این شرکت از سیمان نامرغوب و سایر اقدامات برای کاهش هزینه استفاده کرد.

۲. شکست بازار

در مواقعی، اقتصاد بازار آزاد می‌تواند از کنترل خارج شود و عواقب ناگواری در پی داشته باشد. نمونه‌های شکست بازار شامل رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ و سقوط بازار املاک و مستغلات است که در سال ۲۰۰۸ اتفاق افتاد. شکست‌های بازار می‌تواند منجر به پیامدهای مخربی مانند بیکاری، بی‌خانمانی و از دست دادن درآمد شود. تمام محدودیت‌ها در free-market از تهدیدهای ضمنی یا صریح استفاده می‌کنند. مثال‌های رایج عبارتند از: ممنوعیت مبادلات خاص، مالیات، مقررات، دستورات با شرایط خاص در بورس، الزامات صدور مجوز، نرخ‌های ارز ثابت، رقابت از طریق خدمات ارائه‌شده عمومی، کنترل‌های نرخ و سهمیه‌بندی در تولید، خرید کالا یا شیوه‌های استخدام کارمند. توجیهات رایج برای محدودیت‌های تحمیلی سیاسی بر بازارهای آزاد عبارتند از: ایمنی مصرف‌کننده، انصاف بین گروه‌های مختلف دارای مزیت یا محروم در جامعه و تامین کالاهای عمومی. توجیه ظاهری هرچه که باشد، شرکت‌های تجاری و سایر گروه‌های ذینفع در جامعه اغلب برای شکل دادن به این محدودیت‌ها به نفع خود در پدیده‌ای به نام رانت، لابی می‌کنند. وقتی رفتار بازار آزاد تنظیم می‌شود، دامنه free-market محدود می‌شود اما معمولا به‌طور کامل حذف نمی‌شود و مبادلات داوطلبانه ممکن است همچنان در چارچوب مقررات دولتی انجام شود.

برخی مبادلات نیز ممکن است با نقض قوانین و مقررات دولتی در مورد بازارهای غیرقانونی انجام شوند که ممکن است به نوعی نسخه زیرزمینی بازار آزاد تلقی شود. با این حال، free-market هنوز به شدت محدود است، زیرا در یک بازار غیرقانونی، رقابت اغلب به شکل درگیری خشونت‌آمیز بین گروه‌های رقیب تولیدکنندگان یا مصرف‌کنندگان در مقابل رقابت در بازار آزاد یا رقابت رانت جویانه از طریق سیستم سیاسی ظاهر می‌شود. در نتیجه، در یک بازار غیرقانونی، مزیت رقابتی به سمت کسانی سرازیر می‌شود که از مزیت نسبی در خشونت برخوردارند، بنابراین رفتار انحصاری یا انحصارطلبانه محتمل است و با بیرون راندن بازیگران ضعیف‌تر از بازار، موانع ورود زیاد است.

نظرگاه

دولت‌تصدی‌گری را رها کند



جمال رازقی‌جهرمی - کارشناس

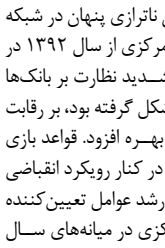
اقتصاد: منظور از دولتی شدن، یک اقتصاد کاملا چپ‌گرا و سوسیالیستی نیست که دولت همه امور را به‌دست گیرد؛ بلکه مشخصا مداخله دولت در توزیع کالاها و به‌اصطلاح کوپنی کردن اقتصاد است. دولت‌ها در شرایط مختلف، متفاوت عمل می‌کنند؛ مسلما سیاست‌های دوران جنگ و صلح، دوران رکود و رونق، با یکدیگر متفاوت است. ایران نیز شرایطی را می‌گذراند که از بیرون تحت فشارها و تحریم‌های بین‌المللی است و از داخل نیز به دلیل سیاست‌های نادرست گذشته وضعیت مطلوبی ندارد. عده‌ای باشاهد قرار دادن وضعیت اقتصادی در دوران جنگ تحمیلی، پیشنهاد دولتی شدن بیشتر اقتصاد و کوپنی شدن کالاها را ارائه داده‌اند و به گفته آنها اقتصاد بازار فاصله طبقاتی را بیش از پیش نمایان می‌کند. از سوی دیگر برخی از صاحب‌نظران معتقدند حرکت به سمت آزادسازی قیمت‌ها و اقتصاد آزاد راه چاره برون‌رفت از بحران اقتصادی بوده و دولت از طریق به‌دست آوردن منابع ناشی از آزادسازی قیمت‌ها می‌تواند یارانه به اقشار ضعیف پرداخت نماید. اما آنچه بدان توجه نشده این است که فعالیت دولت محدود به صفر و یک نیست که صرفا اقتصاد دولتی یا صرفا مبتنی بر بازار آزاد شود. در واقع مهم‌ترین دلیل پررنگ شدن دولت و گسترده شدن فعالیت‌هایش، شکست مکانیسم بازار بوده است. بنابراین نمی‌توان بین این دو حالت یکی را انتخاب کرد، بلکه بایستی طیفی از فعالیت‌های هر دو را در نظر گرفت. سال‌هاست اقتصاددانان توصیه می‌کنند که بایستی دولت کوچک‌تر و چابک‌تر شود و بنگاه‌داری را رها کرده و به وظایف اصلی خود در اقتصاد بپردازد. در اقتصاد بخش عمومی سه نقش مهم برای دولت‌ها در نظر گرفته می‌شود؛ نقش تخصیصی، تثبیتی و توزیعی. نقش تخصیصی استفاده از منابع موجود برای تولید کالاها و خدمات در اقتصاد است. نقش تثبیتی دولت به سیاست‌گذاری در ایجاد ثبات در اقتصاد از طریق نرخ تورم، اشتغال، تراز پرداخت‌ها و رشد اقتصادی می‌پردازد. نقش توزیعی تعدیل‌هایی است که دولت برای نزدیک نمودن وضعیت رفاه اقشار مختلف جامعه انجام می‌دهد. اگرچه نقش مهم دولت در اقتصاد قابل انکار نیست اما دولت بایستی به جای بنگاه‌داری و انجام وظایف تعریف نشده برای خود، بستر لازم را برای فعالیت بخش خصوصی فراهم نماید. وضع آشفته اقتصاد نشان از ۴۰ سال اتخاذ سیاست نادرست در کشور است که تحریم‌های بین‌المللی در این ۴ دهه آن را تشدید کرده است. کسری بودجه متوالی دولت و تامین آن از طریق منابع بانکی و تورم‌های بالاناشی از ناکارآمدی دولت است. از سوی دیگر سرکوب بازارها، دخالت در قیمت‌گذاری و پایین نگه‌داشتن دستوری نرخ ارز، سیاست‌های پولی و مالی نادرست، بزرگ‌تر شدن دولت و عدم نظارت صحیح باعث بروز فسادو رانت و نابرابری در کشور شده است. متاسفانه دولت به جای نظارت و کنترل در مواردی که منجر به رانت و از بین رفتن سرمایه‌های کشور می‌شود، کنترل قیمتی انجام داده و با اقدامات پلیسی اجازه رشد بخش خصوصی در فضای رقابتی را نمی‌دهد. علاوه بر تحریم‌ها و سایر مسائل اقتصادی و غیراقتصادی، یکی از مواردی که اقتصاد کشور را آسیب‌پذیر نموده، بدنه بزرگ دولت و وجود بنگاه‌های شبه‌دولتی است که اجازه حضور موثر بخش خصوصی واقعی را در اقتصاد گرفته است. دولت‌های گذشته و فعلی به بهانه خصوصی سازی اقتصاد، واگذاری شرکت‌های دولتی را به صورت رانتی انجام دادند و شرکت‌های دولتی با تغییر نام خصولتی شدند و به هیچ‌وجه نتوانست به کارآمدی و سوددهی آنها کمک کند. براساس آمارهای رسمی در خوش‌بینانه‌ترین حالت ۲۰ درصد واگذاری‌ها نصیب بخش خصوصی واقعی شده است. تجربه نشان داده که عرضه کالاها به صورت کوپنی و دونرخی باعث به‌وجود آمدن دلالی و بازار سیاه می‌شود. از سویی در کشورهای توسعه‌یافته نظام مبتنی بر بازار با حداقل دخالت دولت و حداکثر نظارت وی اجرا می‌شود. اقتصاد بازار رشد و شکوفایی اقتصادی را به همراه دارد و شکاف طبقاتی ایجاد شده ناشی از این نظام اقتصادی، از طریق وظیفه توزیعی دولت مرتفع می‌شود. بنابراین با توجه به آنچه گفته شد پیشنهاد می‌شود دولت از طریق آزاد کردن قیمت‌ها، سیاستی که سال‌ها قبل بایستی اتخاذ می‌شد، به واقعی نمودن بازار و رونق فعالیت بخش خصوصی کمک کند و از سوی دیگر با نظارت دقیق اجازه عدول از قانون را از همه فعالان بگیرد. همچنین به جای پرداخت یارانه پنهان، با درآمدی که از طریق آزادسازی قیمت‌ها کسب می‌نماید، با اجرای کامل و دقیق وظیفه توزیعی خود، اقشار آسیب‌پذیر جامعه را حمایت نماید. این سیاست شامل تک‌نرخی نمودن نرخ ارز و اتمام اختصاص ارز رانتی نیز است. بنابراین با توجه به آنچه گفته شد، دولت بایستی تصدی‌گری و بنگاه‌داری که هزینه‌های هنگفتی را به اقتصاد تحمیل کرده و به کسری بودجه‌های مزمن دامن زده را رها کرده و در عوض به سیاست‌های تنظیمی و توزیعی بپردازد.

دریچه

عوامل افزایش ناترازی بانک‌ها و افزایش تورم

در ماه‌های اخیر برخی از کارشناسان با فشار به دولت درصدد مجاب کردن دولت برای افزایش سنگین نرخ بهره بانکی هستند، این عده از کارشناسان معتقدند که تنها راه کنترل نرخ ارز در شرایطی که انتظارات تورمی بالاست افزایش نرخ بهره بوده و جز این راه دیگری برای کنترل بازار ارز و تورم وجود ندارد، اما بررسی‌های مهر نشان می‌دهد که یکی از عوامل همیشگی بالا رفتن نرخ تورم و به طبع آن نرخ ارز همین نرخ بهره بانکی است و افزایش نرخ بهره همیشه رشد نرخ ارز را به تعویق انداخته اما در عوض فنر آن را فشرده و در زمان کاهش نرخ بهره بعد از یک سیاست شدید انقباض پولی باعث چند برابر شدن نرخ ارز خواهد شد.

ریشه افزایش نرخ بهره چیست؟



علی صادقین کارشناس ارشد اقتصادی در گفت‌وگو با مهر با بیان اینکه باید دید ریشه افزایش نرخ بهره چیست؟، گفت: در یک سال گذشته شاهد افزایش رشد پایه پولی، رشد نقدینگی و به تبع آن پمپاژ پول در اقتصاد بودیم و در سه ماه گذشته یک اتفاق بدتری نیز اضافه شد که نسبت پول به شبه پول یا سپرده دیداری به سپرده غیردیداری شروع به افزایش کرده و این به معنای این است سپرده‌های مدت‌دار از بانک‌ها خارج شده و سپرده‌های کوتاه مدت و آماده نقد شوندگی به‌دست مردم و جامعه رسید و این منجر به ورود پول به بازارهای سفته‌بازی مانند ارز، مسکن، طلا، خودرو شد تا ریال تبدیل به یک دارایی با دوام شد.

صادقین افزود: این فشار را برای بازارهای دلاری محور و انتظارات تورمی تشدید کرده و سیاست‌گذاران را منجر به افزایش نرخ بهره کرد، منتهی این اثر بزرگ برای بازار سرمایه در سال‌های گذشته دیده می‌شود. زمانی که نرخ بهره‌های بدون ریسک، چه در قالب اوراق و چه در قالب سپرده بانکی افزایش می‌یابند، هزینه‌های تولید بالا می‌رود و حاشیه سود شرکت‌ها کاهش می‌یابد، به نوعی منجر به تورم تولیدکننده هم می‌شود.

این کارشناس اقتصادی تشریح کرد: نکته دوم این است که بازار پول همیشه رقیب بازار سرمایه است، به بیان دیگر بسیاری از صنایع به جز صنایعی مانند پتروشیمی حاشیه سود کمتری از ۲۵ درصد داشته و افزایش نرخ بهره به جای ورود تامین زنجیره ارزش و ورود به بخش‌های تولیدی وارد بازار بهره بدون ریسک شود و تداوم این سیاست می‌تواند باعث رکود در اقتصاد و بازار سرمایه شود مخصوصاً اینکه نرخ بهره بالای ۲۷ درصد تثبیت شود، به‌عنوان مثال این سیاست در سه سال اول دولت روحانی انجام شده و باعث رکود در اقتصاد به ویژه رکود در بازار سرمایه است.

صادقین در پایان گفت: راهکار کنترل نرخ ارز، نرخ تورم بوده و راهکار کنترل نرخ تورم کنترل نقدینگی است، انضباط پولی، پمپاژ نقدینگی متناسب با رشد اقتصادی، جلوگیری از ناترازی بانک‌ها می‌تواند به کنترل نرخ ارز و نرخ تورم کمک شایانی کند.

گزارش مرکز پژوهش‌ها

یکی از عواملی که باعث افزایش ناترازی بانک‌ها خواهد شد، افزایش نرخ بهره است، در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در این باره آمده است: «ناترازی پنهان در شبکه بانکی در سال ۱۳۹۶ بیش از هرچیز، به بازی شکل گرفته بین بانک‌ها از ابتدای آزادسازی سیستم بانکی باز می‌گردد که در قالب آن نرخ بهره بانکی در اثر رقابت کنترل نشده بانک‌ها افزایش یافته و دچار چسبندگی شده است. درواقع «توسعه بانکداری خصوصی در فقدان حکمرانی مناسب پولی و بانکی» را باید ریشه اساسی ناترازی پنهان در شبکه بانکی ایران دانست. سیاست انقباضی دولت و بانک مرکزی از سال ۱۳۹۲ در جهت عدم عرضه پایه پولی (ذخایر) در عین عدم تشدید نظارت بر بانک‌ها نیز، که بر اساس درکی نادرست از پدیده‌های پولی شکل گرفته بود، بر رقابت بانک‌ها برای جذب ذخایر و درنتیجه فشار بر نرخ بهره افزود. قواعد بازی معیوب و کنترل نشده در تعیین نرخ بهره بانکی در کنار رویکرد انقباضی دولت، موجب شد نرخ بهره بانکی علی‌رغم کاهش رشد عوامل تعیین‌کننده ارزش دارایی‌های بانک، کاهش نیابد. البته بانک مرکزی در میانه‌های سال ۱۳۹۴ در چارچوب بسته خروج از رکود، با افزایش عرضه ذخایر، تاحدی نرخ بهره بین بانکی را کاهش داد، اما به واسطه دغدغه‌های تورمی، این سیاست را متوقف کرد و دوباره نرخ افزایش یافت.»

سخن پایانی

همانطور که گفته شد، افزایش نرخ بهره باعث افزایش ناترازی بانک‌ها در آینده و پمپاژ پولی خواهد شد، البته تیم اقتصادی دولت سیزدهم تا به این لحظه با افزایش نرخ بهره به میزان بیشتر از ۲۳ درصد مخالفت کرده و حتی نرخ بهره سپرده بانکی را در عدد ۲۰ درصد سالانه نگه داشته که اقدام مثبتی است اما بیم آن می‌رود که دولت تحت فشار برخی از کارشناسان اقتصادی، نرخ بهره را بیش از ۲۳ درصد افزایش دهد که باید دید تیم اقتصادی دولت در آینده چه راهکاری را اتخاذ خواهد کرد؟

این درحالی است که در چند ماه گذشته فشارها به دولت بابت افزایش نرخ بهره شدت گرفته است اما دولت تاکنون در این باره با دید احتیاطی برخورد کرده است.

